

یادبودآلته‌هاشمی

سرمايه سالاران بی شناسنامه

فتح ...! املى

دوشنبه شب، بحجت الاسلام محسنی اژایى در برنامه گفتگوى ویژه خبرى توضیحات جدیدى دربارهٔ پرونده اختلاس بزرگ سه هزار میلیارد تومانی ارائه داد که گرچه مطابق انتقارى که وجودداشت اطلاعات چندنان قابل ملاحظه‌ای را با توجه به سیر رسیدگى به پرونده نمى‌داند از آن دفاع (و استدلال دادستان کل کشور) ایاى اینکه هنوز نمى‌تواند همه چیز را روشن کند البته در جای خود درست و پادیرفتى بوده‌است) اما در میان سؤال و جوابها یک سؤال و جواب بسیار تأمل برانگیز و بالاتر از آن تأسفک برانگیز وجودداشت که به اعتقاددنگارنده باید ساعته‌ها روى آن اندیشه کرد.

مجرى پرسید: آورده این گروه براى دریافت این حجم از تسهیلات بانکى چه میزان بوده‌است؟

پاسخ اقای ازایى همانگونه که انتظار مى‌رفت بسیار تلخ و اشارتى واضح به معایبى بوده‌است که در سیستم بانکى و اصولاً نگاه ما به بخش خصوصی مولد و حمایت اقتصادملی از این بخش وجود دارد. و آن پاسخ این بوده‌است که متأسفانه آورده این گروه بسیار ناچیز و با توجه به حجم سوء استفاده انجام شده در حد صفر بوده‌است.

نگاهى دقیق و ملاحظه‌ای همه‌جانبه پیرامون این سازو کار معیوب مى‌تواند در سه‌سها و حقیقتى فراوانى براى مسؤولان و متولیان کشور به هم‌راه داشته باشد. گرچه مى‌شد حدس زد که ظهور بروز بدساترهای همچون گروه منصور اریا و یکشنجه به حد سه ساله پیوند آنان در دهه‌هاى پیمار اقتصاد ایران پدیده‌نو ظهورى نیست و مثالهای فراوانى مى‌توان زد از آدمهای که با استفاده از نفوذ، به پدیرفتى بوده‌است) اما در میان سؤال و جوابها یک سؤال و جواب بسیار تأمل برانگیز و بالاتر از آن تأسفک برانگیز وجودداشت که به اعتقاددنگارنده باید ساعته‌ها روى آن اندیشه کرد.

درشت‌ترى مى‌پرواند آسفتیار است.

تا آنجا که یادم مى‌آید در گذشته، سرمايه‌دارها براى خودشان شناسنامه داشتند. در شهر و محله‌ای شناخته شده بودند. حتى خانه‌هاشان معلوم بود. کارخانه‌هاشان مشخص بود. هر دم مى‌دانستند که طرف در گذر از چه فرّاز و نشیب‌های سختی در دوران عمر سرمايه‌ای به جنگ اُرد... از کارگرى شروع کرده، زحمت‌ها و موارث‌ها کشیده و عمرى گذرانده و سرمايه‌ای اندوخته و این سرمايه‌ای در گذر از کوره‌راه‌های تنگ و گذشتن از آتپها و صخره‌ها و قلّه‌های دشوار و پس از تجربه شکست‌ها و پیروزی‌ها و آموخته‌ها و آزارهای دشوار زندگی و کار به دست آمده و در یک کلام، سرمايه‌دار، شناسنامه و سابقه‌ای داشت و شناخته شده بود و خیلی از آنها محل مراجه‌م مردم بودند. اهل خبر و صدقه و کمک بودند. کار اچمدان کرد و از کار لذت مى‌بردند. گرچه شاید تحصیلات کلاسیک و آکادمیک چندانی نداشتند اما کار آفرین بودند و با تجربه و آفندتر شناخته شده بودند که نامشان خود یک «برند» و به اعتیاب بود. در حال حاضر هم هستند کسانی که سرمايه‌ای و ثروت را در گذر از رنج و کار و تجربه فراهم آورندند و عشق به مردم و مملکت و توسعه و ایجاد کار و تولید و شغل در آنها موج مى‌زند. اما متأسفانه در دهه‌های اخیر در مقابل کار آفرینان و سرمايه‌داران ناشناسان،مردان، عده‌هاى در میانه مناسبات غفلت اقتصادی و بی‌توجهى و بی‌ادبانه‌هاى در بازار سرمايه‌ای و اقتصاد و نظام بانکى کشور، بر آنکه از خود سرمايه‌دار شناخته باشند و با هویت و شناسنامه و سابقه‌ای... با شناخت راهکارها و سازو کارهای استفاده از روزنها و منقذهای سیستم اقتصادی و با برخورد اری از رات‌های مختلف و با چارچ‌ها و رده سه ساله و یک شبه پیموده‌اند و بهانها و زیرزمینى و ترفند کرد، سایه، بی‌سابقه و ناشناس، صاحب ثروتهای کلان شدند و عجیب آنکه تقریبا تمام این ثروت و قدرت را نیز نه از راه کار و فکر و اندیشه و سابقه و زحمت و مهارت و میراث خوشی و با از ارات و به مردم و به همتان اولیه قابل توجه خود، بلکه تقریبا تمامی آنرا از سرمايه‌های این ملت و با استفاده از فرصت‌ها و امکانات و تسهیلات دولت و بیت‌المال و تسهیلات بانکى به چنگ آوردندو چالب اینکه فاصله صفر تا صد سرمايه‌دارى و ثروتندى را چنان با سرعت پیموده‌اند که باور آن حتی برآ طر احوال و توبییل پور شه هم مقدور نیست و چالب آنرا اینکه در شرایط دشوارى کار و تولید برآیه سرمايه‌داران شناسنامه‌دار و شناخته شده، حمایت‌های مالی و بانکى از این گروه بی‌شناسنامه و زیرزمینى و شناخته نشده و در سایه، (خواسته یا ناخواسته) به مراتب بیشتر و بهتر بوده‌است. شاید این خاطر که روابط عمومى قوی‌ترى دارند و با راه‌های نرم کر مد دل اصحاب نفوذ و قدرت را بهتر مى‌دانند و داستى در سیاست مى‌یابندو یا به مراکز پنهانى از قدرت و دولت متصل مى‌شوند و یا... به هر حال هر چه که هست متأسفانه تعداد این سرمايه‌داران و ثروتندان در سایه و در ترفند مردم عادى ناشناس، کم نیست. آنها که سرمايه‌داران کل خانه‌داران و کار آفرینان سابقه و شناخته شده و شناسنامه‌دار کشورامى توانند در مواردى، به قول عوام، در جیب بقل خود جای دهند و بی‌آنکه نقضى و سهمى در تولید و اشتغال و ثواب داشته باشند، سرمايه‌دار کشور را به نفع همه‌هاى شخصى خوشی و به نفعهاى برند. شاید ظهور این پدرخوانده‌های ناشناس و گنگنام و یکشنجه و صد پندله پیموده در تارکى و سیاهی، محصول نگاهى بوده‌است که متأسفانه در موارد عدیده‌ای به جای مقابله با راه‌های کسب ثروتهای نامشروع و سرمايه‌دارى بر ربح و دیناقلب و زیاده‌خواه، بی‌تمايز و تفکیکى صرفاً شمیرى کشیدن بر روى سرمايه‌دار حتى سرمایه‌دار منهد کار آفرین شناخته شده متعهد خیر... و را روا دانسته‌است و محصول این نگاه آن شده‌است که در حال حاضر دهه‌ها بروز و ظهور سرمايه‌داران بی‌شناسنامه‌ای باشیم که در سار حرکت مى‌کنند و بزرگ و بزرگ‌تر مى‌شوند و ناگهان چون گولۍ از چارچ جادوى اقتصاد پیمار بیکاره ظاهر مى‌شوند و خطر مى‌آفرینند.

بیرجند - خبرنگار اطلاعات:

دولت بایدند از طریق طرحی مطمئن آب استان خراسان جنوبی را تأمین از خارج استان و انتقال آب از خارج کشور ممکن می شود.

رئیس جمهوری که در قالب هیأت دولت به بیرجند سفر کرده است، دیروز در اجتماع پر شور مردم این شهرستان، ضمن بیان این مطلب و با تأکید بر اینکه خراسان جنوبی دیار ایمان، صلابت، قناعت و پشتکار است، افزود: خراسان جنوبی دیار مردم سخت‌کوش، فکور و انقلابی است.

دکتر محمود احمدی نژاد دیروز

در بدو ورود به یرو که دیروز به بیرجند رفت جمع خبرنگاران گفت: این استان در طول تاریخ فرهنگیان و مسئولان لبنان، سوریه، عراق و در کشورهای عربی، شمال آفریقا و غرب آسیا، حرکت علیه مستکبران اوج گرفته است.

رئیس قوه مجریه ادامه داد: امروز

استعمارگران تصمیم گرفته‌اند که

تغییر چهره، شعار و دروغ‌گوئی و

فریبکاری و باغوان‌ان‌ان گمی خواهند خود را بررسی و موانع موجود را برطرف می کنند.

رئیس جمهوری سپس در

اجتماع پرشور مردم بیرجند در سخنرانی خود این شهرستان حضور یافت و در سخنانی با اشاره به تحولات بین‌المللی ادامه داد: مشکلات جامعه بشری ناشی از حاکمیت اندیشه‌های غیر علمی و انسان‌های غیرمومن و

ناصالح در مراکز اصلی قدرت جهانی است.

رئیس جمهوری با تأکید بر اینکه مردم سال‌ها جنایات استیکار را تحمل کرده‌اند، اذعان داشت: استیکار جنایاتی کرده که فکر آن، انسان را در برابر جهان تاریخ سرشده می‌اندازد.

گفت: امروز پیادار ملت‌ها

عسکریان اوج گرفته و برای عدالت، آزادی و عزت توجید و

با گذشت به پایامبر(ص) اسلام در حرکت است.

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام در دیدار اعضای مجمع محققین و مدرسان حوزه علمیه،م رسات حوزه‌های علمیه، کشور، خطیر و حساس خواند و

گفت: به رغم پیشرفت کنونی در حوزه‌های علمیه پس از انقلاب

صورت گرفته‌است، اما این رشد

متناسب با نیازهای امر روز اسلام در

بحد حکومتی نبوده‌است، زیرا نسل

نو و جوان کشور در حال حاضر

تشنه معارف ثان‌ی‌ای بیت(ع) و

ارزش‌های اصیل و والای اخلاق

عملی است و حوزه‌های علمیه

باید بتوانند با روزرسانی افکار و

مطالعات خود پاسخگوی سؤالات

و شبهات بیشمار جوانان کشور

باشند.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی،

نسل جدید و جوانان و نوجوانان

کشور را از لحاظ بلوغ سیاسی،

اجتماعی و فرهنگی بسیار متفاوت



وی با یادآوری این مطلب که حرکت ملت‌ها و پیداری آغاز شدو شکل‌ها حرکت کرده‌اند، افزود: در بزگی را تربیت کرده‌است که نقش مهمی در فرهنگ کشور داشته‌اند.

دکتر احمدی نژاد از تشکیل کارگروه اشتغال و جلسه هیات دولت

به صورت ویژه در بیرجند خبر داد و

ادامه داد: روزناری در این سرچند تمام

پروژه‌ها و امور اجرایی حوزه‌های

خود را بررسی و موانع موجود را

برطرف می کنند.

رئیس جمهوری سپس در

اجتماع پرشور مردم بیرجند در

سخنرانی خود این شهرستان حضور

یافت و در سخنانی با اشاره به تحولات

بین‌المللی ادامه داد: مشکلات جامعه

بشری ناشی از حاکمیت اندیشه‌های

غیر علمی و انسان‌های غیرمومن و

ناصالح در مراکز اصلی قدرت جهانی

است.

رئیس جمهوری با تأکید بر اینکه

مردم سال‌ها جنایات استیکار را

تحمل کرده‌اند، اذعان داشت: استیکار

جنایاتی کرده که فکر آن، انسان را

برابر جهان تاریخ سرشده می‌اندازد.

گفت: امروز پیادار ملت‌ها

عسکریان اوج گرفته و برای عدالت،

آزادی و عزت توجید و با گذشت به

پایامبر(ص) اسلام در حرکت است.

رئیس جمهوری همچنین گفت:

برخی معتقدند، قاضی را کشته‌اند و

حرف‌هایش را نگوید، مانند کاری

که بر سر بسز لاد آورند.

احمدی نژاد افزود: این حرکت که

نزد اقدار و با پایان دولت مهم‌مقدمت

آن فراهم و عملیات اجرایی آن آغاز

شده و در میان نسل جوان هر کشور

بیشتر و روند پیشرفت و مدرسی

حوزه‌های علمیه قم به تشریح وضعیت علمی و فکری مدارس

و طلاب و مدرسین حوزه‌علمیه

قسم پرداختند و روند پیشرفت

حوزه‌های علمیه قم به تشریح وضعیت علمی و فکری مدارس

و طلاب و مدرسین حوزه‌علمیه

قسم پرداختند و روند پیشرفت

حوزه‌های علمیه قم به تشریح وضعیت علمی و فکری مدارس

و طلاب و مدرسین حوزه‌علمیه

قسم پرداختند و روند پیشرفت

حوزه‌های علمیه قم به تشریح وضعیت علمی و فکری مدارس

و طلاب و مدرسین حوزه‌علمیه

قسم پرداختند و روند پیشرفت

حوزه‌های علمیه قم به تشریح وضعیت علمی و فکری مدارس

و طلاب و مدرسین حوزه‌علمیه

قسم پرداختند و روند پیشرفت

حوزه‌های علمیه قم به تشریح وضعیت علمی و فکری مدارس

و طلاب و مدرسین حوزه‌علمیه

قسم پرداختند و روند پیشرفت

حوزه‌های علمیه قم به تشریح وضعیت علمی و فکری مدارس

و طلاب و مدرسین حوزه‌علمیه

قسم پرداختند و روند پیشرفت

حوزه‌های علمیه قم به تشریح وضعیت علمی و فکری مدارس

و طلاب و مدرسین حوزه‌علمیه

قسم پرداختند و روند پیشرفت

حوزه‌های علمیه قم به تشریح وضعیت علمی و فکری مدارس

و طلاب و مدرسین حوزه‌علمیه

قسم پرداختند و روند پیشرفت

حوزه‌های علمیه قم به تشریح وضعیت علمی و فکری مدارس

و طلاب و مدرسین حوزه‌علمیه

قسم پرداختند و روند پیشرفت

حوزه‌های علمیه قم به تشریح وضعیت علمی و فکری مدارس

و طلاب و مدرسین حوزه‌علمیه

قسم پرداختند و روند پیشرفت

حوزه‌های علمیه قم به تشریح وضعیت علمی و فکری مدارس

و طلاب و مدرسین حوزه‌علمیه

قسم پرداختند و روند پیشرفت

حوزه‌های علمیه قم به تشریح وضعیت علمی و فکری مدارس

و طلاب و مدرسین حوزه‌علمیه

قسم پرداختند و روند پیشرفت

حوزه‌های علمیه قم به تشریح وضعیت علمی و فکری مدارس

و طلاب و مدرسین حوزه‌علمیه

قسم پرداختند و روند پیشرفت

حوزه‌های علمیه قم به تشریح وضعیت علمی و فکری مدارس

و طلاب و مدرسین حوزه‌علمیه

قسم پرداختند و روند پیشرفت

حوزه‌های علمیه قم به تشریح وضعیت علمی و فکری مدارس

و طلاب و مدرسین حوزه‌علمیه

قسم پرداختند و روند پیشرفت

حوزه‌های علمیه قم به تشریح وضعیت علمی و فکری مدارس

و طلاب و مدرسین حوزه‌علمیه

قسم پرداختند و روند پیشرفت

حوزه‌های علمیه قم به تشریح وضعیت علمی و فکری مدارس

و طلاب و مدرسین حوزه‌علمیه

قسم پرداختند و روند پیشرفت

حوزه‌های علمیه قم به تشریح وضعیت علمی و فکری مدارس

و طلاب و مدرسین حوزه‌علمیه

قسم پرداختند و روند پیشرفت

حوزه‌های علمیه قم به تشریح وضعیت علمی و فکری مدارس

و طلاب و مدرسین حوزه‌علمیه

قسم پرداختند و روند پیشرفت

حوزه‌های علمیه قم به تشریح وضعیت علمی و فکری مدارس

و طلاب و مدرسین حوزه‌علمیه

قسم پرداختند و روند پیشرفت

حوزه‌های علمیه قم به تشریح وضعیت علمی و فکری مدارس

و طلاب و مدرسین حوزه‌علمیه

قسم پرداختند و روند پیشرفت

حوزه‌های علمیه قم به تشریح وضعیت علمی و فکری مدارس

و طلاب و مدرسین حوزه‌علمیه

قسم پرداختند و روند پیشرفت

حوزه‌های علمیه قم به تشریح وضعیت علمی و فکری مدارس

و طلاب و مدرسین حوزه‌علمیه

قسم پرداختند و روند پیشرفت

حوزه‌های علمیه قم به تشریح وضعیت علمی و فکری مدارس

و طلاب و مدرسین حوزه‌علمیه

قسم پرداختند و روند پیشرفت

حوزه‌های علمیه قم به تشریح وضعیت علمی و فکری مدارس

و طلاب و مدرسین حوزه‌علمیه

قسم پرداختند و روند پیشرفت

حوزه‌های علمیه قم به تشریح وضعیت علمی و فکری مدارس

و طلاب و مدرسین حوزه‌علمیه

قسم پرداختند و روند پیشرفت

حوزه‌های علمیه قم به تشریح وضعیت علمی و فکری مدارس

و طلاب و مدرسین حوزه‌علمیه

قسم پرداختند و روند پیشرفت

حوزه‌های علمیه قم به تشریح وضعیت علمی و فکری مدارس

و طلاب و مدرسین حوزه‌علمیه

قسم پرداختند و روند پیشرفت

حوزه‌های علمیه قم به تشریح وضعیت علمی و فکری مدارس

و طلاب و مدرسین حوزه‌علمیه

قسم پرداختند و روند پیشرفت

حوزه‌های علمیه قم به تشریح وضعیت علمی و فکری مدارس

و طلاب و مدرسین حوزه‌علمیه

قسم پرداختند و روند پیشرفت

حوزه‌های علمیه قم به تشریح وضعیت علمی و فکری مدارس

و طلاب و مدرسین حوزه‌علمیه

قسم پرداختند و روند پیشرفت

حوزه‌های علمیه قم به تشریح وضعیت علمی و فکری مدارس

و طلاب و مدرسین حوزه‌علمیه

قسم پرداختند و روند پیشرفت

حوزه‌های علمیه قم به تشریح وضعیت علمی و فکری مدارس

و طلاب و مدرسین حوزه‌علمیه

قسم پرداختند و روند پیشرفت

حوزه‌های علمیه قم به تشریح وضعیت علمی و فکری مدارس

و طلاب و مدرسین حوزه‌علمیه

قسم پرداختند و روند پیشرفت

حوزه‌های علمیه قم به تشریح وضعیت علمی و فکری مدارس

و طلاب و مدرسین حوزه‌علمیه

قسم پرداختند و روند پیشرفت

حوزه‌های علمیه قم به تشریح وضعیت علمی و فکری مدارس

و طلاب و مدرسین حوزه‌علمیه

قسم پرداختند و روند پیشرفت

حوزه‌های علمیه قم به تشریح وضعیت علمی و فکری مدارس

و طلاب و مدرسین حوزه‌علمیه

قسم پرداختند و روند پیشرفت

حوزه‌های علمیه قم به تشریح وضعیت علمی و فکری مدارس

و طلاب و مدرسین حوزه‌علمیه

قسم پرداختند و روند پیشرفت

حوزه‌های علمیه قم به تشریح وضعیت علمی و فکری مدارس

و طلاب و مدرسین حوزه‌علمیه

قسم پرداختند و روند پیشرفت

حوزه‌های علمیه قم به تشریح وضعیت علمی و فکری مدارس

و طلاب و مدرسین حوزه‌علمیه

قسم پرداختند و روند پیشرفت

حوزه‌های علمیه قم به تشریح وضعیت علمی و فکری مدارس

و طلاب و مدرسین حوزه‌علمیه

قسم پرداختند و روند پیشرفت

حوزه‌های علمیه قم به تشریح وضعیت علمی و فکری مدارس

و طلاب و مدرسین حوزه‌علمیه

قسم پرداختند و روند پیشرفت

حوزه‌های علمیه قم به تشریح وضعیت علمی و فکری مدارس

و طلاب و مدرسین حوزه‌علمیه

قسم پرداختند و روند پیشرفت

حوزه‌های علمیه قم به تشریح وضعیت علمی و فکری مدارس

و طلاب و مدرسین حوزه‌علمیه

قسم پرداختند و روند پیشرفت

حوزه‌های علمیه قم به تشریح وضعیت علمی و فکری مدارس

و طلاب و مدرسین حوزه‌علمیه

قسم پرداختند و روند پیشرفت

حوزه‌های علمیه قم به تشریح وضعیت علمی و فکری مدارس

و طلاب و مدرسین حوزه‌علمیه

قسم پرداختند و روند پیشرفت

اطلاعات

آلشانیایی، یا لیلان هشتاسانان

یوری نیکولا یویچ مار

یوری نیکولا یویچ مار در سال ۱۸۹۳ در سن پترزبورگ متولد شد. پدرش -نیکلا مار- عضو فرهنگستان مؤسس اصول جدید زبان شناسی بود و در دانشگاه پترزبورگ تدریس می کرد و خانه‌اش مجمع فضا و دانشمند روس بود. هنگامی که در کلاس هشتم درس می خواند، شوهر عمه اش ویلیام پارتولد(۱۸۶۹-۱۹۳۰) خاورشناس معروف روس، او را در سفر خود به خارج از روسیه همراه برد و بدین طریق یوری در جونی با کشورهای آلمان و فرانسه و انگلستان و امریکا آشنا شد و این مسافرت در بیداری ذوق و قریحه ادبی او بسیار مؤثر بود.

یوری تحصیلات عالیّه خود را در دانشگاه زبانهای شرقی پترزبورگ دنبال کرد و برای مطالعه عملی زبان عربی، به سوریه فرستاده شد. وی در سالهای ۱۹۱۸ تا ۱۹۲۰ به تدریس زبان فرانسه در گورستان پرداخت. مدتی نیز از سال ۱۹۲۰ تا ۱۹۲۱ در دانشگاه تقلیس کار کرد و در این شهر قسمتی از ترجمه «طوطی نامه» را در مجله اروپون منتشر ساخت. در ۱۹۲۱ به زادگاهش یازگشت و درمدرسه علمی زبانهای زنده شرقی مشغول کار شد؛ اما بر اثر کار زیاد، ضعیف شد و در ۱۹۲۳ از کار بازنماند. مار دو سفر به ایران آمد: سال ۱۹۲۵ از طرف موزه آسیایی مأمور شد و در مدت یک سال و نیمی که برای بررسی‌های علمی وادبی در ایران اقامت داشت، تقریباً در تمام ایران گردش کرد و با عده زیادی از ادیبان و اشعاران و نویسندگان آشنا شد و زبان فارسی را به‌خوبی فراگرفت تا جایی که به فارسی شعر می گفت. سرانجام برای مطالعات علمی خود مدارک ضروری را جمع کرد و به شوروی باز گشت و بر اثر بیماری در سال ۱۹۲۷ با همسرش به گرجستان رفت و در آسایشگاه بستری شد؛ ولی از کارهای علمی دست برنداشت و از این رو در یگانه علم آثار تاریخی باستان فرهنگستان در قفقاز مشغول کار شد ومقالات و آثار مفیدی درباره ایران می نوشت.

هزاره فردوسی

در ۱۳۱۴ش/ ۱۹۳۴م دکتر یوری مار به عضویت هیأت نمایندگان شوروی به ایران آمد و در جشن کنگره فردوسی شرکت کرد و خطابه‌ای پیرامون «اوزان شعر شاهنامه» در کنگره ایراد کرد که از بهترین مطالب کنگره بود و از این روبه دریافت نشان زرین نایل گردید. یوری در آخرین سالهای زندگی، مدیریت شعبه شرق نزدیک بگانه علمی شناسایی قفقاز را به عهده گرفت و در تاریخ ایران از دوره صفویه تا پهلوی کار کرد. دولت شوروی آثار او را انتشار داد و بعد از درگذشت وی، دانشمندان شوروی امثال کراچوفسکی(۱۸۸۳-۱۹۵۱) و چاپکین کارهای او را دنبال کردند. یوری مار یکی از آمال بزرگش این بود که فرهنگ فارسی به روسی جامعی با مساعی مشترک تمام ایران‌شناسان شوروی تألیف کند و از تخصص هر یک در آن استفاده شود؛ همچنین به علت علاقه مفرط به آثار ادبی و نظامی گنجوی، درباره او تحقیقات فراوان به عمل آورد.

آثار علمی

این ایران شناس قریب ۶۰ کتاب و رساله و مقاله نوشته است و بیشتر آنها به زبان روسی و به فارسی و گرجی است.
۱- گلستان به خط اختراعی میرزا ملکم خان
۲- سه انتقاد درباره دیوان ابوالفرح رونی و دیوان باباطاهر عریان و رباعیات خیام(در مجله ایران، شماره ۳۳۶.۳-۲۴۱)
۳- منتخباتی از نظامی گنجوی درباره قفقاز
۴- فردوسی، منظورسرای و شعر او (روزنامه طلوع شرق،شماره ۱۱۶-۱۶.۳۳۷، ۲۴ مه ۱۹۴۴)
۵ - شاهنامه فردوسی(با ترجمه رستم و اشکیوس؛ روزنامه کارگر تقلیس، ۲۴ مه ۱۹۴۴)
۶- غزلهای نظامی از نسخه خطی موزه آسیایی در کارنامه فرهنگستان علوم، ۱۹۴۴

۸- دو نسخه مختلف از منظومه لیلی و مجنون در همان کارنامه
۹- غزلیات و رباعیات نظامی از کتاب هفت اقلیم درهمان کارنامه
۱۰- تصادیه نظامی از نسخه خطی موزه آسیایی درهمان کارنامه
۱۱- مقاله به زبان گرجی درباره زلیغ لیل یک
۱۲- مقاله درباره فرهنگهای فارسی و فرهنگ نویسی در اروپا (در مجله صحت اصفهان)
۱۳- مقاله درباره شعرای جنوب ایران (روزنامه استخر شیراز، ۱۹۲۶)
۱۴- سفر ایران در ۱۹۱۵-۱۹۱۶ (کارنامه فرهنگستان علوم شوروی سال، ۱۹۲۶)
۱۵- ادبیات بختیاری(مرجع قبلی)
۱۶- کتابت‌های ایران، در مجموعه انتشارات موزه انسان‌شناسی و مردم شناسی، برای نمایش آثارهای ملی
۱۷- برنامه تألیف فرهنگ زبان فارسی در دیپاجه کتاب « مواد برای تألیف فرهنگ به زبان فارسی»، ۱۹۲۸
۱۸- وزن شعر شاهنامه
۱۹- ترجمه و تفسیر فصل اول تذکرة محمدعوفی که درسالهای ۱۹۱۶-۱۹۱۷ش وکوفسکی انتشار داد.
۲۰- تأثیرهای ادبی در سرفرازان، ۱۹۲۷ش
۲۱- قرائت خانه‌ها و کتابخانه‌های امروز ایران ۱۹۲۷م/۱۳۳۳ش
۲۲- شاهنامه فردوسی، خلاصه‌ای برای عموم، که برای خوانندگان ارمنی نوشته است، ۱۹۳۱
۲۳- مقاله برای عموم درباره فردوسی و شاهنامه با ترجمه منتخبات آن به روسی و ترکی
۲۴- گزارش سفر به تهران برای جشن هزاره فردوسی که در شعبه ماورای قفقاز فرهنگستان علوم خوانده شد، ۱۹۳۴
۲۵- قرئیه ایرانی «پهلوان بلکنیجه پورش»
۲۶- صادق ملارجب
۲۷- زبان محاوره‌ای گرجی در فریدن
۲۸- روابط و علائق گرجستان و ایران (مجله مهر، سال دوم، شماره ۳۲۲-۳۷۶)
۲۹- فرهنگ فارسی به روسی با شواهد (مجله نخست از انتشارات بنگاه مطالعات قفقاز، شعبه فرهنگستان در تقلیس).
۳۰- چاپ کتاب نظامی(به زبان گرجستانی) در مجله ادبی تقلیس ۲۰ فوریه ۱۹۳۵.

لین‌الشیانی از نگاه پیگانگان

تعارف

شعر آن چنان اهمیتی نزد ایرانیان دارد که می‌توانم بگویم هیچ ملتی از این جهت به پای آنان نمی‌رسد. عموماً دوست دارند بیانشان دقیق باشد و از کلمات کمتر استفاده کنند. هنگام گفتگو، کلمات دوبانه و متواضعانه‌ای به کار نمی‌برند؛ برای مثال هنگامی که کسی را اردون خانه خود دعوت می‌کنند، می‌گویند: «خانه ما را منور فرمودید»، «قریان شما»، «خاک پایم»، «چشمم کف پایت» و… ایرانیان مانند فرانسویها و حتی بیشتر از آنان می‌دانند که چگونه الفاظ را بیارایند و خوش‌گویی‌ها!

آدام اولتاریوس، سفیر سفارت پروس (۱۶۷۱ – ۱۵۹۹)

سرزمین خوشنویسان

ایرانی‌ها از زمان قدیم، عاشق خط خوش بوده‌اند و حالا هم برای خط خوش و زیبای اساتید حاضرند پول زیادی بدهند. معمولاً یک قطعه کاغذی را که رویش یک یا چند سطر با خط یک خوشنویس نوشته شده باشد، با طلا وزن کرده و خرید و فروش می‌کنند. معمولاً این قطعات هر قدر که حواشی و تزیینات و به اصطلاح زندهیاشان بیشتر و جالبتر باشد، قیمت بیشتری پیدا می‌کند. برای خوش‌نویسی کالاهای رنگی را که روی آنها نقوشی از آن‌ها طلا دادند، انتخاب می‌کنند. در حقیقت ایران سرزمین خوش نویسان و خطوط به شمار می‌رود. به همین جهت دلالها از جمله آثار هنری که به خارجی‌ها ارائه می‌کنند، همین نسخه‌های خوشنویس است که البته کارشناسان می‌توانند اصالت و ارزش آنها را تعیین کنند و چیزی که در نگاه اول توجه خارجچرا را جلب می‌کند، تزیینات، نقاشی‌ها و تذهیب کاربست است که با حاشیه آن خط خوش به کار می‌رود. قیمتی که دلالها برای نسخه‌های کتب خطی تذهیب شده مطالبه می‌کنند، نسبتاً زیاد و بالاست؛ مثلاً برای یک شاهنامه خطی که تذهیب کمی در آن به کار رفته بود، ۱۵۰ هزارم مطالبه می‌کردند.

دکتر هنریش بروگش، **سفیر پروس در ایران (۱۸۶۱–۱۸۵۹)**
شوخ آذرکندی‌اش
با ایرانیان بدله‌گو و خوش طبع که اصول فلسفی و ریاضی ما را دارند، نه علم و فلسفه دینی ما را، می‌توان در ملام و بدون هراس از قاضی راجع

در دورهٔ شاه عباس اول روابط ایران با کشورهای اروپا آغاز شد و توسعه یافت. البته این روابط بیشتر جنبهٔ سیاسی داشت؛ از این رو که عثمانی‌ها در آن زمان اغلب ایران را مورد تهاجم قرار می‌دادند. چون آن را کشوری مسلمان می‌دیدند و سلطان عثمانی خود را خلیفهٔ مسلمانین و جانشین خلیای راشدین می‌دانست، می‌خواست ایران را هم در حوزهٔ اقتدار خود در آورد. به این خیال پیوسته به ایران دست‌اندازی می‌کرد؛ از طرفی اروپایی‌ها نیز از این دشمن مقتدر شرقی آزار بسیار دیده بودند و دل خوشی نداشتند.

شاه عباس از این موقعیت استفاده کرد و با کشورهای اروپا روابط دوستانه برقرار کرد. آنها هم حسن استقبال کردند. به این طریق آمدن سفرای خارجی به ایران سبب شد که هنردوستان اروپایی به ایران رفت و آمد کنند و متوجه ظرفیت و لطافت هنر خط و مینیاتور و سایر هنرهای ایران شوند، به خصوص که نمونه‌ای بسیاری از این هنرها به وسیلهٔ بازرگانان هنر به خارج رفته و فروخته شده و در مجموعه‌های مردم هندوستان و اروپا و موزه‌ها و کتابخانه‌های عمومی و خصوصی نمونه‌هایی از خط و مینیاتور و تذهیب هنرهای ایرانی وجود داشت؛ لذا عده‌ای از مستشرقان و هنرشناسان خارجی از ممالک مختلف به تحقیق و مطالعهٔ هنر ایران پرداختند، و ویژه هنرهای دورهٔ شاه عباس. در آن دوره در اصفهان - پایتخت حکومت صفوی در دوره شاه عباس - چندین رضا عباسی و یک علیرضا عباسی و یک آق‌قازا و یک محمدرضا پای این هنرهای شگرف را امضا کرده بودند. برای آنها این همه رضا در یک زمان و همه عباسی مشکل ایجاد کرده بود و نمی‌انستند خوشنویس کبیت، تذهیب کار کدام است و نقاش کدام یک از این همه ارضاهاست؛ با ویژه مشکل رضا عباسی و علیرضا عباسی دو هنرمند بنام آن دوره که اغلب آثار به امضای یکی از آنها بود، مشکل بزرگی ایجاد کرده بود. این مشکل مسأله‌ای بود که چندین مستشرق نه تنها یادداشت‌ها و مقاله‌ها، بلکه کتابهای خود را به حل این موضوع اختصاص داده بودند، باز مطابق آنچه دکتر کوتل خاطر نشان کرده، مسأله همچنان قابل بحث بود.

بعد از وی زاره میتوخ و کارابایاک دربارهٔ این دو نفر

* تاریخ ادبیات ما درباره نقاشی و شرح حال استادان قدیمی، اطلاعات صحیحی به دست نمی‌دهد و هنگامی که مورخان از آنها نام می‌برند، فهرستی از شعرا و خوشنویسان هر دوره ذکر می‌کنند و آنچه درباره نقاشان می‌نویسند، گزارشی نارساست و به خصوصیات سبکی آنها اشار‌های نمی‌شود

♦ ♦ ♦ ♦ ♦

به نتایج مختلف برسیند. دکتر میتوخ گفت که علیرضا در دربار شاه عباس نقش خوشنویس و نقاش هر دو را بازی کرده است و کارابایاک مسأله را بدین گونه نقل کرده که علیرضا خوشنویس و رضا نقاش بود و بیش از هفت نقاش و خوشنویس بافته است که با اختلاف جزئی رضا نامیده شده‌اند.

بیشتر این دانشمندان توجیهان معطوف به نمونه‌های موجود کار بود و کمتر به گزارش‌های معاصران توجه کرده‌اند. البته از این عده، دو دانشمند بزرگ آرنولد و دیگری بلوشه مستثنی هستند؛ اما این صاحب حیرت است که این دو دانشمند هم عقاید مختلفی دارند: اولی معتقد است که سر و کار ما با یک نفر است، در صورتی که دومی سفارش می‌کند آق‌قازا را با رضاعباسی اشتباه نکنیم. آنچه و شرق شناس بزرگ سر توماس آرنولد درباره رضا عباسی نوشت و مباحثه‌ای متندی را برانگیخت، این است قبل از اینکه بتوان چیزی نظیر عیار کامل هنر ایران نوشت، باید به وسیله منتقدان هنری و مورخان، کار زیادی انجام گیرد. در تاریخ ادب فارسی درباره هنر نقاشی و شرح حال استادان قدیمی آن، اطلاعات صحیحی در دست نیست و هنگامی که مورخان، نامی از آن‌ها می‌برند، به این طریق است که فهرستی از آن دانشمندان، شعر، مجتهدان و خوش‌نویسان هر دوره را ذکر می‌کنند و آنچه درباره نقاشان می‌دهند گزارش بسیار ضعیف و نارساست و هیچ‌گونه توضیحی درباره شخص یا خصوصیات سبک آنها نیست. بنابراین هر گونه مجاهدات برای تشخیص هنرمدنی مخصوص رسیدن به راه حل قانع‌کننده‌ای باید مبنی بر امتحان دقیق اعضاها و اسناد و تحلیل و تجزیه‌ای تمیزدهنده در آثار آنها.

خلام ایزیل هویارد کوشیده است اثبات کند،

علیرضا عباسی و رضا عباسی خوشنویس هر دو یک نفر بوده‌اند. وی مبنای کار خود را بر نسخه خطی مصور به مذهب مبارکه کرد ولی نمی‌توان اعتمادشان را جلب کرد. در نتیجه همان‌طور که وارد بحث شد،ایم، خارج می‌شوم. مسیحیان و خارجیان علاوه‌بر آنکه آزاداند تا درباره کیش و آیین بحث کنند، می‌توانند لباس ایرانی بپوشند و شمشر ببینند و باید بگویم که ایرانیان حقاً می‌توانند به خوبی از خود دفاع کنند.

دولابولای لوگوز، بزرگان فرانسوی (۱۶۶۵–۱۶۱۰)

بزرگترین حماسه جهان
شاهنامه فردوسی یکی از گرانبهاترین و خارق‌العاده‌ترین تراوشهای روح بشری است. گذشته از عظمت و حجم زیاد آن، با توجه به محتوای غنی، توصیف هنرمندانه و ظریف صحنه‌های دل‌انگیز و فجایع دلخراش، از آن برای مقدم بودن به هم تعارف می‌دهد.
در موارد دیگر نیز تعارف را از یاد نمی‌برم؛ اما:
آن که حق تقدم با اوست، زیاد درنگ نمی‌کند.
در نظر نشان عجیب است که ما اروپاییان برای رعایت حق تقدم به هنگام ورود و خروج، درنگ و تعارف نمی‌کنیم. این محبل‌ترین اقوام جهان نیز هستند و برای رسیدن به مقاصد خویش، نزد صاحبان منصب چندان خود را حوار و کوچک می‌شمارند که در وصف نمی‌کنند!

ژان شارود، بزرگان فرانسوی (۱۷۱۳–۱۶۴۳)

اهل ادب

ایرانیان متمددترین مردم مشرق زمین هستند و بزرگترین ملاحان دنیا به‌شمار می‌آیند. افراد مؤدب ارام‌ای توان همسان‌مؤدترین افراد اروپایی هستند. هنگام ورود به محلی یا خروج از آن، برای مقدم بودن به هم تعارف می‌دهد.
در موارد دیگر نیز تعارف را از یاد نمی‌برم؛ اما:
آن که حق تقدم با اوست، زیاد درنگ نمی‌کند.
در نظر نشان عجیب است که ما اروپاییان برای رعایت حق تقدم به هنگام ورود و خروج، درنگ و تعارف نمی‌کنیم. این محبل‌ترین اقوام جهان نیز هستند و برای رسیدن به مقاصد خویش، نزد صاحبان منصب چندان خود را حوار و کوچک می‌شمارند که در وصف نمی‌کنند!

ژان شارود، بزرگان فرانسوی (۱۷۱۳–۱۶۴۳)

تجربه آموزی

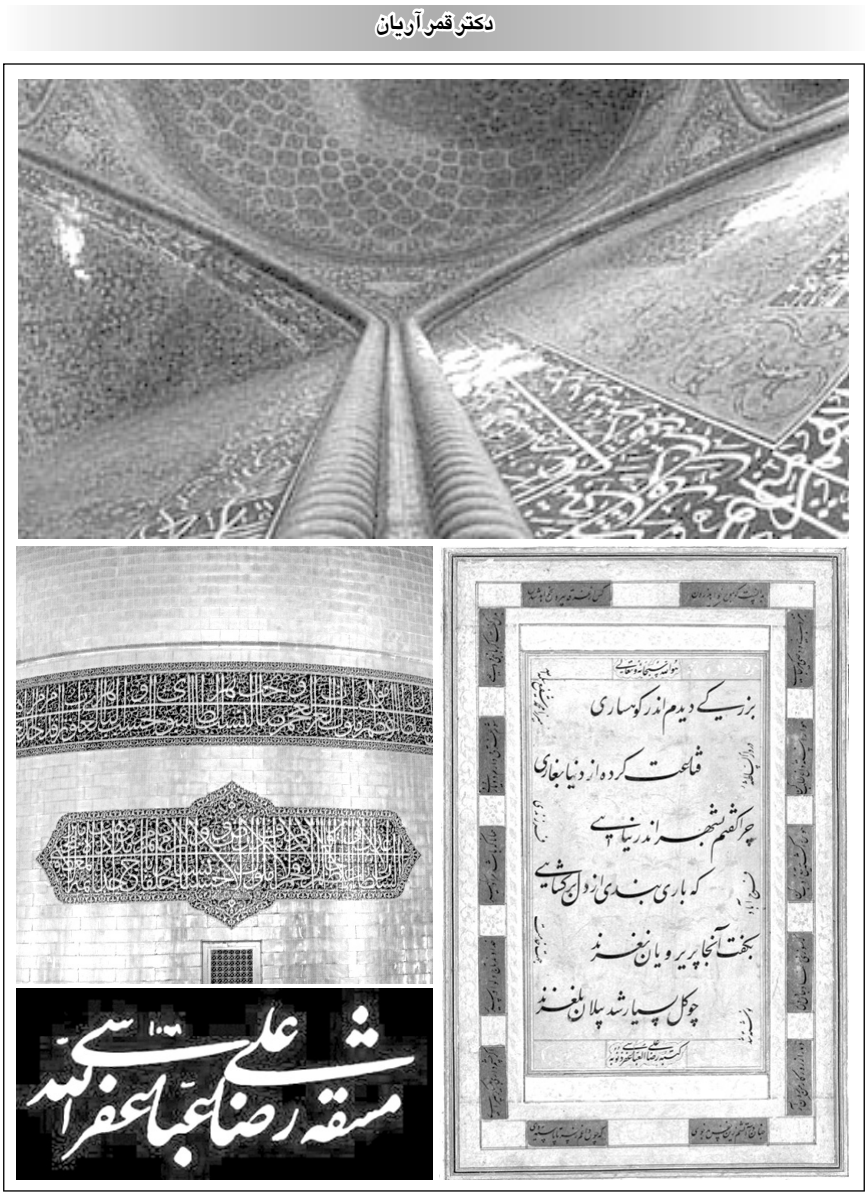
وزرا به جای اینکه منافع و اقدامات خود را وقف سیاست عالیه کشور کنند، اداره تقسیم تشکیلات و کارمندان و فعالیت‌های وزارتخانه را در دست می‌گیرند. هیچ یک از آنان فرصت یاد گرفتن مدیریت یا تجربه آموزتن در این کار را نداشته‌اند. با وجود این، اغلب برنامه‌های بلندپروازانه و ناپخته را به مرحله اجرا می‌گذارند که جانشینان‌شان به دور می‌ریزند. همه وزرای به استثنای چند تن، وقت خود را صرف یافتن شغل برای اقوام و دوستان خود یا اقوام و دوستان نمایندگان مجلس می‌کنند.

دکتر میلیس، اقتصاددان آمریکایی (۱۹۴۳)

و مذهب «سجّه‌الابرار» جامی قرار داده که از مجموعه گورکیان آمریکا (۱۰۲۲ هجری) در شهر ساری تهیه شده و خط کتابت این است: «تمام شد کتاب الفصح‌الافصح، مولانا جامی علیه‌الرحمه؛ کاتبه و مصوره و مذهبه علیرضاعباسی فی بلده ساری من سته هزار و بیست و دو».

شولتز تمام اسناد مربوط به رضاعباسی را مطالعه کرد و به طور قاطعانه گفت که: علیرضا خوشنویس بود و رضا عباسی نقاش و تمام نامه‌ای که در آن رضاست (مانند آق‌قازا و امثال آن) به هنرمندان دیگر متعلق است؛ اما در البوم‌ها و مجموعه‌های خارج از ایران، تصویرهایی از علیرضا و وجود دارد؛ مثلاً تصویر شاه عباس در مجموعه «روزنرگت به تاریخ ۱۰۲۴ هـ» اصفای علیرضا عباسی را دارد که عموماً یک امضای جعلی تلقی شده است. در کتابخانه توفیایی سرای استانبول تصویر

عباسی، هنر مند عصر صفوی



مردجوانی است با امضای علیرضا. یکی از نقاشی‌های الیوم»ساره (sarre) ظاهرأ مراسم زیارت مشهد را نشان می‌دهد و طرز کار بسیار عالی است. در این نقاشی که نوشته‌ای طولانی دارد و خطوط محکم یک استاد خوشنویس را عرضه می‌کند، با تاریخ (۱۰۰۷ ق/ ۵۹۸ م) امضای آن رقمه وضاست. پروفیسور لیتمن برای هنرشناسان خارجی چیز جالبی ذکر می‌کند و این اینکه می‌گوید: خوشنویس از منظر شرقی، ارزش‌شن بیشتر از نقاش است.

ظواهر یکی از عللی که سبب اشتباه بین علیرضا و خوشنویس و رضا عباسی مینیاتوریست می‌شود، این است که علیرضا عباسی خطاط تبریزی، کتابدار شاه بود و هر تصویری که نقاشان به شاه‌تقدیمی می‌کردند، به او سپرده می‌شد و او روی آنها می‌نوشت: «کتبه شاه‌عباسی» یا تاریخ فالان، البته باید دانست که «کتبه» غیر از «صوره» است. او کاتب تاریخ ورود آن تصویر به کتابخانه و ضامن حفظ آن بود، نه مصورش.

شرح طولانی از دوره زندگانی علیرضا به عنوان خوشنویس در «امتحان الفضلاء» میرزا سنگلاخ آمده است که در باب استادی وی در بحث نسخ و نستعلیق، بحث وافی به عمل آمده است. بهترین نمونه‌های خط وی در کتابخانه بودلیان به تاریخ ۱۰۱۱ هـ در موزه بریتانیا (۱۰۲۲ هـ) و در مجموعه‌های مختلف یافت می‌شود و همه آنها نام علیرضا عباسی را دارد.

در عالم آرای عباسی «مولانا علیرضای عباسی» را به عنوان شاگرد مولانا علی بیک خوشنویس بزرگ می‌پایم که در طول نستعلیق عباسی تمایل شدیدی برای تمرین سبک سلف‌نشان داشت و در مدت کوتاهی پیشرفت عظیمی نمود و یگانه زمان شد. طاهر نصرآبادی در تذکره‌الشعرای خود از این علیرضا به عنوان شاعر و خوشنویس نام می‌برد. قاضی احمد در گلستان هنر (به کوشش احمد سهیلی خوانساری) می‌نویسد: «مولانا گوید که شاه عباس از سوء مزاجی که به میرعماد پیداکرد،

شد و دخیل محفل خاص گردید.» بعضی گویند که علیرضا معارض و رقیب میرعماد بود و در قتل میرعماد دست داشت که مسلم نیست؛ ولی معلوم است که شاه عباس بهره‌رم میرعماد، به علیرضا و خوشنویس نام می‌برد. قاضی احمد در گلستان هنر (به کوشش احمد سهیلی خوانساری) می‌نویسد: «مولانا گوید که شاه عباس از سوء مزاجی که به میرعماد پیداکرد، شد و دخیل محفل خاص گردید.»

بعضی گویند که علیرضا معارض و رقیب میرعماد بود و در قتل میرعماد دست داشت که مسلم نیست؛ ولی معلوم است که شاه عباس بهره‌رم میرعماد، به علیرضا و خوشنویس نام می‌برد. قاضی احمد در گلستان هنر (به کوشش احمد سهیلی خوانساری) می‌نویسد: «مولانا گوید که شاه عباس از سوء مزاجی که به میرعماد پیداکرد، شد و دخیل محفل خاص گردید.»

بعضی گویند که علیرضا معارض و رقیب میرعماد بود و در قتل میرعماد دست داشت که مسلم نیست؛ ولی معلوم است که شاه عباس بهره‌رم میرعماد، به علیرضا و خوشنویس نام می‌برد. قاضی احمد در گلستان هنر (به کوشش احمد سهیلی خوانساری) می‌نویسد: «مولانا گوید که شاه عباس از سوء مزاجی که به میرعماد پیداکرد، شد و دخیل محفل خاص گردید.»

بعضی گویند که علیرضا معارض و رقیب میرعماد بود و در قتل میرعماد دست داشت که مسلم نیست؛ ولی معلوم است که شاه عباس بهره‌رم میرعماد، به علیرضا و خوشنویس نام می‌برد. قاضی احمد در گلستان هنر (به کوشش احمد سهیلی خوانساری) می‌نویسد: «مولانا گوید که شاه عباس از سوء مزاجی که به میرعماد پیداکرد، شد و دخیل محفل خاص گردید.»

علیرضا تبریزی شاگرد مولانا علی بیک تبریزی است. بعد از قرت رومیه شومیه و خرابی دارالسلطنه تبریز به دارالسلطنه قزوین آمد و در آن‌بلده وطن‌اختیار نمود و در مسجد جامع آق‌چال اقامت انداخت و به کتابت اشتغال ورزید. کتابهایه مسجد جامع آنجا به خط اوست و چند مصحف در آنجا تمام نمود.

شادروان دکتر مهدی بیانی در کتاب «احوال و آثار خوشنویسان» درباره این شخصیت کم مانند می‌نویسد: «علیرضا تبریزی از بزرگترین خوشنویسان دورهٔ صفوی در ایران است. او به خط نستعلیق با دقت و کثابت اشتغال ورزید. کتابهایه مسجد جامع آنجا به خط اوست و چند مصحف در آنجا تمام نمود.

شادروان دکتر مهدی بیانی در کتاب «احوال و آثار خوشنویسان» درباره این شخصیت کم مانند می‌نویسد: «علیرضا تبریزی از بزرگترین خوشنویسان دورهٔ صفوی در ایران است. او به خط نستعلیق با دقت و کثابت اشتغال ورزید. کتابهایه مسجد جامع آنجا به خط اوست و چند مصحف در آنجا تمام نمود.

شادروان دکتر مهدی بیانی در کتاب «احوال و آثار خوشنویسان» درباره این شخصیت کم مانند می‌نویسد: «علیرضا تبریزی از بزرگترین خوشنویسان دورهٔ صفوی در ایران است. او به خط نستعلیق با دقت و کثابت اشتغال ورزید. کتابهایه مسجد جامع آنجا به خط اوست و چند مصحف در آنجا تمام نمود.

*** آمدن سفرا در عصر صفوی، هندوستان غربی را به ایران کشانید و آنها متوجه ظرایف هنرهای ما شدند. بازرگانان نیز نمونه‌هایی از خط و مینیاتور را برای مجموعه‌های هنری اروپا بردند و عده‌ای از مستشرقان و هنرشناسان خارجی به تحقیق و مطالعهٔ هنر ایران پرداختند**

♦ ♦ ♦ ♦ ♦

بود، کسانی از نوکران خود را به قتل او برانگیخت. با این حال، بعد از مرگش از او تجلیل نمود و در واقع مرگ او به هنر خوشنویسی لطمه زد.

باری، علی‌رضا در دربار شاه‌مصدر کارهای هنری بود. میرزا سنگلاخ به حسب معمول خود و بعضی متأخران به تبعیت او گفته‌اند که سلطان به علیرضا لقب «شاهنواز» داد و نیز میرزا سنگلاخ گوید به مناسبت عمر طولانی، وی را «شیخ‌الخطاطین» خطاب می‌کردند. در سال ۱۰۱۰ هـ که شاه ابنیهٔ آستان قدس رضوی را تعمیر کرد، وی نظارت این تعمیر را به عهده داشت و کتیبه‌های صحن مبارک و خواجه ربیع را به خط ثلث نگاشت و الواح زرین دور ضریح که به وسیله استاد مستعلی زرگر ساخته شده، به خط نستعلیق وی زینت یافت.

در سال ۱۰۲۰هـ شاه‌خانه‌های او را به مبلغ سیصد تومان خرید و برای بنای مسجد جامع تخصیص داد و استاد بدیع‌الزمان تونی طرح بنای آن را عهده‌دار شد و کتیبهٔ آن را علیرضا نگاشت که به مسجدشاه معروف شد. کتیبهٔ مسجد مقصودبک واقع در محله ظلمات و مشهور به «کتبه ظلمات» به خط علیرضاست که می‌نویسد: «در زمان دولت پادشاه جمجاه مالیک‌سپاه گردون‌یارگاه، مروج مذهب ائمه اثنا عشر صلوات الله علیهم من الملک کمترین غلامان مقصودبیک آن را به روزگار بنندگان نواب اشرف حبه نمود. کتبه علیرضا عباسی ۱۰۱۱» و نیز کتیبه مسجد شیخ لطف‌الله به خط علیرضا و به عبارت عربی است.

در کتاب تذکره خوشنویسان چیز تازه‌ای غیر از آنچه در سایر تذکره‌ها آمده‌است، نیست. در کتاب تذکرهٔ نصرآبادی نگارش میرزا محمدطاهر نصرآبادی— آمده‌است: «مولانا علیرضا تبریزی است؛ اگرچه فضیلت او به مولانا عبدالباقی نمی‌رسد، اما بسیار پاکیزه وضع و آدمی روش بود. هفت قلم را خوش می‌نوشت. کتیبهٔ مسجد شیخ لطف‌الله و کمر قلعهٔ در مسجدعباسی (مسجدشاه اصفهان) خط اوست. به طاقهای روی بازارخانان و حلاجان و به در مسجد شیخ لطف‌الله یک رباعی به خط نستعلیق نوشته، خوب نوشته: این رباعی از این‌است:

آخانه نشین شدی توای در خوشاب پیوسته مراسات از غمت دیده پربآب من خانه دل حشرآب کرم ز غمت تو خانه نشین شدی و من خانه خراب از آثار گرانهای بی‌همتای علیرضا عباسی کتیبهٔ طلای ضریح مقدس آستان رضوی در مشهد است که سالها از ضریح جدا شده و در انبار خزانه متروک مانده کتیبه ساختن هنرمند زبردست مستعلی زرگر و خط آن که نستعلیق یک دالگ است، از آثار جاودان علیرضا عباسی است.

بعدها باگذشت قانونی از مجلس، کتیبه‌ها ابتدا به موزه ایران باستان منتقل گردید و پس از چندماه که در معرض نمایش بود، به مشهد منتقل و تحویل آستان قدس رضوی شد که در موزهٔ آستان مورد نمایش است. این کتیبه ساختن هنرمند زبردست مستعلی زرگر و خط آن که نستعلیق یک دالگ است، از آثار جاودان علیرضا عباسی است.

برگرفته از: آفرین نامه ریاحی

پی‌نوشتها:

۱- پروفیسور میتوخ سالها رئیس شعبهٔ علوم شرقی در برلن بود و در دورهٔ زندگانی بر کار خویش، دربارهٔ علم و ادب شرق مطالعات عمیق نمود و خدمات نمایان کرد. آثار وی دربارهٔ هنر ایرانی، خاصه نقاشیهای رضاعباسی قابل توجه است.

۲- گلستان هنر، ص ۴۱
۳- عمادالملک محمدحسین حسین سیفی قزوینی، یکی از بزرگترین و بهترین و نامدارترین خوشنویسان تاریخ خط و خوشنویسی.
۴- برای تفصیل بیشتر در باب او رک: احوال و آثار میرعماد، دکتر مهدی بیانی ۱۳۲۰.

حمام گنجعلی خان



نقاشی‌های سرد حمام آسیبهای مختلفی دیده که در سالهای اخیر مرمت شده و در بعضی جاها با گواش رنگ آمیزی شده‌است.
فضای اصلی
با عبور از زیر سردر و راهرویی غیرمستقیم که مانع از دیدن درون حمام و حفظ گرمای آن می‌شود، و عبور از یک هشتی کوچک و درگاهی منقوش با حجاری پرندگان و دریا، می به فضای بزرگ می‌رسیم که نامش «رخکن» و نام دیگرش «سربینه» است که از فضاهای اصلی بناسد و در یک بازگویی پرشمار کامل و ترکیبی مناسب از سطوح کاشیکاری پر نقش و نگار و رنگارنگ، سنگهای مرمر، سقفهای کاردنی شده، استفاده از صدای آب حاصل از فوران فواره‌ها و نورپردازی ویژه، فضایی دلنشین و خاص آفریده‌است.
رخکن متشکل از یک فضای میانی وسیع با سقفی

چهار شنبهٔ ۴ آبان ۱۳۹۰ - ۲۸ ذی القعدة ۱۴۳۲ - ۲۶ اکتبر ۲۰۱۱ - شماره ۲۵۱۶۲

دوست و دشمن

سعدی: هر آن سِری که داری، با دوست درمیان مته؛

چه دانی که وقتی دشمن گردد و از هر بدی که توانی، به دشمن مدانی که باشد که وقتی دوست گردد.

ستایم وطن را

استاد ادیب پرومند

من ایرانی‌ام، باشد ایران سرایم
به وصف سرایم، قصیدت سرایم
درخشنده فرهنگ ایران زمین را
ستایشگر قدر و فِر و بهایم
ز ایران همه شوق، پتا سابه فرم
ز ایران همه شور، سر سابه پایم
تو گویی یکی ارغنونم خوش‌آوا
که از پنجهٔ اوست دلکش نوایم
به میراث پر ارج دانشورانش
چنان بسته‌ام دل که از خود رهایم
پرستم خدا را، ستایم وطن را
که یزدان پرستم، که ایران‌ستایم
به آیین اسلام، دارم عقیدت
ستایندهٔ خواجهٔ انبیایم
به ایمان، مسلمان فرخنده‌کیشم
به دوران، وطن‌خواه سنجیده‌رایم
به مِلّتِ امیخت اسلام در من
که از جان‌هودارایم هر دو تایم
اگر چند رستم‌نژادم به گوهر
دل آکنده از مهر شیر خدایم
بود گوهرم گرچه سنگین و والا
ز بر ترنژادی جدایم، جدایم
به هر قوم، عزّت‌نهم مرد و زن را
که چون سنگ زبرینهٔ آسیایم
من و عشق سوزان ایران که باشد
قوی‌مایه از مهر میهن قوایم
چو من روشناسم به مِلّت خود
مرا فخر از آن است، در هر کجایم
کیانی‌فرم، گوهرم پاک و روشن
که از پر هنر تیرهٔ آریایم
نیاکامم آزادگان‌اند و رادان
نشاید که دل بگسلم از تایم
ز بی‌ریشگی کی بود بار و برگی؟
تجاوز درختم، نه خوددور گایم
نمای بی‌وطن، نیستم خانه بی‌دوش
نه چون لاک‌پشتم، که فرخ همایم
نهم ارج تاریخ این بوم و بسر را
که در وی نهان است راز بقایم
نه یچینده چون پیچکم بر درختی
نه چون شاد رز، منکی بر عصایم
صریح‌م به گفتار و یک‌دنگ و یک‌رو
نه اهل فریبم، نه مرد ریایم
نه چون کودک مکتبی مغز شسته
نه بیگانه با مکتب انتقایم
به حفظ شرف، بهر پاس فضیلت
همی روی‌گردان ز هر ناروایم
نه وابسته بر شرف باشم نه بر غرب
نه سرمایه‌دارم، نه خود بی‌نویایم
به مِلّت خویش وابسته‌ام من
ادیب برومند ایران گرایم

پی‌نوشتها:

۱- ستیهند: به شدت ستیزکننده
۲- اتقیا: پرهیزگاران، افراد متقی.

تن شویی دیگر، در آن دیده می‌شود. در سمت راست «گر مخانه»، مجسمه‌های کیسه‌کشان و دلاکان، مشغول کار قرار دارند و سمت دیگر، حوضی هشت ضلعی با ستونهای سنگی یکپارچه که دو به دو به قرینه‌اند، با طاقی خیمه مانند و مجسمه‌هایی دیگر دیده می‌شود.

«خرینهٔ حمام» و بخش مخصوص استحمام حکام و بزرگان و سنگ ساعت زمان در این بخش نیز از دینیهایی آن است. سقف‌اغلب کارنبدیهای متنوع و جالبی دارند که نظم‌درونی مجموعه را بیشتر می‌نمایند نشانی از «درونگرا بودن معماری سنتی ایران» است.

نورپردازی

نور فضاهای حمام از سقف تأمین می‌شود طوری که نورگیرها معمولاً در مرکز و یا دورادور سقف‌ها جای گرفته‌اند و کاملاً با هندسه سقف، هماهنگی پیدا کرده و سقف را نورانی تر نشان می‌دهد و سایه -روشن زیبایی بر روی آن ایجاد می‌کند. حوض آب زیر این نورگیرها نیز بر جلوهٔ نورپردازی آن می‌افزاید. در نورگیرهای سقف، برای جلوگیری از اشراق و دید و نظیف حرارت گرمخانه، از «گل جام» یا «معلی» استفاده شده‌است تا نور خورشید را به داخل فضا هدایت کند.

گرمای این حمام به وسیلهٔ «گلخن یا تون» تأمین می‌شده است. از تون، کانالهای «گرپوره» یا اشعایی به زیر گرمخانه حمام کشیده‌شده، هوای داغ را از خود عبور داده، کف آن را گرم می‌کرده‌است و هوای آلوده و زاید از طریق روزنه‌ها به بیرون هدایت می‌شد.

ویژگی‌ها

کتابشناسی این ویژگی‌ها و ویژگی‌های

لخمیان کز گناه هشیمنستان

درخشش کَهِگِلیوِه و پویرا احمد در مسابقات کاراته
یاسوج خبرنگار اطلاعات:تیم کاراته‌سبک شینور یوستان کَهِگِلیوِه و پویرا احمد در مسابقات قهرمانی کشور صاحب یک مدال طلا، یک نقره و دو برنز شد.

در جریان بیست و یکمین دوره این مسابقات که با حضور استان‌های سراسر کشور در رده‌های سنی نوجوانان، جوانان و بزرگسالان در تهران برگزار شد فرشاد خشنودی مقدم در رده سنی بزرگسالان و رشته کاتا عنوان قهرمانی و مدال طلا را از آن خود کرد.

در رده سنی جوانان نیز یونس حبیبی در رشته کاتا به مقام دوم دست یافت و آرمان معصومی‌نژاد به مقام سوم رسید.در رده سنی نوجوانان در کاتا نیز امیرحسین اسپندان به مقام سوم دست یافت.

آموزش رایگان تگارگری در خانه شهروند کاشان
کاشان - خبرنگار اطلاعات:مدیرعامل سازمان رفاهی تفریحی شهرداری کاشان از آموزش رایگان تگارگری (مینیاور) در خانه شهروند این سازمان از آبان امسال خبر داد.

مهدی نادعلی افزود: این دوره آموزشی در راستای ایجاد زمینه کشف و شکوفایی استعدادهای جوانان مستعد و افزایش سطح آشنایی عمومی مردم با هنر اصل نقاشی ایرانی اسلیمی (تگارگری) در راستای آموزش شهروندی به عنوان یکی از وظایف و رسالت‌های سازمان رفاهی -تفریحی شهرداری کاشان است.وی ترویج هنر تگارگری بین مردم و -انتشارآیاری برای هنرمندان این رشته را از دیگر اهداف برگزاروی این دوره دانست و افزود: آثار هنر جوانان شرکت‌کننده در رده دوره آموزشی در قالب نمایشگاهی برای بازدید عموم به نمایش گذاشته می‌شود.

برگزاری ۳۸ دوره آموزشی در شهرداری کاشان
مدیر واحد طرح و برنامه شهرداری کاشان از برگزاری ۳۸ سیمینار، کارگاه آموزشی و همایش از ابتدای امسال تاکنون خبر داد.مهندس سید مرتضی حسینی با اشاره به اینکه برگزاری دوره‌های آموزشی مذکور برابر با ۶۰۹ ساعت آموزش بوده است گفت:افزایش مهارت و ارتقای دانش کارکنان شهرداری و خدمات رسانی بهتر و بیشتر به شهروندان ازاهداف برگزاری این دوره‌ها است.
مهندس سید مرتضی حسینی با اشاره به اینکه برگزاری دوره‌های آموزشی مذکور برابر با ۶۰۹ ساعت آموزش بوده است گفت:افزایش مهارت و ارتقای دانش کارکنان شهرداری و خدمات رسانی بهتر و بیشتر به شهروندان ازاهداف برگزاری این دوره‌ها است.

برگزاری صبحگاه مشترک نیروی انتظامی و بسیج دیر
ایران - خبرنگار اطلاعات:صبحگاه مشترک نیروی انتظامی و بسیج سپاه پاسداران شهرستان دیر در محل صبحگاه نیروی انتظامی این شهرستان برگزار شد.سرهنگ قربانی فرمانده نیروی انتظامی دیر در این مراسم گفت:پلیس آگاهی شهروندان دیر حدود ۶۰۰ قطعه تجهیزات ماهوارهای کشف پ در زمینه سرقت احیام دو نفر در دستگیر کرده است. وی با اشاره به افزایش شمار معتادان از این شهرستان، افزود: کشف مواد مخدر نیز چهار برابر افزایش یافته است.

تستگیری ۴ سارق سابقه‌دار در دیر
* فرمانده نیروی انتظامی دیر از دستگیری دو سارق سابقه‌دار خبر داد. سرهنگ قربانی قربانی گفت:مأموران پلیس آگاهی شهرستان دیر در یک عملیات ویژه توانستند دو سارق سابقه‌دار و حرفه‌ای را شناسایی و دستگیر کنند.به گفته وی، این سارقان اقدام به سرقت سیم و کابل برق می کردند که با تکمیل تحقیقات،متهمان در اختیار مرجع قضایی قرار گرفتند.

انتهاد ۳ شبکه بین المللی قاچاق ماده مخدر شیشه در هرمزگان
بندرعباس - خبرنگار اطلاعات: رئیس پلیس مبارزه با مواد مخدر استان هرمزگان از متلاشی شدن سه شبکه بین‌المللی تهیه و توزیع ماده مخدر شیشه در قاچاق و انتقال این مواد به خارج از کشور می‌کردند،

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی پلیس ، سرهنگ سید احمد خدایی با بیان مطلب بالا افزود: با تلاش کسبهانروزی مأموران اداره عملیات ویژه پلیس مبارزه با مواد مخدر استان و پشتیبانی و همکاری پلیس مبارزه با مواد مخدر ناجا، در تیمه نخست امسال در سه عملیات جداگانه سه شبکه تهیه و توزیع بین‌المللی ماده مخدر شیشه که به شگرد و شیوه‌های بسیار ماهرانه مبادرت به قاچاق و انتقال این مواد به خارج از کشور می‌کردند، شناسایی و متلاشی شدند.

وی افزود:مأموران پلیس مبارزه با مواد مخدر در اجرای این عملیات ۴۴۲ و ۵۵۰ گرم ماده مخدر شیشه‌ای در قاچاقچیان کشف و اعضای شبکه‌ها را شناسایی و دستگیر کردند.

شیراز - خبرنگار اطلاعات: تاکنون ۹۲۵ هزار نفر از ۳ میلیون نفر عشایر کشور بیمه شده‌اند. مجید موسویان، مدیرعامل صندوق بیمه اجتماعی روستائیان و عشایر کشور، با بیان این خبر در همایش یک روزه دهیاران منتخب فارس با اشاره به این مطلب که ۱۱ هزار خانوار در کشور مستعمری بیمه روستایی دریافت می‌کنند، افزود: با توجه به اینکه اکثر روستاهای برخی از شهرستان‌های کشور زیر پوشش بیمه قرارگرفته‌اند، نخستین جشن ششکرگزاری در کشور به زودی در یکی از شهرستان‌های آذربایجان شرقی برگزار می‌شود.

او با یادآور اینکه با توجه به ششکرگزاری در کشور به زودی در تمام روستائیان در شهرستان‌های مختلف فارس، هرچه زودتر این جشن در این استان برگزار شود، افزود: مسئولان فارس در زمینه بیمه روستائیان و عشایر این استان باید به گونه‌ای برنامه ریزی کنند که در این مورد عقب نمانند و تا پایان امسال، دو سوم جمعیت روستایی و عشایری این منطقه را زیر پوشش بیمه قرار دهند.

موسویان یادآور شد: هم‌ایک در فارس ۲۵۰ هزار خانوار عشایری بدون بیمه وجود دارد که از این عده تاکنون ۷۵ هزار نفر بیمه شده‌اند. همچنین در استان ۹۰ درصد خانوار به دلیل قوت سرپرست

بررسی مشکلات اجرایی پروژه‌های آب و فاضلاب بهیهان

بهیهان - خبرنگار اطلاعات: به منظوربررسی مشکلات پروژه‌های آب و فاضلاب شهرستان بهیهان جلسهای با حضور مدیرعامل آب و فاضلاب خوزستان در فرمانداری بهیهان برگزار شد.در این جلسه باذلی محبوب فرماندار بهیهان به بررسی مشکلات طرح‌ها و پروژه‌های آب و فاضلاب و پروژه‌های در حال اجرا و پرداخت‌وی در ادامه شناسایی بااشاره به ضرورت اجرایی هفت کیلومتر خط انتقال آب منصوریه و تعویض شبکه فرسوده آب آغاچاروی افزایش ظرفیت مخازن ذخیره آب ذوالفقاری، تأمین آب شبکه‌های روستاهای بدوی و حسین‌آباد، نبود ساختمان مناسب اداری در سردهشت زیدون، فرسودگی شبکه‌های توزیع آب بهیهان که مجموعاً ۵۵۰ کیلومتر است، گفت: تاکنون ۵۰ درصد آب نوسازی شده است و ۵۰ درصد بقیه نیاز به اصلاح و نوسازی دارد. او کندی روند اجرایی شبکه‌های فاضلاب و ضرورت شروع عملیات ساخت تصفیه‌خانه فاضلاب بهیهان را از جمله مشکلات شهرستان برشمرد و خواستار رفع آنها از طریق

شهرضا - خبرنگار اطلاعات:خوزستان در ادامه سخنانش مسائل و مشکلات مخزن خط انتقال آب سردهشت زیدون، بخش آغاچاروی، آبرسانی روستای منصوریه و همچنین در خصوص تأمین آب آشامیدنی روستاهای بدوی و حسین‌آباد را مورد توجه و بررسی قرار داد.

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده نوبت اول شرکت تعاونی مسکن مهر شماره ۴منطقه ۴تهران
از اعضای محترم این شرکت دعوت می‌شود در جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده شرکت تعاونی که راس ساعت ۱۲ روز جمعه مورخ ۹۰/۹/۲۴ در محل جاده ملارد جوب جنوب یوسف‌آباد پروژه شرکت قطعه ۲-۲۲۱ تشکیل می گردد، شرکت نمایند.
دستور جلسه:
۱-ارائه گزارش هیات مدیره ۲-انتخابات هیئت مدیره
اعضای واجد شرایط مساهده۳۸عضای بخش تعاونی که قصد کاندیداتوری دارند، حداکثر ظرف یک هفته از تاریخ آگهی به دفتر تعاونی مراجعه نمایند.

هیات مدیره شرکت

آگهی دعوت به مجمع عمومی فوق العاده

از کلیه سهامداران **فآر آب سهمای خاص** به شماره ثبتی ۵۵۱ دعوت می‌شود جهت شرکت در مجمع عمومی فوق‌العاده که روز یکشنبه مورخه ۹۰/۸/۱۵ در ساعت ۱۰ صبح به نشانی تهران میدان آرژانتین خیابان زاگرس نش خیابان ۱۴ پلاک ۲۱ واحد ۱۰ برگزار می‌شود، حضور بهم رسانند.

دستور جلسه

افزایش سرمایه شرکت

هیأت‌مدیره

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده شرکت تعاونی فхарان ایران «نوبت اول»

از اعضای محترم این شرکت دعوت می‌شود در مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده نوبت اول که در ساعت ۰۸صیح روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۰/۸/۱۸ در **محل شرکت واقع درخیابان ایرانشهر شمالی ساختمان شماره ۲۳۰ طبقه سوم** تشکیل می گردد حضور بهم‌رسانند.

دستور جلسه:

۱-استماع گزارش حسابرسان

۲-انتخاب تصمیم در مورد نتایج حسابرسی انجام شده

هیئت مدیره شرکت تعاونی فхарان ایران

بسمه تعالی

آگهی دعوت مجمع عمومی فوق‌العاده نوبت اول

شرکت تعاونی مصرف کارکنان حوزه ستادی وزارت نیرو

بدینوسیله از کلیه اعضای محترم شرکت تعاونی مصرف کارکنان حوزه ستادی یا نمایندگان قانونی آنها دعوت به عمل می‌آید درجلسه مجمع عمومی عادی نوبت اول که راس ساعت ۱۴ روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۰/۸/۱۸ در**محل سلان کنفرانس ساختمان مرکزی وزارت نیرو** واقع در تهران - انتهای اتوبان کردستان ورودی اتوبان نیاپیش به شرق ساختمان مرکزی وزارت نیرو با دستورجلسه به شرح زیر تشکیل می گردد حضور بهم‌رسانید.

دستور جلسه:

-تغییر آدرس شرکت تعاونی از تهران میدان ولیعصر کوچه شهید مازنی پلاک ۱۲ به آدرس تهران انتهای اتوبان کردستان ورودی اتوبان نیاپیش به شرق ساختمان مرکزی وزارت نیرو کدپستی ۱۹۹۶۸۳۳۶۱۱ تلفن ۸۱۶۰۶۹۴۹ و ۸۱۶۰۶۲۴۴

هیئت مدیره شرکت تعاونی مصرف کارکنان حوزه ستادی وزارت نیرو

۹۲۵ هزار نفر از عشایر بیمه شده‌اند



توجه قرار گیرد.

او با یادآوری این مطلب که خدمت رسانی به اقشار محروم و مستضعف از اصول دولت دهم

است، گفت: از این رو دولت با عزم جدی و تلاش مضاعف به گونه‌ای عمل کرده که امروز امکانات دولتی بیش از آن که به شهرهای بزرگ اختصاص یابد به روستاها اختصاص یافته است. صادق عابدین با اشاره به این مطلب که در دولت نهم به تازگه به ۷۰۰ روستای این استان گازرسانی شده است، افزود: هم اکنون ۹۰ درصد روستاهای فارس از آب آشامیدنی

بهرمند هستند و مقاوم سازی ساختمان‌ها و اجرای طرح هادی روستایی نیز مورد توجه قرار گرفته است.

استاندار فارس در ادامه با تأکید بر این مطلب که با برنامه ریزی‌های انجام شده و به همت دهیاران بخش قابل توجهی از روستائیان زیر پوشش بیمه تأمین اجتماعی روستایی قرارخواهد گرفت، گفت: از دهیاران انتظار می‌رود تا فضایی شرشار از صداقت و صداقت روستای این استان گازرسانی شده است، افزود: هم اکنون ۹۰ درصد مناطق، برنامه‌ریزی منسجم داشته

کاشان -خبرنگار اطلاعات:مدیر آموزش و پرورش کاشان گفت:در یکسال گذشته حدود۱۲میلیارد تومان برای مدارس این شهرستان هزینه شده است.حسین خطه‌ای افزود: این میزان هزینه صرف ۲۸۱ پروژه در بخش‌های، پروژه‌های استان دریخت‌کمی و کیفی اساسی مدارس،مقاوم سازی وتخریب شده است.خطه‌ای افزود: در این مدت پشت پام ۵۷ واحد آموزشی به میزان ۳۹هزارو۴۴۶مترمربع و با هزینه ۶۶۶میلیون و ۸۸۹هزارریال ایژوگام و پلاستر شده است.وی همچنین ۱۴مورد تکمیل پروژه‌های آموزشی و بازسازی مدارس این شهرستان برای ۱۰ واحد آموزشی و ۵میلیارد و ۹۶۶میلیون تومان هزینه شده است. او روستا را تأمین کند که یکی از این شهرها هواز است.وی با بیان اینکه یکی از شهرهایی که هم از لحاظ کیفی و هم از لحاظ کتب آشامیدنی آن تا حد زیادی حل شده، بهیهان است که باید برای اقق درازمدت و پایدار ی، این برنامه‌ریزی کنیم.

مدیرعامل آب و فاضلاب خوزستان در ادامه سخنانش مسائل و مشکلات مخزن خط انتقال آب سردهشت زیدون، بخش آغاچاروی، آبرسانی روستای منصوریه و همچنین در خصوص تأمین آب آشامیدنی روستاهای بدوی و حسین‌آباد را مورد توجه و بررسی قرار داد.

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده صاحبان سهام شرکت پارس نیک (سهامی خاص) ثبت شده به شماره ۳۰۲۸۶
بدین‌وسیله این اطلاع می‌رساند جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده این شرکت که راس ساعت ۰۹ صبح روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۰/۸/۱۸ درمحل شرکت واقع در تهران کیلومتر ۱۱ جاده مخصوص کرج محل کارخانجات پارس الکتریک (سهامی عام) تشکیل می گردد حضور بهم‌رسانند.
دستور جلسه:
۱-انتخاب اعضاء هیئت مدیره ۲-سایر موارد
هیئت مدیره شرکت پارس نیک

قابل توجه سهامداران شرکت تولیدی ایران کف (سهامی خاص) به شماره ثبت ۱۶۱۵ قزوین
بدینوسیله به اطلاع می‌رساند جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده شرکت با دستور تصویب ترازنامه، انتخاب بازرسان و روزنامه کثیرالانتشار شرکت رأس ساعت ۱۰ صبح روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۰/۸/۲۵ در محل قانونی شرکت واقع در قزوین شهرک صنعتی البرز، بلوار فارابی، خیابان فارابی، خیابان قائم مقام فراهانی تشکیل خواهد شد. لذا از کلیه سهامداران دعوت بعمل می‌آید در تاریخ مذکور در مجمع حاضر شوند.

هیئت مدیره شرکت تولیدی ایران کف

شرکت فروشگاههای زنجیره‌ای دیا کو ایر انیان (سهامی عام) به شماره ثبت ۳۵۷۰۵۹ و شناسه ملی ۱۰۱۰۴۰۶۲۸۶۲

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده (نوبت اول)

بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت فروشگاه‌های زنجیره‌ای دیاکو ایرانیان (سهامی عام)

جهت حضور در جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده به شرح ذیل دعوت بعمل می‌آید:

۱- زمان: یکشنبه مورخ ۱۳۹۰/۸/۱۵ ساعت ۱۰ صبح
۲- مکان برگزاری: تهران، پاسداران، بهستان یکم، نش کوی گلبهار، پلاک ۱۴

دستور جلسه:

- انتخاب اعضاء هیئت مدیره

- انتخاب بازرسین اصلی و علی‌البدل

- تعیین روزنامه‌های کثیرالانتشار شرکت

- سایر مواردی که در صلاحیت مجمع باشد

- براساس ماده ۹۹ قانون تجارت قبل از تشکیل مجمع عمومی، هر صاحب سهمی که مایل به حضور در مجمع عمومی باشد باید با ارائه وقرع سهم یا تصاقیق موقت سهم متعلق به خود به دپارتمان ثبت سهام و خدمات امور سهامداران شرکت به نشانی تهران، سعادت‌آباد، بالاتر از چهار راه سرو، بلوار پیام، مجتمع تجاری پرواز مراجعه و ورقه ورود به جلسه را دریافت کند فقط سهامدارانی حق ورود به مجمع را دارند که ورقه ورودی دریافت کرده باشند.

- مستنداً به ماده ۱۰۲ قانون تجارت حضور وکیل یا قائم مقام قانونی صاحب سهم به شرط ارائه مدرک معتبر به منزله حضور خود صاحب سهم است.

نشر این آگهی در روزنامه‌های کثیرالانتشار جام جم و اطلاعات در تاریخ ۱۳۹۰/۸/۴ برای دعوت صاحبان سهم به منظور تشکیل مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده شرکت فروشگاههای زنجیره‌ای دیاکو ایرانیان (سهامی عام) مستنداً به ماده ۹۷ قانون تجارت برای طی مراحل قانونی ثبت به عمل می‌آید.

هیئت مدیره شرکت

*** ۱۱ هزار خانوار مستعمری**

بیمه روستایی دریافت

می‌کنند و بزودی نخستین

جشن ششکرگزاری در یکی از

شهرهای آذربایجان شرقی

برگزگان می‌شود

*** استاندار فارس: مدیریت**

در دهیاری‌ها باید به نحوی

اعمال شود که از فضاهای

عمود بهترین استفاده

حاصل شود و تحقق مهاجرت

معکوس و پایدار مورد توجه

قرارگیرد

***مدیرکل دفتر امور روستایی**

فارس:۶۵۳ روستا در استان

دارای ماشین حمل زباله و

دفن بهداشتی آن هستند و با

برنامه ریزی‌های انجام شده

بقیه روستاها هم به ماشین

حمل زباله مجهز خواهند شد

دارای ماشین حمل زباله و دفن آن در روستائیان در مناطق شهری نیز طرح‌های جامع مدیریت پسماند روستایی، روستاهای این استان به ماشین‌های حمل زباله مجهز می‌شوند.

کاشان

توسط ششش نفر از دانش آموزان، رتبه اول کشوری در آزمون پیشرفت تحصیلی، رتبه ۷۸ رتبه زیر ۱۰۰۰ طرح تحکیم حجاب ریحانه‌الهی(س) ریاضی کشور، مدال برنز المپیاد نجوم کشور، رتبه دوم مسابقات علمی آینده سازان کشور، رتبه ششم جشنواره خوارزمی، رتبه سوم مسابقات علمی هنرستان‌های کشور، رتبه اول کنکور کاردانی رشته صنایع نساجی آموزشکده‌های فنی و حرفه‌ای کشور، رتبه اول برگزاری دوره‌های کارآموزی و کارورزی و رایعبسی صدرصدی طرح‌های منتخب استانی کاشان به مرحله دایره کشوری را تنها بخشی از موفقیت‌های آموزش و پرورش کاشان برشمرد.

ایرانی است.وی با اشاره به فعالیت‌های اداره ورزش و جوانان شهرضا در حوزه ورزش گفت:در بخش عمرانی سال گذشته با بودجه‌ای بالغ بر ۱/۵ میلیارد ریال بهسازی آمان ورزش را انجام داده‌ایم و در حد امکان ورزش همگانی را در بین شهروندان ترویج کردیم.

وضع بسیار ناھنجاری در این حوزه موجود است.

رئیس اداره ورزش وجوانان شهرضا با تشریح مضرات دوری گزینی از ورزش افزود: آمار بالای بیماری‌های جسمی و روانی در کشور ما مایه عدم جایگاه مناسب ورزش بین خانواده‌هاست

آگهی مناقصه

شماره ۹۰/۱۶۲۸/۲/۹۰/۹۰ م

شرکت مجموعه ورزشی و تفریحی شهید چمران (سهامی خاص)
در نظر دارد، انجام امور مربوط به خدمات و تظقیقات شرکت خود را (بر اساس شرایط و مندرجات فرم شرایط مناقصه) از طریق مناقصه رسمی به اشخاص حقوقی واجد شرایط که در این زمینه تخصص و سابقه مفید داشته باشند واگذار نماید.
متقاضیان می‌توانند از تاریخ ۹۰/۸/۳۱ لغایت ۹۰/۸/۱۵ جهت دریافت فرم شرایط مناقصه و رؤیت محل مراجعه، و حداکثر تا تاریخ ۹۰/۸/۱۷ جهت ارائه فرم پیشنهاد قیمت به دبیرخانه شرکت مراجعه نمایند.
جلسه بازگشایی پیشنهادات رسیده رأس ساعت ۱۲ ظهر روز چهارشنبه مورخ ۹۰/۸/۱۸ در حضور اعضای کمیسیون مناقصه و در محل قانونی شرکت واقع در خیابان شریعتی بالاتر از پل آیت...، صدر پلاک ۱۷۰۱ برگزار می‌گردد.
شرکت با توجه به صرفه و صلاح خود در رد و قبول یک یا کل پیشنهادات مختار است.
تلفن: ۲۲۲۰۳۰۳۱

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده (نوبت دوم) شرکت یکس مسکن مرواردی کارشاسان (سهامی خاص)
چون در جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۲۳ مردادماه ۱۳۹۰ اکثریت لازم جهت رسمیت جلسه حائز نگردید، لذا بدینوسیله از سهامداران محترم شرکت دعوت می‌شود در جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده (نوبت دوم) که در ساعت ۱۵ روز دوشنبه ۱۳۹۰ آبان ماه ۱۳۹۰ در محل شرکت واقع در تهران - خیابان وحیدمسئردی - ساختمان کانون کارشناسان طبقه نهم تشکیل می گردد، حضور بهم رسانند. مجمع مزبور با حضور هر تعداد از سهامداران محترم رسمیت خواهد داشت.

دستور جلسه:

۱-استماع گزارش هیئت مدیره و بازرس قانونی در مورد عملکرد سال مالی منتهی به ۱۳۸۹/۱۲/۲۹
۲-بررسی و تصویب صورتهای مالی سال منتهی به ۱۳۸۹/۱۲/۲۹
۳-انتخاب هیئت مدیره
۴-انتخاب بازرس قانونی اصلی و علی‌البدل و بازرس فنی و تعیین حق‌الزحمه بازرس اصلی
۵-تعیین روزنامه کثیرالانتشار
۶-سایر موارد

هیئت مدیره

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده صاحبان سهام

شرکت کارگزاری توسعه کشاورزی (سهامی خاص) به شماره ثبت ۲۲۲۳۳۰

بدینوسیله از کلیه صاحبان شرکت کارگزاری توسعه کشاورزی (سهامی خاص) دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده شرکت که در روز شنبه مورخ ۱۳۹۰/۸/۲۱ ساعت ۱۴ از ۱۶ در محل دفتر کار شرکت واقع در خیابان ولی‌عصر نرسیده به سه راهی فاطمی ساختمان اداری کامران پلاک۱۹۳۲ طبقه ۴ واحد۴ تشکیل میگردد حضور بهم رسانند.

دستور جلسه:

۱-انتخاب اعضای هیئت مدیره،

۲-سایر موارد.

هیئت مدیره

شرکت کارگزاری توسعه کشاورزی

نیازمندبهای اطلاعات

نیاز مندبها تلفنی آگهی می‌پذیرد ۲۲۲۲۵۳۳۳-۰۲۱- شماره فاکس نیاز مندبها ۲۲۲۲۴۸۸۶-۲۲۲۲۴۹۶۶۳

۱۸۹۲ نفر طرح سرشماری

در استان قزوین را انجام می‌دهند

قزوین -خبرنگار اطلاعات: ۹۲۲-حوزه آماری برای اجرای طرح سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سطح استان قزوین آماده شده است.

مدیرکل دفتر آمار و اطلاعات استان قزوین با اشاره به همکاری ۱۸۹۲ وی با تأکید بر لزوم همکاری مردم در ارائه اطلاعات دقیق به مأموران آمارگیر اظهار داشت: مأموران آمارگیر از ۲ آبان به مدت ۲۱ روز باید به طور متوسط روزانه ۲۰ فرم مربوط به خانوار را از ساعت ۹ تا ساعت ۱۷ در حوزه آماری تعیین شده خود تکمیل کنند.

او اضافه کرد: مأموران آمارگیر با لباس فرم مشخص و جلیقه سبز رنگ و ارائه کارت شناسایی به در منازل مراجعه می‌کنند و مردم هم باید با ارائه کارت شناسایی ملی، شناسنامه و یکی از قبوض آب، برق یا گاز به پرسش‌های مأموران آمار پاسخگو باشند.

حیاتی با اشاره به آماده سازی ۴ فرم در سرشماری عمومی نفوس و مسکن یادآور شد: در اجرای این طرح، علاوه بر سرشماری خانوار و خانوارهای گروهی و موسسه‌ای در فرم‌های شماره ۱ و ۲، فهرست‌برداری از اماکن در فرم شماره ۳ و شناسنامه آبادی نیز در فرم شماره ۴ توسط مطلقین محلی و آبادی‌ها تکمیل می‌شود.

مدیرکل دفتر آمار و اطلاعات استان قزوین بازخورد نتایج سرشماری را در حوزه آماری مورد توجه، تخصیص منابع مالی، ارائه خدمات اجتماعی، انتخابات، صنعت و آموزش و پرورش تأثیرگذار دانست.

حیاتی با اشاره به برنامه دولت برای برقراری ارتباط بین کدهای ملی و پستی برای شناسایی افراد اظهار داشت: در صورت دقیق بودن اطلاعات جمع آوری شده در طرح سرشماری امسال، از این پس اطلاعات و سرشماری در کشور به شکل الکترونیکی و غیرحضوریی انجام می‌شود.

کنترل بیماری وبا در جیرفت

کرمان - خبرنگار اطلاعات: بیماری وبا در جیرفت به صورت موقت کنترل شد.

رئیس مرکز بهداشت جیرفت در نشست بررسی مسائل بهداشت سلامت و پاکستان گفت:جیرفت با توجه به نزدیکی باکشورهای افغانستان و پاکستان و مرزهای انتقال بیماری وبا با مشکلات عایدیه‌ای روبرو بوده است.

علیرضا مسلمی نیا افزود: بیش‌ترین مورد ابتلا به بیماری وبا در بخش مرکزی و منطقه میانچیل مشاهده شده که علت اصلی آن استفاده از آب آشامیدنی آلوده بوده است.

به گفته وی در تیمه نخست امسال ۲۵ مورد اسهال خونی و ۶۱۳ مورد اسهال معمولی درجیرفت گزارش شد که در هیچ کدام از این موارد ابتلا به وبا و هپاتیت وجود نداشت.

مسلمی نیا کارگرنی نکردن آب آشامیدنی در روستاها و رعایت نکردن مسائل بهداشتی از سوی کارگران گلخانه‌ها را از عوامل مهم

انتشار بیماری وبا در منطقه دانست و افزود: برای پیشگیری از انتقال و گسترش وبا در بیمار در منطقه تعدادی بروشور تبلیغاتی بین مردم توزیع شده است.

وی یادآور شد: در مدارس راهنمایی نیز با بهره‌گیری از مربیان بهداشت و توزیع بروشور پیشگیری از این بیماری مسری و خطرناک آغاز شده است.

در ادامه معاون برنامه‌ریزی فرمانداری جیرفت با اشاره به اقلیم منطقه گفت: در فصل گرما شیوع بیماری‌های ویروسی در این منطقه بسیار بالاست.

محمود معنصری با اشاره به این که بیماری وبا تاکنون در منطقه جیرفت گزارش نشده است، افزود: استفاده از کودهای حیوانی و سموم شیمیایی آلوده یکی از راههای شیوع این بیماری است.

وی تأکید کرد: نظارت بر بهداشت صنعتی محیط، ناوایی‌ها، استخرهای شنا و مدارس و به ویژه سرویس‌های بهداشتی مدارس از جمله راه‌های پیشگیری از شیوع بیماری‌های ویروسی است.

فروش فوری

رشت – سنگگر

فاتوانی جنسی

دکتر فرید آذر

به یک تکسین کاشت مو

جهت خارج از کشور نیاز مندیم.

قیصر

تولید کننده دستگاههای

توانبخشی،جنسی آقایان

شماره مجوز ۱۵۳۳۳۲۲۲

زیر نظر پزشک معالج

با محور از نظر بهداشت و درمان

ترجیم

هو الولی الحمید

از شمار دو چشم یک تن کم

وز شمار خرد هزاران بیش
با نهایت تأثر و تأسف درگذشت آقای میراسکندر اسبقی
نمین فرزند مرحوم سیدمسعودخان، قاضی عالی رتبه،
فاضل وارسته و فرهیخته، ادیب بی‌بدیل وکیل پایه یک
دادگستری بزرگ خانواده را به اطلاع می‌رساند.
مجلس ختم آن مرحوم روز جمعه ۹۰/۸/۶ از ساعت
۱۰/۳۰ الی ۱۲ در مسجد الغدیر واقع در میرداماد منعقد
خواهد شد.

خانواده‌های: اسبقی-نمین-امیری-معینی-اسبق‌المجاهدین
-سرهنگ پور -مبصری -سیف نژاد -منصف -عابدی
-پورنوروز -فرخنده -سهرابی -سیدعشقیان -احمدی
-سنگ قلعه‌ای -دادمان -آذر تاش -یوسفی -وکیلی
-علوی -صادقی -دکتر سیاوشی -مجیدی -خلفی -
ابریشمی -سیدقریشی -مصباح -میرمحسنی -تقی‌نژاد
-صارمی -سلیمانی -افخمی -هدایتی -دکتر عظیمی
-طاهری -اقبالی -سالاری -میرابراهیمی -امجدی -
مهریار -مدرس -زرین قلم -اکبری -طالش‌خانی -
گل‌بابایی -نصیری -بصری -خوش‌اخلاق -شکاری -
اسرافیلی -غفاری -وفایی -مؤمنی.

بازگشت همه به سوی خداست

گریه امانم گرفت کز نظرم یار رفت

وز بر این قافله، قافله‌سالار رفت
با نهایت اندوه و تأسف درگذشت همسری مهربان
و پدری فداکار مرحوم حاج سیدحسین ضیایی، بزرگ
خاندان را به اطلاع دوستان و آشنایان محترم می‌رساند.
مجلس ترجیم در روز جمعه ۹۰/۸/۶ از ساعت ۱۳/۴۵
تا ۱۵/۱۵ در مسجد الرضا(ع) واقع در خیابان خر مشهر-
شهید عشقپار -میدان نیلوفر برگزار می‌گردد.
حضور دوستان و آشنایان گرامی موجب شادی روح آن
روانشاد و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.
حسن، محمود و مهدی ضیایی و خانواده‌های وابسته

بازگشت همه بسوی اوست

باکمال تأسف و ناباوری خبر درگذشت مرحوم دکتر
محمدرضا پوروزیری رئیس هیئت مدیره شرکت
داروسازی خوارزمی و استاد دانشکده داروسازی
دانشگاه آزاد اسلامی و رئیس هیئت مدیره بیمارستان
سجاد، همسر گرامی سرکار خانم معصومه جاویدی
مدیر مجتمع آموزشی دخترانه غیردولتی نرجس منطقه
۳ را ضمن عرض تسلیت و همدردی با ایشان و فرزندان
عزیزشان به اطلاع می‌رساند.
مجلس ترجیم و بزرگداشت آن فقید سعید روز چهارشنبه
از ساعت ۱۳/۳۰ تا ۱۵ در مسجد جامع شهرک غرب
واقع در ضلع غربی میدان صنعت منعقد خواهد گردید.
حضور سروران گرامی موجب شادی روح آن فقید سعید
و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.
از طرف: مدیر و معاونان -آموزگاران -مشاورین -
کارکنان -دانش‌آموزان -اعضای انجمن اولیاء
و مربیان پیش‌دستان و دبستان دخترانه غیردولتی
نرجس منطقه ۳

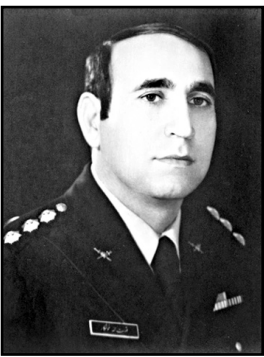
بازگشت همه بسوی اوست

باکمال تأسف و ناباوری خبر درگذشت مرحوم دکتر
محمدرضا پوروزیری رئیس هیئت مدیره شرکت
داروسازی خوارزمی و استاد دانشکده داروسازی
دانشگاه آزاد اسلامی، همسر گرامی سرکار خانم معصومه
جاویدی‌مدیر مجتمع آموزشی غیردولتی دخترانه
نرجس منطقه ۳ را ضمن عرض تسلیت و همدردی با
ایشان و فرزندان‌شان به اطلاع می‌رساند. مجلس ترجیم و
بزرگداشت آن فقید سعید روز چهارشنبه چهارم آبان‌ماه
از ساعت ۱۳/۳۰ تا ۱۵ در مسجد جامع شهرک غرب
واقع در ضلع غربی میدان صنعت منعقد خواهد گردید.
حضور سروران گرامی موجب شادی روح آن عزیز از
دست رفته و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.
از طرف: مدیر و معاونان-دبیران-مشاورین-کارکنان
-دانش‌آموزان-اعضای انجمن اولیاء و مربیان-مدرسه
راهنمایی دخترانه غیردولتی نرجس منطقه ۳

بازگشت همه بسوی اوست

باکمال تأسف و ناباوری خبر درگذشت مرحوم دکتر
محمدرضا پوروزیری رئیس هیئت مدیره شرکت
دارو سازی خوارزمی و استاد دانشکده داروسازی،
همسر گرامی سرکار خانم معصومه جاویدی مدیر مجتمع
آموزشی غیردولتی دخترانه نرجس منطقه ۳ را ضمن
عرض تسلیت و همدردی با ایشان و فرزندان‌شان به اطلاع
می‌رساند. مجلس ترجیم و بزرگداشت آن فقید سعید
روز چهارشنبه چهارم آبان‌ماه از ساعت ۱۳/۳۰ تا ۱۵
در مسجد جامع شهرک غرب واقع در ضلع غربی میدان
صنعت منعقد خواهد گردید.
حضور سروران گرامی موجب تسلی خاطر بازماندگان و
شادی روح آن عزیز از دست رفته خواهد بود.
از طرف: اعضای انجمن اولیاء و مربیان و دانش‌آموزان
-دبیرستان دخترانه غیردولتی نرجس منطقه ۳

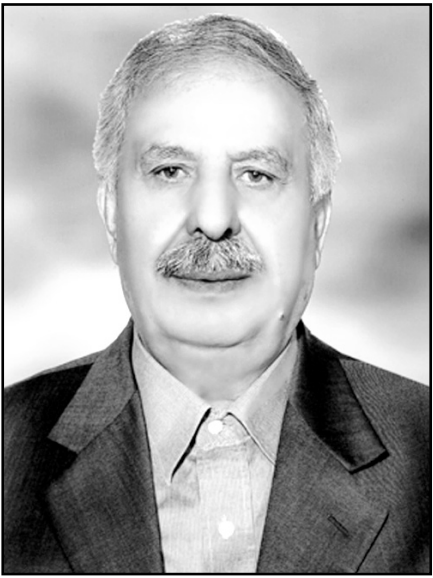
درگذشت شادروان آقای محمد نیلی اصفهانی
پدر بزرگوار آقای اسداله نیلی مدیرعامل این مؤسسه را
به اطلاع می‌رساند.
آیین بزرگداشت انوشه روان در روز پنجشنبه پنجم
آبان‌ماه از ساعت ۲۱:۳۰-۲۰ در مسجد الرضا واقع در
خیابان خر مشهر میدان نیلوفر برگزار می‌شود.
مؤسسه حسابرسی سخن حق



با نهایت اندوه و تأثر
درگذشت ناهنگام کهنه
سرباز زنده‌یاد سرهنگ
قدرت‌ا... خوشکار را به
اطلاع دوستان و آشنایان
محترم می‌رساند.
مجلس بزرگداشت آن
شادروان روز پنج‌شنبه
۹۰/۸/۵ از ساعت ۱۵/۴۵
الی ۱۷/۱۵ در سالن اجتماعات بنیاد شهید آرامگاه ملا
مجدالدین ساری برگزار می‌گردد.

خانواده داغ‌دیده

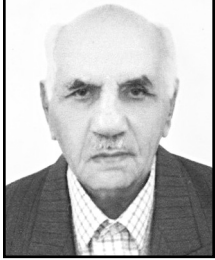
بازگشت همه به سوی اوست



با نهایت اندوه و تأسف درگذشت ناهنگام همسری فداکار
و پدری مهربان زنده‌یاد جناب آقای صادق آسویار را به
اطلاع دوستان و آشنایان محترم می‌رساند.
مجلس یادبود آن شادروان روز چهارشنبه ۹۰/۸/۴
از ساعت ۱۵/۳۰ الی ۱۷ در مسجد جامع شهرک
قدس (شهرک غرب) ابتدای خیابان حسن سیف منعقد
می‌گردد.
همسر: ملیحه ربانی
فرزندان: مهتاب و سعید
داماد: علیرضا ذبیحی
عروس: نوشین ملک شهپیرزادی
نوه‌ها: رضا، زهرا و یاشار
خانواده‌های: آسویار، ربانی، ذبیحی، ملک شهپیرزادی
و سایر خانواده‌های نسبی و سببی.

روحش شاد و یادش گرامی باد

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت
همسر و پدر عزیزمان زنده یاد
جشنید -فرزانه‌نژاد (بزرگ
خاندان فرزانه‌نژاد) را به اطلاع
تمامی دوستان و آشنایان گرامی
می‌رسانیم.



در روز جمعه ۹۰/۸/۶ از ساعت ۱۵/۳۰ الی ۱۷ در مسجد
حجت‌ابن‌الحسن (عج) واقع در خیابان سه‌روردی شمالی
پایین‌تر از میدان پاییزی (شهید قندی) برگزار می‌گردد.
حضور یکایک عزیزان موجب شادی روح آن مرحوم و
تسلی خاطر بازماندگان ایشان خواهد بود.
از طرف: همسر و فرزندان آن شادروان
خانواده‌های عزادار: فرزانه‌نژاد، صفرزاده، امینیان،
طهرانچی، فیضی، میرموسی، ربیعی، شریفی، بغدادی و
کلیه خانواده‌های وابسته

بازگشت همه بسوی اوست

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت پدری مهربان و دلسوز
مرحوم مغفور شادروان کاوه شعبی (بزرگ خاندان) را
به اطلاع کلیه اقوام و آشنایان محترم می‌رساند.
بهین مناسبت مجلس ختمی در روز پنجشنبه مورخ
۹۰/۸/۱۳ از ساعت ۱۳/۳۰ الی ۱۵ در مسجد جامع
شهرک غرب واقع در بلوار فرحزادی اول خیابان شهید
حسن سیف برگزار می‌گردد.
حضور شما سروران گرامی موجب شادی روح آن
مرحوم و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.
خانواده‌های: شعبی -توانائیان -رجبی -خطیبی منش -
آقای -کرباسی -امیدوار -متقی -رجب‌پور -طوسی
-شعاعی -نامور -خلیلیان -داوری -مستشار نظامی
-علوی نژاد -هوشنگی -ابوضیاء -مجبی -شاهمردی
-موتقی -چیزی -خداپنده لو -رئوفی -سروشقی -
الماسیان -الماسی‌زاده -عجمی -ریسمانچی -برکت -
احمد دوست -زاینده رودی -مولائی -مظفری -شفیعی
-آتاپور -میرفخرائی -پاکزادی -حسینی -مهدویان -
باستانی‌پاریزی -مرادی کرمانی -رضویان -رضامند
-فرزاد -محبیان -یاقوت -ایمانی -مویدی و سایر
بستگان و آشنایان.

بازگشت همه بسوی اوست

باکمال تأسف درگذشت مادر دوست عزیزمان آقای
محمد پور مختار را باطالع کلیه دوستان و همکاران گرامی
می‌رساند. مجلس ترجیم آن مرحومه روز جمعه ۶ آبان‌ماه
ساعت ۱۲/۱۵ الی ۱۳/۳۰ واقع در مسجدالرضا میدان
نیلوفر منعقد میشود حضور دوستان عزیز موجب تسلی
خاطر بازماندگان و شادی روح آن مرحومه خواهد بود.
اسکونی، اسدی، اسکندری، بختیاری، بهاریان، تغابنی،
تقی‌نژاد، تقی‌پور، جهانپنده، چیت‌ساز، داوری،
روشنفکر، رضوی، سیاسی، شیخ‌الاسلامی، صانعی،
صالح بیگی، عباداللهی، غفاری، فرقانسی، کوچک،
کوچکی، کیاراد، کمالی، مشروطه‌چی، مصدق، مقدس،
معصومی، نراقی، نعیمی، یزدانی.

یادبود

یادبود

آن جگر سوخته و خسته از این دار برفت



در بهت و حیرت و دلنگی با سبیل اشک‌هایمان که
پایانی ندارد یک سال گذشت. به مناسبت اولین سالگرد
درگذشت همسر، پدر و برادر عزیزمان شادروان فریدون
رحیمی، بزرگ خاندان، قاضی بازنشسته، وکیل پایه یک
دادگستری و مشاور حقوقی سابق وزارت راه و ترابری
گردم می‌آییم.
جمعه ششم آبان‌ماه (۹۰/۸/۶) ساعت ۱۰ الی
۱۱/۳۰ صبح، بهشت زهرا(س) قطعه ۲۲۲، ردیف ۶۱،
شماره ۲۹.

تو سفر کردی و خویان همه گیسو کنند

در فراق تو عجب سلسله‌ها برهم خورد

خانواده رحیمی

سالگرد استاد دکتر محمدعلی حفیظی



بناسبت بیستمین سالگرد
فقدان استاد دکتر محمدعلی
حفیظی رئیس پیشین
دانشکده پزشکی، دبیرکل
نظام پزشکی و نمونه خدمت
و ایثار، روز جمعه ششم
آبان‌ماه از ساعت ۱۰ الی ۱۲
صبح در مقبره ۷۲۹ بهشت
زهرا(س) به اتفاق یاران
و ارادتمندان استاد جمع
می‌شویم تا بار دیگر عهد و میثاق خود را در راه حفظ
حرمت پزشکی و خدمت به مردم تجدید نماییم.

خانواده دکتر حفیظی

یا نور

در کنج دلم جز تو کسی خانه ندارد

کس جای در این کلیه ویرانه ندارد
یکسال سپری شد که شادروان استاد فرهیخته عنایت‌الله
عنایت مهر (تنو تاس) به اذن پروردگار جسم خاکی‌اش
به مقصد ملکوت اعلا ترک گفت. سالی که گویی عمری
گرانبار و طاقت‌فرسا بر ما گذشت، هر چند انوار مهر و
آگاهیش همواره گریابخش وجودمان می‌باشد.

خدایا آن کن که از تو می‌م‌زد

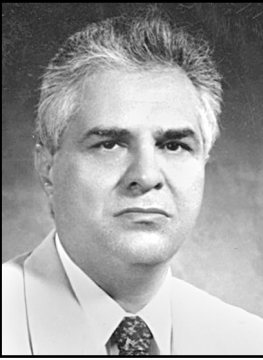
سفرش کبریای یاد

یادش در خاطرم گرامی

مهرش و عشقش در دل‌هایمان جاویدان

همسر و فرزندان

چهارم آبان‌ماه سالروز درگذشت مسعود رضوی
شب فراق که داند که تا سحر چند است



چه سخت است بی‌تو بودن
و بی‌تو زیستن چهار سال
در تنهایی گذشت.

هرگز نمی‌توانیم نبودنت
را باور کنیم. چون سال‌های
گذشته در سالروز پرواز
ملکوتی‌ات (چهارم آبان‌ماه
۱۳۹۰) در کنار مزارت گرد
آمده آن را گلباران خواهیم
کرد یاد و خاطرات همیشه با ما خواهد بود.

همسر و فرزندان: فریا ایرانی -سمیرا و ساناز رضوی

باگذشت یکسال پر از درد و رنج، اولین سالگرد درگذشت

اسفبار پدری مهربان و همسری فداکار، شادروان مهندس بابک

خسروی در تلخ‌ترین روز سال ۱۳۸۹ و شانزدهمین سالگرد

حاج رشید یگانه راهزمان به سوگ می‌نشینیم. (خلخال)
با تشکر مجدد از کلیه سروران گرامی که در این سال تلخ
با ما همدردی نموده‌اند و موجب تسلی خاطر بازماندگان
گردیده‌اند.

سعدی، به روزگار ان مهری نشستہ در دل

بیرون نمی‌توان کرد حتی به روزگار ان

یک سال است نابساورانه
در سوگ همسری مهربان،
پدری فداکار و برادری عزیز
بسربرده‌ایم. برای ادای
احترام و بیاد همه خاطرات
خوب و فراموش‌نشده و
دریای بیکران انسانیت این
ادیب فرهیخته آقای حسن
وحیدی از مدیران خوشنام
سازمان جهانگردی، سیستم
بانکی کشور، شرکت سرمایه‌گذاری توسعه صنعتی ایران
و عضو هیئت مدیره سابق بانک ملت، روز پنج‌شنبه
پنجم آبان‌ماه ۱۳۹۰ از ساعت ۱۵/۳۰ الی ۱۷/۳۰ در
سالن ستوران مجتمع مسکونی سامان و ننگ واقع در
خیابان ملاصدرا -خیابان شیراز جنوبی -خیابان سامان،
پذیرای محبت و حضور همه بستگان، دوستان، آشنایان
و همکاران عزیز خواهیم بود.
همسر -فرزندان -نوه‌ها -خواهر و برادر



چهار سال در فراق
عزیزانمان محمد، سیمما
می‌سوزیم و می‌سازیم.
چهار سال است که چشم
پدر و مادران گریان است
بیاد خاطره شما عزیزان
روز جمعه ۹۰/۸/۶ در
خانه همیشگی شما گردهم
می‌آییم.

از طرف پدر، مادر و فرزندان کارن و گلاره امیریبگی

تسلیت

همکار گرامی جناب آقای دکتر غلامعلی رکنی
درگذشت برادر گرامیتان را حضور جنابعالی و خانواده
محترم تسلیت عرض نموده بقای عمر شما و خانواده
محترمتان را از خداوند متعال مسئلت داریم.
پزشکان فارغ‌التحصیل سال ۴۷ دانشکده پزشکی
دانشگاه تهران

همکار گرامی جناب آقای دکتر علیرضا میرشمیرانی
درگذشت پدر گرامیتان را حضور جنابعالی و خانواده
محترمتان تسلیت عرض نموده بقای عمر شما و خانواده
محترم را از خداوند متعال مسئلت دارم.
دکتر رضا مدرس فتحی

برادر ارجمند، جناب آقای دکتر صلاح الدین دلشاد
با اندوه فراوان درگذشت برادر گرامیتان را تسلیت عرض
نموده، از خداوند منان برای آن مرحوم علو درجات و
برای جنابعالی و بازماندگان محترم صبر جمیل و اجر
جزیل مسئلت می‌نماییم.
هیئت مدیره، مدیریت و کارکنان بیمارستان بهمن

برادر ارجمند، جناب آقای دکتر صلاح‌الدین دلشاد
با نهایت تأسف و تأثر مصیبت وارده را تسلیت عرض
نموده از درگاه خداوند متعال صبر و بردباری برای کلیه
بازماندگان آرزو نمودم.
دکتر محسن محور -رئیس بیمارستان بهمن

«بازگشت همه بسوی اوست»
«خانواده محترم شادروان دکتر محمدرضا پوروزیری»
با اندوه فراوان و در نهایت تأسف و تأثر درگذشت غم‌انگیز
دوست و همکار گرامیمان و ریاست محترم هیئت مدیره
بیمارستان سجاد را صمیمانه به خانواده محترم مشان و
همکاران محترم جامعه پزشکی صمیمانه تسلیت عرض
نموده و از پیشگاه ایزد متعال برای آن روانشاد آمزش
الهی و علو درجات و برای خانواده پوروزیری صبر و
شکیبایی مسئلت داریم.

گروه پزشکان بیهوشی و پرسنل اطاق عمل
بیمارستان سجاد

دوست و همکار ارجمند جناب آقای دکتر بهروز مرشد
با نهایت تأسف مصیبت وارده را حضور حضر تعالی
تسلیت گفته، برای جنابعالی و خانواده محترم صبر و
شکیبایی از خداوند بزرگ مسئلت می‌نمایم.
دکتر علی محمد میرفخرایی

جناب آقای دکتر صلاح‌الدین دلشاد
مصیبت‌جانگداز درگذشت برادر گرامیتان را به‌حضر تعالی
و خاندان محترم تسلیت عرض می‌نماییم.
مدیرعامل، هیئت مدیره، پزشکان و پرسنل
بیمارستان کودکان تهران

خانواده محترم آقای دکتر محمدرضا پوروزیری
بدینوسیله مراتب تسلیت و همدردی خویش را به مناسبت
درگذشت آن مرحوم به خانواده گرامی و بازماندگان
ایشان اظهار می‌داریم و بر سوگ او متأسف خواهیم بود.
یاد و کارنامه زندگی شریفش با ما خواهد بود. خدایش
بیامرزد.

دکتر محمدباقر شاپورد، دکتر محمدعلی اخوان
محمود رسول‌زاده

همکار ارجمند

جناب آقای مجتبی طیاری آشتیانی
درگذشت پدر بزرگوارتان را به جنابعالی و خانواده
محترم، صمیمانه تسلیت می‌گوئیم و برای آن مرحوم، علو
درجات، و برای بازماندگان، صبر جمیل آرزو می‌کنیم.
همکاران شما در مجله جوانان امروز

جناب آقایان مجتبی طیاری و فرامرز طیاری
مصیبت وارده را تسلیت عرض نموده و از درگاه ایزد
منان علو درجات برای آن مرحوم و خانواده محترم صبر
و شکیبایی مسئلت داریم.
دفتر انبار کاغذ -انبار کارگاه -انبار چیتگر

جناب آقای سیدعباس پارسا
درگذشت پدر گرامیتان را تسلیت عرض نموده و از درگاه
ایزد منان برای آن مرحوم علو درجات و برای جنابعالی
و بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت داریم.
از طرف خانواده‌های برارزاده و میتهم خادمیان

جناب آقای مهندس ذوالفقاری
مدیریت عامل شرکتهای
تابان شهر و تابان تابلو
با نهایت تأسف و تأثر درگذشت ناهنگام برادر تان
شادروان حاج سید حسن ذوالفقاری را به جنابعالی و
خانواده محترم تسلیت عرض می‌نمایم.
شرکت آرمه نو

جناب آقای مهندس ایثاری
کارشناس محترم رسمی دادگستری
مصیبت وارده موجب تأسف و تأثر شدید ما گردید،
ضمن عرض تسلیت برای آن مرحوم طلب آموزش و علو
درجات و برای جنابعالی و بازماندگان صبر، شکیبائی و
بقای عمر از خداوند متعال مسئلت می‌نمایم.
مهندس مصطفی حجازی -مهندس فریدون بهکیش

جناب آقای حسن ضیائی مدیریت محترم امور کارنه
تیر اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران
مصیبت وارده را از صمیم قلب تسلیت میگویم. صبر،
شکیبائی و سلامتی جنابعالی و تمامی اعضای خاندان
محترم ضیائی را آرزو نمودم.

بهرام شکیبا

جناب آقای دکتر صلاح الدین دلشاد
سرکار خانم دکتر شیرزاد
با نهایت تأسف و تأثر مصیبت وارده را تسلیت عرض
نموده از درگاه ایزد منان برای آن مرحوم علو درجات و
برای بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت می‌نمایم.
هیئت مدیره، مدیرعامل و پزشکان
بیمارستان قائم (عج)

آقایان حاج حسن و حاج محمود و حاج مهدی ضیایی
فقدان درگذشت پدرارجمندتان را تسلیت عرض نموده‌و از
خداوند منان برای آن مرحوم رحمت واسعه و علو درجات
و برای بازماندگان صبر و اجر جمیل مسئلت داریم.
شرکت نوآپلاست -شرکت نوآخودرو -شرکت نماد‌آور
-نواب-اختراع-خادمی-تهرانی-غائبی‌پور-خبرخواه
-شیدفر-معصومی-مظاهریون-ذکایی

دوست و همکار محترم
جناب آقای دکتر محمد وفایی
مصیبت وارده را از طرف خود و اعضاء خانواده خدمت شما
تسلیت عرض نموده، خود را در غم شما شریک می‌دانیم.
دکتر غلامعلی عکاشه -مریم سالک

همکار بزرگوار
جناب آقای دکتر محمد وفایی
انجمن جراحان ارتوپدی ایران صمیمانه درگذشت آن
پدر بزرگوار را تسلیت گفته و هم پای شما در غمتان
شریک می‌باشد.

هیئت مدیره
انجمن جراحان ارتوپدی ایران

سیاسکزاری

سیاسکزاری
از کلیه سروران گرامی،
بستگان، دوستان و آشنایان
عزیز، حضرات پزشکان
و پرسنل محترم بیمارستان
پاسارگاد، اعضای محترم
انجمن فارغ‌التحصیلان
دبیرستان حکیم نظامی
و قم و عموم بزرگوارانی که
در مراسم تشییع، تدفین و
مجالس یادبود، همسر

و پدر عزیزمان جناب آقای دکتر محمد مهدی موحدی
شرکت فرموده و با ارسال گل، درج آگهی تسلیت، تماس
تلفنی، ارسال پست الکترونیک و طرق دیگر ما را مورد
لطف و عنایت خود قرار داده صمیمانه سیاسکزاری نموده
و از خداوند متعال برای همگی عزیزان سلامتی و طول
عمر آرزو نمندیم.
هما خلوتی -دکتر خسرو موحدی و دکتر ایرج موحدی

آگهی های ترجیم، تسلیت، یادبود و تشکر توسط نمایندگی های روزنامه اطلاعات در سراسر کشور پذیرش می شود.

برای سفارش آگهی به نزدیک ترین نمایندگی اطلاعات در محل سکونت خود مراجعه فرمایید.

۲۹۹۹۴۲۶۱ - ۲۹۹۹۴۲۴۹ - ۲۲۲۲۳۶۹۴ - ۶۶۷۳۷۳۸۸ - ۲۲۲۵۸۰۱۴ - ۱۹

قبول آگهی های ترجیم تسلیت - یادبود و تشکر

۹۴ شرکت بورسی حداقل سرمایه راندارند

معاون شرکت بورس و اوراق بهادار با بیان اینکه معاملات ۱۹۴ شرکت بورسی فقط یک درصد ارزش بازار سرمایه را تشکیل می دهد، گفت: بورس و فرابورس رقیب یکدیگر نیستند. علی سسگینیان در مورد پذیرش شرکتها در بورس و فرابورس و الزامات قانون، با اشاره به اصلاحات دستورالعمل پذیرش و بازنگری در آن و تغییر برخی معیارها گفت: ۱۹۴ شرکت بورسی حداقل سرمایه تعیین شده را ندارند.معاون شرکت بورس و اوراق بهادار بر لزوم استفاده از بازارگردان توسط این شرکتها تأکید و تصریح کرد: بررسی ها نشان می دهد که بورس کشورمان جزو بورس های است که مریت های قابل توجهی همچون معافیت مالیاتی دارد.

وی بر جذابیت تأمین مالی در بازار سرمایه تأکید و تصریح کرد: در بحث مشاوران پذیرش انتظارات بیشتری از کارگزاری ها وجود دارد، البته هدف این نیست که این وظیفه به کارگزاران منتقل شود. سسگینیان با اشاره به اینکه در بورس مجموع افسرادی که کارهای مربوط به پذیرش را انجام می دهند فقط پنج نفر هستند، گفت: این در حالی است که ۲۰ شرکت مشاوره پذیرش در کشور وجود دارد و امکانات این شرکتها ۱۰ برابر امکانات بورس است.وی با انتقاد از اینکه هنوز بخشی از کارهای مربوط به کارگزاری ها توسط ما انجام می شود، اظهار کرد: اگر توان کارگزاری را در کنار توان بورس در نظر گرفته شود، کارها سریع تر انجام خواهد شد.معاون شرکت بورس و اوراق بهادار با تأکید بر اینکه مجوزهای مشاوره پذیرش فقط نباید کاغذی باشد، افزود: لیستی از شرکتها در بخش پذیرش به کانون کارگزاران ارسال شده است. وی سریع تر انجام خواهد شد.معاون شرکت بورس و اوراق بهادار با تأکید بر اینکه مجوزهای مشاوره پذیرش فقط نباید کاغذی باشد، افزود: لیستی از شرکتها در بخش پذیرش به کانون کارگزاران ارسال شده است. وی گفت: بورس و فرابورس دو بازار موازی نیستند و در امتداد یکدیگر قرار دارند، آنها رقیب یکدیگر نیستند. فرابورس برای پرورش شرکتها ایجاد شده است، در عین حال استانداردهای پذیرش فرابورس سهل تر است تا شرکت های کوچک تر وارد آن شوند.

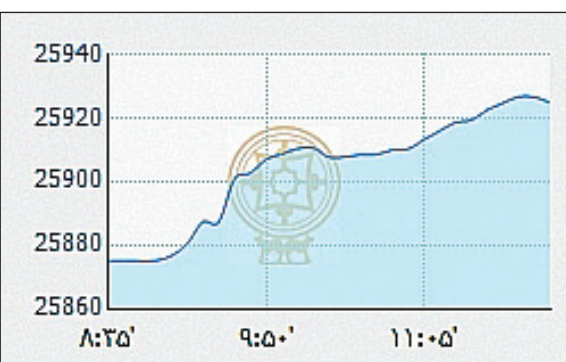
بازار در یک نگاه

جدول شاخص های بورس

عنوان شاخص	مقدار	بیشترین	کمترین	تغییر	درصد
شاخص کل	۲۵۹۲۴/۸	۲۵۹۲۶/۶	۲۵۸۸۷/۶	۴۹/۸	۰/۱۹
شاخص شرکت بزرگ	۱۶۲۴/۳	۱۶۲۴/۴	۱۶۱۸/۹	۵/۵	۰/۳۴
شاخص آزادشمارو	۳۳۲۱۳/۳	۳۳۲۱۷/۳	۳۳۱۳۵/۶	۸۴/۹	۰/۲۶
شاخص بازاراول	۲۲۰۷۲/۱	۲۲۰۷۳/۴	۲۲۰۳۱/۳	۴۴/۸	۰/۲
شاخص بازاردوم	۳۱۰۱۳/۳	۳۱۰۲۰/۲	۳۰۹۵۲/۴	۳۳/۸	۰/۱۱
شاخص صنعت	۱۹۹۱۹/۷	۱۹۹۱۹/۷	۱۹۸۸۹/۹	۴۱/۷	۰/۲۱

آمار آخرین روز معاملاتی(سه شنبه۳/۸/۹۰)

مجموع حجم معاملات	۳۹۵ میلیون سهم
مجموع ارزش معاملات	۱/۰۱۷۳۶۲۲ میلیون ریال
جمع تعداد معاملات	۱۱۸۷۹ میلیون
ارزش بازار	۱/۲۳۴/۳۲۸ میلیارد ریال



شرکت های سهامی عام باید اطلاعات بدهند

تمامی شرکت های سهامی عام کشور در صورت ثبت تأیث نشدن نزد سازمان بورس مکلف به ارائه اطلاعات و صورت های مالی هستند.

روح الله میرصانعی دبیرکل کانون کارگزاران در جریان گردهمایی کارگزاران بورس که با عنوان پذیرش شرکتها در بورس و فرابورس و الزامات قانونی در کارگزاری بانک ملی ایران برگزار شد، اظهار داشت: طبق ماده ۹۹ قانون برنامه پنجم توسعه معاملات آن دسته از

فرصتهای پیش رو برای تأمین مالی بنگاهها در بازار سرمایه

رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار فرصت های پیش رو برای تأمین مالی بنگاه های اقتصادی در بازار سرمایه را تشریح کرد و از هدفگذاری ۳۶۰ هزار میلیارد ریالی بازار سرمایه برای تأمین مالی در سال جاری خبر داد. دکتر علی صالح آبادی رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار گفت:



تأمین منابع مالی مورد نیاز بنگاه های اقتصادی از جمله اولویتهای مهمی است که سازمان بورس و اوراق بهادار با جدیت آن را دنبال میکند. دستیابی به رشد سالانه ۸ درصد برای دستیابی به اهداف سند چشم انداز ۱۴۰۴ و نقش مهم عامل سرمایه در دستیابی به این رشد از جمله مهمترین الزامات این حوزه محسوب می شود.

به گفته وی در سال های گذشته بخش زیادی از فعالیت های تأمین مالی بر دوش نظام بانکی بوده و فشار زیادی بر این دسته از نهادهای مالی وارد شده است. این موضوع سبب شد تا بانک ها با فعالیت اصلی خود، که تأمین مالی نیازهای کوتاه مدت و تأمین سرمایه در گردش شرکتها است، متفرک شده و وارد سرمایه گذاریهای بلندمدت شوند. این موضوع منجر شد تا نظام اقتصادی کشور به سمت بانک پایه سوق یابد. تصویب قانون بازار اوراق بهادار در سال ۱۳۸۴ و ایجاد بسترهای لازم برای رشد و توسعه بازار سرمایه به عنوان رکن مکمل نظام تأمین مالی، فرصت های مناسبی را پیش روی بنگاه های اقتصادی فراهم کرده تا نیازهای تأمین مالی خود را به صورت مناسبی از این محل انجام

شرکت های سهامی عامی که خارج از بورس یا فرابورس انجام شود، باطل خواهد بود. وی ادامه داد: در حالی انجام معاملات در بورس و فرابورس موجب رشد و توسعه بازار سرمایه می شود که با توجه به برنامه پذیرش بیشتر شرکتها، کارگزاران بورس به عنوان مشاوران پذیرش باید فعال تر باشند. این در حالی است که همه شرکت های سهامی عام کشور در صورت ثبت تأیث نشدن نزد سازمان بورس، مکلف به ارائه اطلاعات و صورت های مالی هستند.

فرصت های مناسبی را برای تأمین مالی از طریق بازار اوراق بهادار فراهم کرده است. فرام هرگز است. او اوراق سفارش ساخت (صکوک) را به سمت نظام مالی بازارپایه صالح آبادی یادآور شد: این رویکرد تأکید دارد که نظام بازار اوراق بهادار در کنار نظام بانکی دو بال تأمین مالی کشور هستند که در

صورت رشد همزمان هر دو، نظام اقتصادی از جمله اولویتهای مهمی برای تحقق این هدف، بازار سرمایه را به نقش بیشتری را به ویژه در تأمین منابع مالی بلندمدت ایضا نماید. از جمله مهمترین اقدامات سازمان بورس و اوراق بهادار در این زمینه، طراحی ابزارهای نوین تأمین مالی بوده است. صورت رشد همزمان هر دو، نظام اقتصادی از جمله اولویتهای مهمی برای تحقق این هدف، بازار سرمایه را به نقش بیشتری را به ویژه در تأمین منابع مالی بلندمدت ایضا نماید. از جمله مهمترین اقدامات سازمان بورس و اوراق بهادار در این زمینه، طراحی ابزارهای نوین تأمین مالی بوده است.

علاوه بر ابزارهای مالی دنیا ابزارهای مالی بسیار متنوعی برای کمک به انتقال وجوه از پس اندازکنندگان به سرمایه گذاران وجود دارد. ممنوعیت ربا در کشور، استفاده از این دسته از ابزارها را با مشکلاتی مواجه ساخته است. وی تأکید کرد: در سالهای اخیر تلاشهای فراوانی صورت گرفت تا ابزارهای جدیدی مطابق با موازین شریعت اسلام طراحی و عرضه شود. در این زمینه علاوه بر تصویب قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید به منظور تسهیل اجرای سیاستهای کلی اصل ۴۰ قانون اساسی در بهمن ۱۳۸۸، مقررات مربوط نیز تدوین شد. هم اکنون اوراق اجاره (صکوک اجاره) طراحی شده و امکان استفاده از آن برای شرکت های مختلف وجود دارد. انتشار اوراق اجاره به همراه استفاده از اوراق مشارکت

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات	نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
بیمه آسیا	۳,۳۵۸	(۱۳۸)	کیمیدارو	۲,۹۰۰	(۷۱)
مخابرات ایران	۳,۴۷۸	(۲۲)	خدمات انفورماتیک	۱۲,۷۰۰	(۲۵۲)
بیمه البرز	۲,۸۱۰	(۲۲)	تجارت الکترونیک پارسیان	۹,۵۵۱	(۳۳)
کلیسایز ایران	۲,۶۴۹	۹۱	کنترل خوردنی کجین کو	۳,۲۸۸	۴۶
ایران ترانسفو	۴,۷۲۷	(۱۹۶)	مدیریت نیروهای نیروگاهی	۲,۵۴۰	(۶۶)
پارس سرج	۶,۷۹۹	۲۱۶	آذرتیت	۷,۱۶۶	۶۲
صنایع شوکابیزد	۴,۷۵۵	(۱۵۲)	سیمان داراب	۳,۱۹۶	۱۲۲
کارخانجات تولیدی شهید فندی	۲,۲۳۰	(۳۵)	سیمان سپاهان	۱,۶۰۰	(۱۲)
بیمه پارسیان	۲,۴۸۶	(۵۸)	سیمان تهران	۲,۵۰۰	(۷۵)
ایران پاساتراپارویر	۵,۸۴۰	۱۰۷	سیمان خاش	۲,۸۹۹	(۱۱۹)
سرمایه گذاری درپیس	۱,۲۳۰	۸	سیمان خزر	۱,۹۹۹	۳۷
صنایع لاستیک سهند	۱,۷۴۷	۶۷	سیمان دورود	۴,۸۶۷	(۲۰۲)
گازلوله	۴۹۰	(۱)	سیمان شاهرو	۲,۵۲۰	(۶۷)
گروه صنعتی بارز	۱,۰۸۵	(۳۸)	سیمان صوفیان	۱,۱۵۴	(۱۲)
تراکتورسازی ایران	۱,۶۲۷	(۶۳)	سیمان فارس و خوستان	۱,۱۳۲	(۱۱)
ماشین سازی نیرومحرکه	۱,۲۸۶	۴۹	سیمان فارس نو	۲,۵۴۳	(۶۰)
کمیاب سازی ایران	۶۰۴	(۹)	سیمان مازندران	۵,۹۰۰	(۱۵۱)
تکونار	۱,۶۷۹	(۲۵)	سیمان هگمتان	۲,۵۲۸	(۴۷)
توربینی ورفاهی آبادان ایران	۱,۶۹۷	۴۹	سیمان کارون	۲,۵۹۹	(۸۰)
بین المللی توسعه ساختمان	۳,۰۴۲	(۷۵)	سیمان کرمان	۳,۸۰۰	(۴۲)
سامان گستر ساختمان	۸۳۳	(۳۴)	پتروشیمی شازند	۶,۱۹۷	(۴۷)
سرمایه گذاری مسکن	۱,۶۹۰	(۵۷)	معدنی املاح ایران	۸,۱۵۰	۳۱۰
نوسازی و ساختمان تهران	۱,۸۵۱	(۷۷)	پالایش نفت تبریز	۲,۳۲۸	۱۰
افست	۳,۱۷۰	(۲۶)	نفت بهران	۱۸,۰۰۰	(۵۶)
بنسب بندی پارس	۶۱۱	(۲۴)	پاکسین	۳,۵۰۰	(۱۴)
فیر ایران	۵,۸۸۵	(۲۴۵)	پتروشیمی آبادان	۵,۱۲۴	(۲۱۲)
کارن ایران	۱,۸۳۰	۷۰	پارس ایمفال	۸,۹۶۱	۳۴۳
تأییدات خاورمیانه	۲,۶۵۲	(۶۰)	پالایش نفت اصفهان	۴,۱۰۲	(۴۳)
حمل و نقل توکا	۲,۵۵۰	۸۰	تولین پارس	۱,۷۵۰	(۳۴)
حفاری شمال	۳,۰۲۲	(۳۷)	دوده صنعتی پارس	۱,۸۶۶	(۷۷)
آهنکری تراکتورسازی ایران	۳,۰۳۲	(۱۲۶)	تجهیز نیروی زنگان	۸۹۰	(۵)
ایران خودرو ویزل	۸۳۹	۴	تولید سومو تلف کش	۳,۸۶۲	۱۰۶
پارس خودرو	۱,۰۳۰	۱۴	پتروشیمی قارابی	۲,۶۸۳	(۱۱۱)
سازه پویش	۱۲,۹۱۴	(۵۹۷)	گفتاش	۶,۳۹۷	۹۷
رادیاپور ایران	۱,۰۶۲	۴۰	لعلابیان	۳,۹۵۸	۱۵۲
چرخشگر	۳,۲۵۰	(۱۲۸)	بانک سینا	۲۸	۲۸
رینگ سازی شهید	۱,۲۳۶	۴	گروه صنعتی پهلوان	۳,۸۱۰	۱۴۶
زامیاد	۱,۵۳۰	(۷)	کشت و صنعت پیادر	۱,۵۲۰	(۴۶)
ح . زامیاد	۵,۳۴۴	(۲)	لبنیات کالبر	۱۳,۶۰۲	(۱۶۴)
سایبا	۲,۱۳۱	۱۳	لبنیات پاک	۳,۶۲۳	(۱۵۰)
صنعتی دریایی ایران	۲,۰۴۰	(۲۱)	پارس سینو	۱,۴۷۶	(۶۱)
سرمایه سازی اعتبار ایران	۱,۸۴۴	(۴۹)	خوراک دام پارس	۵,۲۲۹	(۵۷)
سرمایه سازی خاور	۱,۰۳۲	(۴۳)	دشت مرغاب	۲,۰۸۱	(۸۲)
گسترش سرمایه گذاری ایران خودرو	۲,۶۹۹	۷۲	بگانه دریایجان غربی	۱,۱۴۸	(۴۶)
نیرو محرکه	۱,۴۷۰	(۱۱)	شیرپاسوریز دیگانه خراسان	۲,۷۸۷	۱۰۷
مهر مپاراس	۷۰۷	۱۷	شهد ایران	۱,۲۱۴	۴۶
مونو سازان ایران تراکتور سازی ایران	۸۹۰	(۳)	تولیدی مهرام	۲,۵۲۰	(۴۱)
مغور سازان ایران خودرو	۷۹۴	۳۰	صنایع آذرآب	۸۶	۶۶
کاربراتور ایران	۲,۶۸۱	۲۵	ماشین سازی اراک	۱,۲۲۷	۶۶
سایبا دیزل	۶۸۵	(۷)	مس شهیدبهر	۱,۱۲۰	۲۴
داروسازی اوریجن	۸,۵۴۰	(۹۷)	داروسازی خراسان	۶,۶۰۴	(۲۷۵)
کارخانجات دارویش	۶,۶۱۰	(۲۶۶)	فرآوری مواد معدنی ایران	۴,۵۸۹	۱۴
داروسازی اسوه	۱۲,۸۰۰	(۳۳۲)	فرولیس ایران	۴,۰۱۳	۱۶
الیزادارو	۱۲,۶۸۱	(۵۲۸)	لوله و تجهیزات سدید	۱,۳۰۰	(۱۲)
داروسازی امین	۲,۷۵۰	(۶۴)	ملی سربووری ایران	۳,۶۶۰	۱۴۰
پارس دارو	۱۶,۴۰۰	۶۰۷	لوله و ماشین سازی ایران	۳,۰۴۱	۱۲۰
تولید مواد لیدو دارویش	۱۴,۹۷۱	۵۵	ملی صنایع سی ایران	۴,۵۵۰	۶۸
داروسازی جابرین حیان	۳,۹۷۱	۵۷	زمینه های است که امکان تأمین مالی	۲,۹۴۰	۱۱
داملران	۹,۱۱۵	۱۴	فولاد آلیازی ایران	۲,۸۸۹	(۲)
دارویی رازک	۱۳,۰۰۰	۶۹	فرآورده های غذایی و قندیرانشهر	۸,۰۰۰	۳۷
داروسازی روزدارو	۵,۰۰۰	(۶۵)	قند قند خراسان	۲,۶۶۲	۱۲
گروه دارویی سبحان	۴,۶۱۱	(۱۸۰)	فرآورده های غذایی و قند تیرجام	۲,۵۶۴	۹۸
ح . گروه دارویی سبحان	۳,۵۰۷	(۱۱۷)	قند شیرین خراسان	۳,۹۶۱	۱۲۲
لایر اتو داروسازی دکتر عبیدی	۸,۹۲۷	(۳۷۱)	شهد	۶,۴۳۰	(۱۵۱)
داروسازی قارابی	۸,۵۴۰	۱۵۳	شوک شاهرو	۳,۷۷۶	۱۴۵
فرآورده های تفریحی ایران	۵,۲۴۰	۲۰۱	قنداهای	۱۳,۳۹۴	(۵۵۷)
داروسازی اکسیر	۷,۸۰۰	(۱۵۷)	قند لرستان	۱۷,۰۰۷	۳۶۴
دارویی لقمان	۴,۳۹۰	۱۶۸	قند مرودشت	۱۲,۰۵۱	۲۶۴
ایران دارو	۴,۹۳۰	(۷۶)	قندش جهان	۲۱,۷۲۶	۸۲۶
داروسازی	۲,۷۷۰	۵۸	قند نیشابور	۵,۲۹۷	۲۰۳

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات	نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
بیمه آسیا	۳,۳۵۸	(۱۳۸)	کیمیدارو	۲,۹۰۰	(۷۱)
مخابرات ایران	۳,۴۷۸	(۲۲)	خدمات انفورماتیک	۱۲,۷۰۰	(۲۵۲)
بیمه البرز	۲,۸۱۰	(۲۲)	تجارت الکترونیک پارسیان	۹,۵۵۱	(۳۳)
کلیسایز ایران	۲,۶۴۹	۹۱	کنترل خوردنی کجین کو	۳,۲۸۸	۴۶
ایران ترانسفو	۴,۷۲۷	(۱۹۶)	مدیریت نیروهای نیروگاهی	۲,۵۴۰	(۶۶)
پارس سرج	۶,۷۹۹	۲۱۶	آذرتیت	۷,۱۶۶	۶۲
صنایع شوکابیزد	۴,۷۵۵	(۱۵۲)	سیمان داراب	۳,۱۹۶	۱۲۲
کارخانجات تولیدی شهید فندی	۲,۲۳۰	(۳۵)	سیمان سپاهان	۱,۶۰۰	(۱۲)
بیمه پارسیان	۲,۴۸۶	(۵۸)	سیمان تهران	۲,۵۰۰	(۷۵)
ایران پاساتراپارویر	۵,۸۴۰	۱۰۷	سیمان خاش	۲,۸۹۹	(۱۱۹)
سرمایه گذاری درپیس	۱,۲۳۰	۸	سیمان خزر	۱,۹۹۹	۳۷
صنایع لاستیک سهند	۱,۷۴۷	۶۷	سیمان دورود	۴,۸۶۷	(۲۰۲)
گازلوله	۴۹۰	(۱)	سیمان شاهرو	۲,۵۲۰	(۶۷)
گروه صنعتی بارز	۱,۰۸۵	(۳۸)	سیمان صوفیان	۱,۱۵۴	(۱۲)
تراکتورسازی ایران	۱,۶۲۷	(۶۳)	سیمان فارس و خوستان	۱,۱۳۲	(۱۱)
ماشین سازی نیرومحرکه	۱,۲۸۶	۴۹	سیمان فارس نو	۲,۵۴۳	(۶۰)
کمیاب سازی ایران	۶۰۴	(۹)	سیمان مازندران	۵,۹۰۰	(۱۵۱)
تکونار	۱,۶۷۹	(۲۵)	سیمان هگمتان	۲,۵۲۸	(۴۷)
توربینی ورفاهی آبادان ایران	۱,۶۹۷	۴۹	سیمان کارون	۲,۵۹۹	(۸۰)
بین المللی توسعه ساختمان	۳,۰۴۲	(۷۵)	سیمان کرمان	۳,۸۰۰	(۴۲)
سامان گستر ساختمان	۸۳۳	(۳۴)	پتروشیمی شازند	۶,۱۹۷	(۴۷)
سرمایه گذاری مسکن	۱,۶۹۰	(۵۷)	معدنی املاح ایران	۸,۱۵۰	۳۱۰
نوسازی و ساختمان تهران	۱,۸۵۱	(۷۷)	پالایش نفت تبریز	۲,۳۲۸	۱۰
افست	۳,۱۷۰	(۲۶)	نفت بهران	۱۸,۰۰۰	(۵۶)
بنسب بندی پارس	۶۱۱	(۲۴)	پاکسین	۳,۵۰۰	(۱۴)
فیر ایران	۵,۸۸۵	(۲۴۵)	پتروشیمی آبادان	۵,۱۲۴	(۲۱۲)
کارن ایران	۱,۸۳۰	۷۰	پارس ایمفال	۸,۹۶۱	۳۴۳
تأییدات خاورمیانه	۲,۶۵۲	(۶۰)	پالایش نفت اصفهان	۴,۱۰۲	(۴۳)
حمل و نقل توکا	۲,۵۵۰	۸۰	تولین پارس	۱,۷۵۰	(۳۴)
حفاری شمال	۳,۰۲۲	(۳۷)	دوده صنعتی پارس	۱,۸۶۶	(۷۷)
آهنکری تراکتورسازی ایران	۳,۰۳۲	(۱۲۶)	تجهیز نیروی زنگان	۸۹۰	(۵)
ایران خودرو ویزل	۸۳۹	۴	تولید سومو تلف کش	۳,۸۶۲	۱۰۶
پارس خودرو	۱,۰۳۰	۱۴	پتروشیمی قارابی	۲,۶۸۳	(۱۱۱)
سازه پویش	۱۲,۹۱۴	(۵۹۷)	گفتاش	۶,۳۹۷	۹۷
رادیاپور ایران	۱,۰۶۲	۴۰	لعلابیان	۳,۹۵۸	۱۵۲
چرخشگر	۳,۲۵۰	(۱۲۸)	بانک سینا	۲۸	۲۸
رینگ سازی شهید	۱,۲۳۶	۴	گروه صنعتی پهلوان	۳,۸۱۰	۱۴۶
زامیاد	۱,۵۳۰	(۷)	کشت و صنعت پیادر	۱,۵۲۰	(۴۶)
ح . زامیاد	۵,۳۴۴	(۲)	لبنیات کالبر	۱۳,۶۰۲	(۱۶۴)
سایبا	۲,۱۳۱	۱۳	لبنیات پاک	۳,۶۲۳	(۱۵۰)
صنعتی دریایی ایران	۲,۰۴۰	(۲۱)	پارس سینو	۱,۴۷۶	(۶۱)
سرمایه سازی اعتبار ایران	۱,۸۴۴	(۴۹)	خوراک دام پارس	۵,۲۲۹	(۵۷)
سرمایه سازی خاور	۱,۰۳۲	(۴۳)	دشت مرغاب	۲,۰۸۱	(۸۲)
گسترش سرمایه گذاری ایران خودرو	۲,۶۹۹	۷۲	بگانه دریایجان غربی	۱,۱۴۸	(۴۶)
نیرو محرکه	۱,۴۷۰	(۱۱)	شیرپاسوریز دیگانه خراسان	۲,۷۸۷	۱۰۷
مهر مپاراس	۷۰۷	۱۷	شهد ایران	۱,۲۱۴	۴۶
مونو سازان ایران تراکتور سازی ایران	۸۹۰	(۳)	تولیدی مهرام	۲,۵۲۰	(۴۱)
مغور سازان ایران خودرو	۷۹۴	۳۰	صنایع آذرآب	۸۶	۶۶
کاربراتور ایران	۲,۶۸۱	۲۵	ماشین سازی اراک	۱,۲۲۷	۶۶
سایبا دیزل	۶۸۵	(۷)	مس شهیدبهر	۱,۱۲۰	۲۴
داروسازی اوریجن	۸,۵۴۰	(۹۷)	داروسازی خراسان	۶,۶۰۴	(۲۷۵)
کارخانجات دارویش	۶,۶۱۰	(۲۶۶)	فرآوری مواد معدنی ایران	۴,۵۸۹	۱۴
داروسازی اسوه	۱۲,۸۰۰	(۳۳۲)	فرولیس ایران	۴,۰۱۳	۱۶
الیزادارو	۱۲,۶۸۱	(۵۲۸)	لوله و تجهیزات سدید	۱,۳۰۰	(۱۲)
داروسازی امین	۲,۷۵۰	(۶۴)	ملی سربووری ایران	۳,۶۶۰	۱۴۰



سر سفن

کریم فیضی

آب، انسان، فرهنگ؟

آب از دیرباز در حیات انسان نقشی بی بدیل داشته و از خلال همین نقش، به زیر درخت و باغ فرهنگ هم سرازیر شده است. آبی که باعث زنده ماندن انسان و کار و کوشش او شده، همان آب باعث پدید آمدن فرهنگ شده و خلاقیت‌های فرهنگی انسان را پدید آورده است. گواه این موضوع قافله دور و دراز هنر و علم و ادب در تاریخ زندگی است. در نتیجه، انسان با بهره‌مندی از آب زنده مانده و با بهره‌مندی از زندگی، فرهنگ آفرینی کرده است. پس بدون شک آب در فرهنگ یک عنصر کلیدی است. این موضوع را ده‌ها و شاید صدها دلیل قاطع تأیید می‌کند. نگاهی کوتاه به روند تاریخی سرزمین‌های پرآب و کم‌آب به وضوح نشان می‌دهد که تا چه میزان کمی و زیادی آب در نوع و نوعیت‌ها - نوع و نوعیت همه چیز - مؤثر افتاده است: از آداب و رفتارهای فردی تا منش‌ها و اخلاقیات اجتماعی و رسوم و سنن جزئی و کلی.

جالب است که با صرف‌نظر از تاریخ، در زندگی امروز نیز می‌توان تأثیر ویژه پرآبی و کم‌آبی را با در نظر گرفتن سال‌های خشکسالی و پر آبی و نیز تفاوت‌های محسوس کشورهای پرآب و کم‌آب بالعیان دید. متأسفانه به دلایلی که زیاد روشن نیست، این مسائل تا امروز به درستی طرح نشده و مورد کاوش‌های علمی و دقیق قرار نگرفته است. بنابراین، طبیعی است که سخن گفتن در این زمینه‌ها، علاوه بر ظاهر ناآشنا و بدعت آلود خویش، با فقر منابع و کمبود نمونه‌های تحقیقی هم همراه باشد و سخن را با دشواری‌هایی پیش ببرد که از نظر اهل بحث دور نیست. وقتی در

بابی، سخنی به زبان و قلم نیامده، سخن گفتن از آن غیر ضروری خواهد نمود و تبیین و توصیف و تشریح آن هم خالی از زحمت نیست.

باری، ما می‌توانیم این نتیجه را تا حد زیادی مسلم و قطعی تلقی کنیم که آب در فرهنگ دارای نوعی محوریت بوده است، از گذشته تا حال. تاریخ به ما نشان می‌دهد که انسان‌ها، هر کجا به چشمه آبی دست یافته‌اند،

بار سفر بر زمین نهاده‌اند و هر کجا توانسته‌اند با حفر خاک، آبی را در زمین جاری کنند، سکنی گزیده‌اند و آن محل را به عنوان مرکز زندگی خویش و خویشان خویش برگزیده‌اند و ادامه همین روند و جریان با علت پدید آمدن روستاها و شهرها، با نوع خاص زندگی و فرهنگ آنها شده است. مطالعه در پرآکندگی جغرافیایی شهرهای مختلف در کشورهای گوناگون - از جمله ایران - و تأمل در توزیع روستاها در جاهای مختلف به روشنی نشان می‌دهد که چگونه آب و جریان ضعیف و قوی آن منجر به شکل‌گیری زندگی در نواحی مختلف شده و سپس به آبادانی و سرسبزی و زندگی و آفرینش‌های گوناگون انجامیده است. آیا همین موضوع، کافی نیست تا بگوییم هر چاه آبی، در هر جای از زمین، فرهنگی را بنیان نهاده است؟ بگذارید سخن را اندکی محسوس‌تر و عینی‌تر کنیم.

اگر شیراز قرن هفتم را شهری بدانیم با ۵ حلقه چاه آب، این چند چاه علاوه بر اینکه موجب آبادانی یک شهر و زندگی و کار و تلاش انسان‌های آن روزگار شده، این نتیجه را در پی داشته است که چهره‌های نام‌آور و شاخصی چون سعدی و حافظ نیز پدید بیایند و به عرصه برسند و ببالند و به اوج هنری زمان و مکان و حتی ادوار بعد نیز صعود کنند. پس، ما نمی‌توانیم در شناخت و شناسایی هویت و حقیقت دو شاعر برجسته و جاودانی ایران به نام‌های سعدی و حافظ، نقش چند حلقه چاه عهد زندگی آنها را نادیده بگیریم، چرا که اگر شیراز به هر دلیلی آب نمی‌داشت، شهری نمی‌شد که مردمان در آن سکنی بگیرند و اگر سکونت و اقامتی نبود، تجمع و تمرکزی پدید نمی‌آمد تا شیرازی باشد و آنگاه اصلاً معلوم نبود که مردی که پدر حافظ و سعدی و زنی که مادر آن دو بودند، در کجا می‌بودند و آیا در شهری دیگر هم صاحب چنین فرزندی می‌شدند.

نام آوران

مر حوم احمد علی سپهر



زمانی که دانشجو بودم، یکی از استادها، به نام آقای دکتر سیف به من گفت که شخص مهمی را می‌شناسد از خانواده‌ای بسیار ریشه‌دار و یاسواد که کارهای خوبی انجام داده است. گفت: او حالا پا به سن گذاشته است. به جوانی نیاز دارد که نویسنده باشد و بتواند خاطرات او را بشنود و بنویسد. گفت که آن شخص، نویسنده‌ای می‌خواهد که قلم خوبی داشته باشد. من چون قلم تو را دوست دارم، می‌خواهم تو را به وی معرفی کنم. او پول هم می‌دهد. قبول می‌کنی این کار را انجام بدهی؟

چون وضع مالی‌ام خوب نبود، قبول کردم. قرار و مداری گذاشته شد و سر ساعت خودم را رساندم و رفتم در خانه آن شخص را به صدا در آوردم. خانمی دم در آمد و مرا به داخل هدایت کرد.

بقیه در صفحه ۴

فرهنگ

۵۶

چهارشنبه ۴ آبان ۱۳۹۰

شماره ۲۵۱۶۲ - ضمیمه فرهنگی روزنامه اطلاعات
ویژه فرهنگ، تاریخ و تمدن اسلام و ایران



هایدگر به روایت ریچارد رورتی

زندگی برای جستجو

ریچارد رورتی در نوشته‌های دیدگاه‌های خودش را درباره زندگی و فلسفه و اندیشه مارتین هایدگر مطرح کرده است که تقدیم علاقمندان می‌شود.

هایدگر در آثار نخستین خود می‌خواست ارسطو را احیا کند تا از طریق آن، انتقاد نو توماسی از دکارت را دنبال کند. بعدها خواست با پشت سر نهادن ارسطو به فراسوی نیجه برود. گاه می‌خواست دازاین کلی را وصف کند و در مواقع دیگر می‌خواست فقط دازاین سده بیستمی را توصیف کند. زمانی می‌خواست رهبر قهرمانان جنبشی ملی شود، اما بعدها خواست عزلت‌گزین پیر خردمندی باشد که می‌دانست «فقط خدا می‌تواند ما را نجات دهد». نظر او مبنی بر اینکه همواره ستاره واحدی را دنبال کرده است، از نظر من خودنوازی خودفریبانه‌ای است. به نظر من جعبه‌ایزاری که از او به ما ارث رسیده، حاوی انواع ابزارهای مختلف است که برای مقاصد گوناگون ساخته شده است - مجموعه ابزارهایی

از بین بردن زندگی ما شرقی‌هاست؟ اجازه بدهید سؤال را اینگونه طرح کنیم که آیا بین زندگی شرق و غرب به لحاظ جوهر و بنیاد تفاوت مشاهده می‌کنید؟

اعتقاد من این است که بین زندگی‌های قسمت‌های مختلف و جغرافیای گوناگون جهان اختلاف وجود دارد. هر کس در تراویسیون و سنت خاص خودش زندگی می‌کند. تعریف سنت از نظر من عبارت از این است که سنت سهمی از وحی الهی است، به اضافه فرهنگ کردار و رفتار انسان‌ها، سنت‌ها با هم فرق دارند. سنت چین غیر از سنت هند و سنت هند غیر از سنت ایران است و ایران با فرانسه فرق دارد و فرانسه هم با جاهای دیگر متفاوت است. نکته بعدی که بدان اعتقاد دارم، این است که: جهان غرب وقتی می‌خواست به توسعه خودش دست بزند و از آسیا و قسمت‌های دیگر بهره‌برداری اقتصادی کند، صرفاً به لشکرکشی روی نیاورد. این کار، بخش کوچکی از تلاش غرب بود. غرب به جای لشکرکشی، عده‌ای را به شرق فرستاد یا از شرق به دامن غرب منتقل کرد و به وسیله این کسان نشان داد که هر آنچه شرقی‌ها دارند، غلط است و جاهلیت محسوب می‌شود و مال

بعد از حافظ در گفتگو با دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن/۸

شعر امروز

✽ آقای دکتر! اگر بخواهیم آسیب‌شناسی کنیم، آسیب و آفت شعر نو چیست؟

شعر نو ایرانی پیش از حد تحت تأثیر شعر فرنگی قرار گرفته است. این مشکلی است که شعر معاصر دارد. اخیراً در یکی از نشریات به ترجمه چند شعر از یک شاعر سوئدی برخورد کردم که شبیه به شعر نو ایرانی بود. باید شعر نو فارسی، بوی خاک ایران بدهد، اما گاهی با شعر فرنگی مو نمی‌زند. ✽ اگر قرار باشد که من قطعه‌ای بگویم که کسی از آن سر در نیاورد، و یا شبیه به قطعه‌ای باشد که یک آلمانی یا ایتالیایی بگوید، پس چه فرقی میان من به عنوان یک شاعر ایرانی فارسی زبان و یک شاعر خارجی؟ فکر می‌کنم که یک مشکل نوپردازهای معاصر این



دکتر اسلامی ندوشن

روایت



واقعۀ توپخانه

صفحه ۲

تحقیق



محاکم قضایی...

صفحه ۶

نمای نزدیک



سیلی پدر

صفحه ۶

تاریخ



بیرق سرخ

صفحه ۶

عکس



آره، ولی...

صفحه ۵

کتاب



پیامدهای مدرنیت

صفحه ۷

آیینہ



...در خلوت شاه

صفحات ۴ و ۵

عهد حجر است و آنچه غربی‌ها دارند، مربوط به تعقل و پیشرفت می‌باشد. مثلاً اگر شما در غذا خوردن سفره‌ای پهن کنید و دور هم جمع بشوید، عقب مانده‌اید ولی اگر روی میز غذا بخورید، پیشرفته هستید. اگر سازی از نی به دست بگیرید و با آن تک‌نوازی کنید، موسیقی شما عقب مانده است، اما اگر مثل غربی‌ها ارکسترآسیون ایجاد کنید و جمعی بنوازید، ترقی کرده‌اید. اگر گیوه ببویشید و لباده بلند بر تن کنید، از تمدن عقب هستید ولی اگر کت و شلوار ببویشید و پاپیون بزنید، رشد کرده‌اید. این چنین باورها من نوعی را به اینجا رسانده که نشانه ترقی و علو درجه و مقام انسانی همان چیزی است که به غرب مربوط است ولی آنچه در شرق وجود دارد، نشان عقب ماندگی و واماندگی است. غربی‌ها بر اساس همین چارچوب سینه‌زنی شرقی‌ها در عزاداری را نشانه خودزنی و جاهلیت می‌دانند و راه رفتن آرام خود را نشانه تمدن بودن جا می‌زنند.

✽ حرف شما این است که ملاک قضاوت باید سنت هر ملتی باشد، نه صرفاً سنت غرب.

بله، چون هر ملتی سنت خودش را دارد

بقیه در صفحه ۳

است که اکثراً با ادب گذشته ایران آشنایی کافی نداشته‌اند و بیشتر در یک جهت حرکت کرده‌اند و آن جهت چپ‌روی و اعتراض است. شعر اعتراض، تقریباً وصف حال اکثر شاعران بعد از ۲۸ مرداد است. یعنی می‌گویند که آنچه هست نباید باشد. چیز دیگری باید باشد که درست نمی‌دانند چیست! این نشانه سرزندگی است ولی کافی نیست. شعر سرانی یک هنر و یک توانائی است. اعتراض بی‌پشتوانه شبیه به شعار رمزی می‌شود.

در هر صورت، مشکلات شعر نو فارسی، یکی تقلید بی‌اندازه از خارج است و دیگر آنکه معلوم نیست که خواستار چه راه و روشی است. اعتراض خوب است و نارضاقتی از وضع ناهنجار، قبول؛ اما این باید مفاهیم انسانی دیگری را هم همراهی کند.

بقیه در صفحه ۵

انتخابات مجلس شورای ملی

عبدالملک از طرف دولت، آمد قم و آقایان را به تهران حرکت داد. بعد از آمدن آن‌ها، من هم به تهران آمدم. بنای انتخاب وکلا و نمایندگان ملت شد.انتخابات صنفی بود. در محوطه‌ای که فعلاً عدلیه است، از تمام اصناف، جمع شده، وکلای خود را انتخاب می‌کردند. ماهم حاجی سیدنصرالله سادات اخوی و آقا میرزا طاهر تنکابنی را انتخاب کردیم.

انجمن اتحادیه طلاب

پس از آمدن از قم، من و بعضی از طلاب مشروطه‌طلب به خیال تأسیس انجمن افتادیم.

ابتدا دو جلسه در خانه تأسیس و بعد به دعوت من، آمدند مدرسه مروی. غرض از تأسیس انجمن، این بود که ترتیب مشروطیت و فواید آن، بیسان، و طلاب و سایرین آگاه شوند و تقویت از مجلس و مشروطه شود و این انجمن به اسم «انجمن اتحادیه طلاب» مسمی گردید.

روز اول در مدرسه مروی، ملک‌المتکلمین ایستاده، خطابه خواند و هر یک از طلاب، لایحه‌ای نوشته، قرائت می‌کردند یا نطق می‌نمودند. کم‌کم جمعیت زیاد شد و غیر از طلاب هم مستمع شدند و اهمیت زیاد پیدا کرد و منتقل به مدرسه صدر شد و من از اعضای مهم این انجمن بودم.

انجمن اتفاقیه طلاب

بعد از چندی، معایبی در انجمن پیدا شد و در صدد رفع آن معایب برآمدم، ولی بالاخره به کلی خالی از عیب نماند. بعد از این انجمن، کم‌کم انجمن‌های دیگری تأسیس شد و از میانه انجمن‌ها، انجمنی به اسم «انجمن مرکزی» تأسیس شد که از هر انجمن، یک نفر نماینده در آنجا بود؛ برای اینکه انجمن‌ها به هم مربوط باشند. و من از طرف اتحادیه طلاب، نماینده بودم. و نیز انجمنی به اسم «انجمن اتفاقیه طلاب» تشکیل شد که حاج سیدنصرالله، مدیر و من، نایب مدیر بودم.

امضاء قانون اساسی مظفر الدین شاه

در غره ذیقعدۀ ۱۳۲۴ق محمدعلی میرزا وارد تهران شد. قانون اساسی تمام، و به توسط او به صحنه شاه رسید. دو روز بعد از صحنه قانون اساسی، مظفرالدین شاه در شب بیست و پنجم ذیقعدۀ ۱۳۲۴ق مرحوم شد. تقریباً یازده سال سلطنت کرد. جنازه او را در تکیه دولت، امانت گذاردند.

گشایش مجلس اول شورای ملی در بدو مشروطیت، مجلس اول که منعقد شد، ابتدا صحبت از نان و گوشت بود و بعد تأسیس بانک ملی که اعلان آن در بیست و چهارم شوال ۱۳۲۴ق منتشر شد. وکلا روی زمین می‌نشستند، علما هم همه‌روزه در مجلس حاضر و در صدر مجلس می‌نشستند. صنیع الدوله، رئیس مجلس است. من غالباً در آن اوقات، مجلس می‌رفتم و پهلوی وکلا می‌نشستم. در این مجلس، سعیدالدوله خیلی معروف شد و او را «بوالمله» لقب دادند.

تقی‌زاده از تبریز انتخاب شد و پس از ورود، او هم به واسطهٔ نطق‌های با حرارت، معروف شد.

تصویب متمم قانون اساسی

متمم قانون اساسی به مجلس آمد و برای اینکه زودتر از مجلس بگذرد و اشکالی در آن نشود، انجمن مرکزی از طرف تمام انجمن‌ها در بهارستان متحصن شد و در آنجا بودیم تا متمم قانون اساسی، تمام به صحنه شاه رسید.

حمایت انجمن‌ها

انجمن‌ها تا وقتی که مجلس را به توپ بستند، باقی بود و در معنی، حافظ مجلس و مشروطیت همین انجمن‌ها بودند، ولی در آخر، بعضی انجمن‌ها تأسیس شد که در باطن با استبداد و شاه همراه بودند و در ظاهر با سایر انجمن‌ها. و در سایر انجمن‌ها نیز اشخاص استبدادخواه داخل شدند که بالاخره اسباب اختلاف و نفاق مابین

انجمن‌ها شده، آن‌ها را سست کرد.

ازدواج

در سال ۱۳۲۴ به خیال تأهل افتاده، بالاخره، صبیّه حاجی میرزامر ترضی را گرفتم. حاجی میرزا مر ترضی، پسر میرزا محمد طیب، پسر میرزا احمد طیب است. میرزا محمد، برادر حاجی میرزا حبیب‌الله مجدالاطبا بوده که از اطبای معروف است و

خاطرات فاطمی قمی، مدّون قانون مدنی/۳-

همراهی سردارها با مجلس

در ماه شعبان سنهٔ ۱۳۲۵ ق احتشام السّلطنه، سردارها را جمع کرده، قسم خوردند که با مجلس همراهی کنند و روز نوزدهم به مجلس رفتند.

محاکمهٔ مدیر روزنامهٔ صوراسرافیل

در این اوقات، یک روز صبح، مدرسهٔ مروی رفتن، دیدم جمعیت جمع، و هیاهو

خاطرات فاطمی قمی، مدّون قانون مدنی/۳-

واقعۀ توپخانه



مسافرت به کهک

برپا است. معلوم شد اجتماع به واسطهٔ مقاله‌ای است که در روزنامهٔ صوراسرافیل نمرهٔ ...

درج شده، می‌خواهند بریزند مطبعه و ادارهٔ روزنامه را خراب و مدیر و نگارنده را صده‌ه بزنند. من با چند نفر، جمعیت را متقاعد کردم که برویم پیش رئیس مجلس و تنبیه مدیر و نویسنده را بخواهیم. رفتیم

پیش احتشام السّلطنه –رئیس مجلس –قرار شد در مجلس، طرح شود. فردا از مجلس، هیتی برای محاکمه از مجلس معین شد. از طرف جمعیت هم چند نفر برای محاکمه معین شدند که یکی از آنها من بودم. بعد از گفت‌وگو، ملزم شدند که مدّت معینی روزنامه برای جلوگیری از فساد، توقیف باشد. آنها قبول کردند و در مجلس هم تصویب شد.

مخالفت مجلس با قرارداد ۱۹۰۷ م

روز شنبه بیست و ششم شعبان ۱۳۲۵ق معاهدهٔ روس و انگلیس راجع به ایران، در مجلس خوانده شد و مجلس رد کرد.

کابینهٔ ناصرالملک

در هجدهم رمضان ۱۳۲۵ق ناصرالملک رئیس‌الوزرا و سایر وزرا به مجلس معرفی شدند.

بیست و سوم رمضان ۱۳۲۵ق سپه‌دار به استرآباد رفت. چون حرکت نمی‌کرد، من رفتم و از طرف انجمن‌ها و روزنامه‌ها به او اطمینان دادم که تعرضی به او نکنند، تا آنجا را امن کند، و او قبول و حرکت کرد.

واقعۀ میدان توپخانه

در ماه ذیحجهٔ ۱۳۲۵ق واقعۀ میدان توپخانه اتفاق افتاد. تفصیلش آن است که بر حسب تهیه‌ای که قبلاً دیده شده بود، در هشتم ذیحجه، نزدیک ظهر، جمعی از اشرار به در ب مجلس ریخته، چند نفر را با چوب و قمه صدمه زدند و چند تیر رولور هم شلیک کردند و از آنجا به میدان توپخانه رفته، بنای داد و فریاد گذاردند و چندین چادر در میدان توپخانه برپا کرده، حاجی شیخ‌فضل‌الله و حاجی سیدعلی‌آقای یزدی و آقاخوند ملاّمحمدآملی و حاجی ملاّمحمدعلی رستم‌آبادی و جمعیتی از الواط محلات من جمله: صنیع حضرت و مقتدر و شیخ محمود ورامینی با عده‌ای که از ورامین آمده بودند، در آنجا جمع شده، شب و روز اقامت کردند. مشروطه‌طلب‌ها را کافر می‌خواندند. گاهی اسباب عابرین را غارت می‌کردند و بعضی را به تقصیر مشرووصه طبسی کتک زدند. یک نفر را کشته، به دار آویختند؛ از قرار مذکور چشم

او را هم درآوردند.

از طرف دیگر، انجمن‌ها و مشروطه‌طلب‌ها در مجلس و مدرسهٔ سپهسالار جدید، جمع شدند و اسلحه برای دفاع برداشتند؛ دکانین بسته شد، جمعیت مجلس مرتّب بود، شرارتی از آنها بروز نمی‌کرد و آنجا امن بود، ولی در محلات دیگر، صدای تیر و تفنگ بلند بود، بالجمله روزه‌روز بر جمعیت مجلس افزوده و از جمعیت میدان توپخانه کاسته می‌شد.

از ولایات، تلگرافات به همراهی با مجلس مخابره شد. از قزوین، عده‌ای مجاهدین آمدند و آقا سیدعبدالله قمی هم از قم برای همراهی با مجلس آمد. شاه ناصرالملک را حبس کرد و بعد از توسط سفارت انگلیس، از مملکت خارج شد و علاءالدوله و معین‌الدوله را به فرنگستان تبعید کرد، ولی چون شاه دید به این طریق کاری از پیش نمی‌رود، جمعیت میدان را متفرّق کرد و بر حسب درخواست مجلسیان، صنیع حضرت و مقتدر و بعضی دیگر، تبعید شدند و سعدالدوله به سفارت هلند پناهنده شد. شاه، قرآن مُهر کرده، مجدداً قسم خورد که مخالفت با مجلس نکند و قرآن را به مجلس فرستاد. نظام‌السلطنه، رئیس‌الوزرا و وزیر مالیه شد و مابقی وزرا: آصف‌الدوله وزیرداخله، ظفرالسّلطنه وزیر جنگ، قائم‌مقام وزیر تجارت، مشیرالدّوله وزیر خارجه، صنیع الدّوله وزیر علوم و فواید عامه، مخبر السّلطنه وزیر عدلیه.

در هجدهم ذیحجه، جمعیت مجلس هم متفرّق شد. بعد از تفرقهٔ جمعیت میدان توپخانه، حاجی شیخ‌فضل‌الله و حاج سید علی آقا با جمعی آمدند مدرسهٔ مروی. چند روز آنجا بودند، بعد از آنجا هم متفرّق شدند.

نامانی در تهران

در یکی از این شب‌ها برای کاری راجع به همین وقایع، چهار از شب گذشته، حرکت کردم با دو نفر دیگر به طرف خیابانِ ماشین. در بین راه به قدری



میدان توپخانه

احداث میدان توپخانه در سال ۱۲۸۴ هجری قمری، و به دستور میرزاتقی‌خان امیرکبیر، در زمینی مستطیل شکل و در بیابان شمالی میدان توپخانه قدیم (میدان ارک فعلی) آغاز شد. پیش از آن واز زمان فتحعلی‌شاه، این بیابان به محل استقرار توپ‌ها و توپچی‌ها اختصاص داشت. معمار میدان محمدابراهیم‌خان آذر بایجانی (دایی کامران‌میرزا) بود. کار ساخت میدان ده سال به طول انجامید و در سال ۱۲۹۴ قمری به دستور اعتمادالسّلطنه خاتمه یافت. این میدان از نخستین گذرگاه‌های تهران است که سنگفرش و بعدها اسفالت شده‌است.

علی‌رغم آنکه میدان در ابتدا به‌صورت یکپارچه طراحی و احداث گردید، ولی بعد از احداث، دستخوش تغییرات شد. ساختمان‌های زیادی در اطراف آن ساخته و سپس تخریب شدند. ابتدا بنای ابتدایی و یکپارچه قبلی تخریب و در سمت شرق میدان ساختمان بانک شاهی ایران ساخته شد. این ساختمان بعدها با تغییراتی به بانک بازرگانی تبدیل شد. از میان ساختمان‌های قدیمی میدان تنها این بنا هنوز پابرجا مانده‌است. در سمت غرب نیز ابتدا ساختمان نظمیه ساخته شد که بعدها تخریب و نوسازی گردید. در ضلع جنوب غربی نیز ساختمان راهنمایی و رانندگی ساخته شد. در دوره رضا شاه در جنوب میدان ابتدا ساختمان بی‌سیم جای ساختمان قدیمی تر تلگرافخانه را که فقط ۱۲ متر طول داشت و گنبد زیبایی بر سقف آن بود گرفت. این بنا نیز بعدها تخریب شد و وزارت پست و تلگراف و تلفن ساختمان ۱۴ طبقه‌ای را بجای آن ساخت که امروزه بزرگ‌ترین ساختمان اطراف میدان است. در سال ۱۳۰۰ قمری ساختمان بلدیّه (بعدها شهرداری تهران) در ضلع شمالی این میدان ساخته شد. در ضلع شمالی بنای شهرداری کوچه چهارمتری‌ای قرار داشت. با تخریب ساختمان بلدیّه و منضم شدن زمین شهرداری و کوچه پشت آن به میدان، مغازه‌هایی که قبلاً در این کوچه بودند به میدان مشرف شدند. ضلع شمالی میدان و مغازه‌های آن تا امروز به یادبود کوچه تخریب شده، «پشت شهرداری» نامیده می‌شوند. موزه آثار استاد علی اکبر صنعتی (موزه ۱۳ آبان) در ضلع غربی این میدان قرار دارد.

میدان توپخانه از بدو احداث، مرکزی برای تجمع، آتشبازی، مشق و رژه نظامی و همچنین اعدام محکومان بوده است. برخی بر این باورند که طراح میدان در هنگام طراحی آن به میدان نقش جهان اصفهان نیز نظر داشته‌است. در اوایل احداث میدان، چند عراده توپ غنیمتی شاه عباس صفوی از پرتغالی‌های جزیره هرمز در آن قرار داده شده بود. همچنین توپی به نام توپ مروراید که از ساخته‌های دوران فتحعلی‌شاه بود در میدان به نمایش گذاشته شده‌بود. میدان توپخانه در مقطعی به عنوان نقطه اتصال میان بخش جدید و بخش قدیم تهران مطرح بوده‌است.

گلوله‌ از اطراف مارد شد که ناچار در بین راه، در خانه‌ای توقّف کرده، صبح به طرف مقصد رفتیم. این بود ترتیب حال شهر، در آن ایام.
ادامه دارد

ضمیمه فرهنگی

زندگی

آرش تبریزی

در روستا-

روستا رفتن، صبح یک روز تابستانی آغاز می‌شود.

پدرما بچه‌هایش را از خواب بیدار می‌کند تا آماده شویم. نیسانی جلوی در خانه می‌آید. سوارش می‌شویم و می‌رویم. فاطمه و مادرم در خانه می‌مانند. اولین بار است که سوار نیسان می‌شوم.

پروین و راحله در یک طرف می‌نشینند و خوشحالی می‌کنند، ولی من نمی‌توانم مثل آنها راحت بنشینم و تخمه بشکنم. می‌ترسم! به همین جهت دست می‌اندازم به نرده‌هایی که دور تا دور عقب ماشین کشیده شده.

پدرم در جلو ماشین، بی‌خیال با راننده – که اسمش باقر است – حرف می‌زند. می‌گوید و می‌خندد. تکان خوردن نیسان آنقدر زیاد است که گاهی حس می‌کنم می‌خواهد چپ شود.

کم‌کم از شهر خارج می‌شویم. می‌افتم توی جاده. تخمه‌های پروین و راحله تمام می‌شود. از جایشان برمی‌خیزند. خودشان را در معرض باد قرار می‌دهند. باد موهایشان را تکان می‌دهد. ماشین با سرعت در جاده باز در حال حرکت است. وقتی از یکی از ماشین‌های جاده جلو می‌زند، راحله و پروین، نفس‌های حبس کرده در سینه‌شان را یکدفعه رها می‌کنند. داد می‌زنند: آخ جون برنده شدیم، ما برنده شدیم.

یخم باز می‌شود. حس می‌کنم چقدر خوب است که ماشین‌ها اینقدر تند می‌رود و از همه جلو می‌زند، اما وقتی می‌رسیم به جایی که ماشین‌ان از گردنه عبور می‌کند، دوباره ترس می‌آید سراغم: نکند ماشین پرت شود به ته دره و ما بمیریم؟ نمی‌توانم نگاه کنم.

همانطور که نرده را محکم گرفته‌ام، چشم‌هایم را می‌بندم تا از گردنه به سلامت بگذریم. گردنه تمام می‌شود، چیزی بدتر از آن پیدا می‌شود و آن کوه‌های بلند است، با صخره‌هایی درشت و بزرگ که ماشین درست از وسط آنها عبور می‌کند. صخره‌ها و سنگ‌های بزرگ، روی کوه به نظرم سست و لرزان می‌آیند. فکر

می‌کنم هر لحظه ممکن است از جایشان تکان بخورند و بیفتند روی ما! به شدت می‌ترسم و احساس خطر می‌کنم، ولی صدایم در نمی‌آید. در درونم غوغایی برپاست که نفسم را گرفته است.

خدا خدا می‌کنم آقا باقر به جای اینکه با پدرم حرف بزند، از کنار این صخره سنگ‌های وحشت‌آور با سرعت عبور کند و از تیرریشان دور شود. معنای خشنی از ترس و وحشت را در طول راه روستا تجربه می‌کنم و حتی کشته شدن

در زیر هجوم صخره‌ها سنگ‌ها را حس می‌کنم، ولی چیزی از ترس‌هایم به کسی نمی‌گویم: نه راحله، نه پروین.

به روستا می‌رسیم. ترس‌ها چنان خسته‌ام کرده‌اند که بی‌حال به کف ماشین می‌افتم. توان برخواستن ندارم تا ببینم روستا چه جور جایی است و مشهدهای کجا هستند و چه کار می‌کنند. ماشین جلوی یک خانه گلی، شبیه خرابه می‌ایستد. پروین و راحله ذوق می‌کنند. زود می‌پرند پایین: اینم خونه‌مون. در نگاه اول فکر می‌کنم اگر روستا همین است، اصلاً جای خوبی نیست. آن از راهش، این هم از خانه‌اش. وسایل را از پشت ماشین خالی می‌کنیم. پدرم کلیدی را از جیبش درمی‌آورد. با باز کردن دری چوبی، داخل جایی می‌شویم که همه‌اش خاک است. حتی یک وجب سیمان و سنگ و آسفالت در روستا نیست. راه رفتن در خاک و نشستن روی آن خوشایندم نیست. پایم یاری نمی‌کند مثل خواهرانم شادی کنم.

در اتاقی نشیمن می‌کنیم که باید چند پله گلی را طی کنیم، تا به آن برسیم. در طبقه‌ای شبیه طبقه دوم ساخته شده. از آنجای می‌توان همه روستا را زیر نظر گرفت و دید. در روستا چیز جذابی برای تماشا وجود ندارد. نزدیک خانه ما، چند خانه گلی جدا از هم وجود دارد. کمی دورتر هم درخت‌های

سرسبز با وزش باد تکان می‌خورند. حالتی شبیه رقص دارند. بعد از چند نوار سبز، همه جا دشت و بیابان است. تک و توک بعضی از زمین‌ها زرد به نظر می‌رسند. می‌توان حدس زد که خوشه‌های گندم‌اند و مزارعی که چیزهایی در آنها کاشته شده است.



آدم هادامه

ادامه از صفحه اول

از نظر آن دسته از پراگماتیسم‌ها که می‌خواهند به برداشتن ابزارهایی از جعبهٔ هایدگر ادامه دهند، این واقعیت که کسی که این ابزار در خور توجه را طراحی کرد، نخست نازی بود و بعداً ریاکاری بزدل، یکی از طنزهای فراوان تاریخ است. ای کاش واقعیت جز این بود. همین آرزو را دربارهٔ اندیشمندان دیگری داریم که آنها را می‌ستاییم. ای کاش کارناپ به اندرز به جای سیدنی هوک گوش داده بود و بارد کردن مسئولیت کنفرانس صلح ۱۹۴۸ والدرف بازیچهٔ دست استالین نشده بود. کاش سارتر تا ۱۹۵۶ برای جدا شدن از خط‌مشی حزبی صبر نکرده بود. کاش بیئت و شا پیش از آنکه مجذوب موسولینی شوند، پی می‌بردند که بر زندانیان سیاسی او چه می‌رفت. کاش چپ جدید دههٔ ۱۹۶۰ پیش از آنکه شیفتهٔ کاسترو و مائو شود، درمی‌یافت که بر زندانیان سیاسی آنها چه می‌گذشت. اما ما ابتکارهای سیاسی این شورمندان ناپخته را تا اندازه‌ای زیادی با میراث‌های فکری آنان بی‌ارتباط می‌دانیم.

ادعای این بی‌ارتباطی از دیدگاه منتقدانی که می‌خواهند هایدگر مطرود باقی بماند، پذیرفتنی نیست. خطابهٔ او را در مقام ریاست دانشگاه به منزلهٔ بارقه‌ای از هایدگر واقعی، هایدگر اصلی می‌دانند. گمان می‌کنم این منتقدان فقط در حدی که می‌گویم حق دارند: هایدگر در سراسر زندگی ضد برابرطلب بود، هیچ‌گاه به برنامهٔ لیبرالی بشر ذره‌ای اعتنا نداشت. اما اگر سکوت هایدگر در برابر قتل عام یهودیان نبود، بعید می‌دانم که این ضد برابرطلبی برای خوانندگانش خیلی مهم، یا شاخصی برای هایدگر واقعی، راستین و اصلی، به نظر برسد. زیرا این سکوت همان چیزی است که مورد هایدگر را از مورد کارناپ یا سارتر متفاوت می‌سازد. کارناپ و سارتر درباره رویدادهای سیاسی در روسیه و اروپای مرکزی از دور داوری می‌کردند. اما هایدگر می‌دید که همکاران یهودی‌اش از کار برکنار می‌شدند و سپس به چشم می‌دید که به سرنوشتی گرفتار می‌آمدند که اگر فکر می‌کرد به زحمتش می‌ارزد به آسانی می‌توانست به آن پی ببرد. این سکوت در عین حال همان چیزی است که هایدگر را از مسیر کلی ضد برابری طلبان متفاوت می‌سازد. بسیاری از نویسندگان ممتاز سده بیستم به مردم سالاری بی‌اعتماد بودند، اما او تنها کسی بود که در برابر فاجعه آدم‌سوزی خاموش ماند.

این سکوت نابخشودنی بود، اما نمی‌توانم این سکوت را از محتوای کتاب‌های هایدگر نتیجه بگیرم، یا حتی آن را به عنوان نشانه چیزی بدانم که باید ما را نسبت به آن کتاب‌ها بد گمان

سازد.

تصور کنید که هیدگر در تابستان ۱۹۳۰ ناگهان خود را عمیقاً عاشق دانشجوی فلسفهٔ زیبارو، پرشور و ستودنی به نام سارا ماندلباوم می‌یابد. سارا یهودی است، اما هایدگر هیچ اعتنایی به این نکته ندارد. هایدگر پس از جدایی دردناکی از الفریده ـ ماجراجویی که به

قیمت از دست دادن دوستی‌اش با برخی، از جمله خانواده هوسرل، شد ـ در ۱۹۳۲ با سارا ازدواج کرد و آن دو در ژانویه ۱۹۳۳ صاحب پسری به نام آبراهام شدند.

هایدگر به شوخی می‌گوید سارا می‌تواند نام آبراهام را نامی برگرفته از نام سرسلسله یهود بداند، اما (هایدگر) این نام را برگرفته از آبراهام سانئا کلارایی، پسر مسکیرشی می‌داند. سارا در قفسه‌های کتابخانه دنبال نوشته‌های یهودی ستیز آبراهام سانئا کلارایی می‌گردد و شوخی کوچک هیدگر عامل نخستین اختلاف جدی میان زن و شوهر می‌شود. اما هایدگر در اواخر ۱۹۳۳ دیگر از این شوخی‌ها نمی‌کند. چه سارا او را متوجه پاکسازی یهودیان، از جمله پدرنش می‌کند که از کار اخراج شده است. هایدگر چیزهایی را در روزنامه دانشجویی درباره خودش می‌خواند که او را متوجه این نکته می‌کند که ممکن است روزهای خوش او سپری شده باشد. اندک اندک به این فکر می‌افتد که عشقش به سارا به بهای سنگینی، به قیمت اعتبار او تمام شده است و ممکن است دیر یا زود به قیمت شغلش هم تمام شود.

اما هنوز سارا را دوست داشت. سرانجام فرایبورگ محبوبش را به خاطر او ترک می‌گوید. در ۱۹۳۵ در برن درس می‌دهد، اما فقط به عنوان استاد میهمان که ناگهان از «مؤسسه مطالعات عالی» در پرنستون پیمای می‌رسد. هایدگر دو سال را در آنجا گذراند، آهسته و با زحمت انگلیسی آموخت، بار دیگر برای تالارهای درس مسحورکننده و مملو از دانشجویان سراپاگوش دلش پرپر زد. در ۱۹۳۷ که برخی از دوستان مهاجرش ترتیب شغل ثابتی را در دانشگاه شیکاگو برای وی دادند، فرصتی برای آن منظور به دست آورد.

در آنجا با الیزابت مان بورگز دیدار کرد و او هایدگر را به پدرش معرفی کرد. هایدگر تصمیم گرفت بر بدگمانی نخستین خود نسبت به محبوب ثروتمند هانسایی غلبه کند، مان بر بدبینی نخستین خود به بچه روستایی جنگل سیاهی. آنها درمی‌یابند که با یکدیگر، با آدورنو و هورکهایمر، توافق نظر دارند؛ اینکه آمریکا برهان خلف امیدهای عصر روشنگری است، سرزمینی بدون فرهنگ. سخن پرآکنی‌های



ادامه از صفحه اول

که نه عقب است، نه جلو. سنت است و بس. گاو پرستی هندی به سنت هندی مربوط می‌شود، بدون آنکه نشانه عقب ماندگی یا پیشرفت باشد. بالمآل غرب طبق تلقی خودش ما را به اینجا رسانده است که: یا باید برویم

از آنها تقلید کنیم، و یا عقب مانده محسوب شویم. ببینید! صحبت علوم و فنون نیست بلکه صحبت تقلید از ظواهر و مظاهر معمولی است. و باید اعتراف کنیم که غرب از این صحبت به هدف خودش که بی‌فرهنگی شرق است رسیده است و آقیابالاسر شده است.

من وقتی حرفم این است که حیات و زندگی انسان و لذت بردن انسان از زندگی با دو بال محقق می‌شود: بال علوم تجربی و پیشرفت‌های مربوط به علوم تجربی از نوع پزشکی و راه‌سازی، وسایل ارتباطی و امثال اینها و بال دوم که بال معرفت و ادب است و انسان از آن لذت می‌برد و معتقدم که فرق زندگی و مفهوم آن بین انسان و سایر جانداران در داشتن همین بال دوم است.

*** در واقع، تنها یک بال برای زندگی کافی نیست!**

دقیقاً. شما اگر برای یک بلبل محبوس در قفس یا یک آهوی اسیر تمام امکانات تغذیه را فراهم کنید، او دیگر به هنر و امور دوقی و مثلاً شعر احتیاج ندارد، فقط از آن جهت که اسیر است راحت نیست و می‌خواهد آزاد شود و بدود به صحرا و طبیعت برود. این در حالی است که انسان در متن آزادی، به چیزهای دیگری هم نیاز دارد. انسان همراه خوب خوردن و خوابیدن، هنر و ادبیات و معرفت و معنویت هم می‌خواهد. نتیجه



پرشور ضدنازی هایدگر به او توانایی می‌بخشد تا نیاز به ژست قهرمانی گرفتن نزد توده‌های مردم را ارضا کند؛ نیازی که در شرایط دیگر باید با خطابه ریاست دانشگاه ارضایش می‌کرد.

در پایان جنگ جهانی دوم ازدواج هایدگر به بن‌بست رسید. سارا عمیقاً سوسیال دموکراتیک، عاشق آمریکا و صهیونیستی

زندگی برای جستجو

پرشور بود. او به این نتیجه رسید که هایدگر مردی بزرگ با قلبی سرد و نفوذناپذیر است، قلبی که یک بار به روی او باز شده، اما در برابر امیدهای اجتماعی‌اش بسته ماند. به این نتیجه رسید که این خودپرست راهمان قدر خوار بشمارد که آن فیلسوف و مجادله‌گر ضدنازی را می‌ستود. در ۱۹۴۷ از هایدگر جدا شد و آبراهام پسر ۱۴ ساله‌اش را برداشت و با خود به فلسطین برد. هایدگر در ۱۹۴۸ پیروزمندانه به فرایبورگ بازگشت. در آنجا از دوست قدیمی‌اش گادامر شغلی گرفت، اگر چه از عدم مخالفت گادامر با سلطه نازی‌ها بر دانشگاه‌های آلمان به شدت بیزار بود.... هایدگر در این دنیای مغر و ض چه کتاب‌هایی می‌نوشت؟ شاید دقیقاً همان کتاب‌هایی که در دنیای واقعی نوشت. البته در این دنیا، مقدمه بر مابعدالطبیعه حاوی یکی انگاشتن تحقیر آمیز جنبش نازی با نیست‌انگاری سبک سرانه فناوری جدید است و نیز اشاره به اینکه هیتلر آلمان را به سطح مابعدالطبیعی روسیه و آمریکا فرو می‌کشانند. سمینارهای مربوط به نیچه، عمدتاً مانند همان سمینارهایی است که در دنیای ما ارائه داشت، جز گریزی به اکراه نیچه از یهودی‌ستیزان، گریزی که مشابیهت‌های عجیبی با تصویر یهودی‌ستیز، اثری هم‌زمان اما مستقل از سارتر دارد. در این دنیا، هایدگر بیشتر همان رساله‌های تفسیری را می‌نوشت، اما نقد و بررسی‌هایی دربارهٔ تورو و جفرسون به آنها می‌افزود که به ترتیب برای سخنرانی در دانشگاه‌های هاروارد و ویرجینیا تهیه شده بود. این دو رساله گرایش پرشور آشنایی هیدگر به زندگی روستایی و بدگمانی او را به پرولتاریای شهری نشان می‌دهند.

به طور خلاصه، کتاب‌هایش در این دنیا، مدارکی دال بر همان تلاشی است که در دنیای واقعی به کار بست؛ تلاش در راه بیرون آمدن از سنت فلسفی و «خواندن نغمه‌ای تازه» در آنجا. این تلاش، این جست و جوی شخصی خلوص، هسته اصلی زندگی او بود. این خلوص نمی‌توانست چندان متأثر از عشق به اشخاصی به خصوص یا رویدادهای سیاسی عصر او باشد.

هایدگر پس از جنگ، هرگز حرف سیاسی‌ای نزد. در آن دنیای مغر و ض که ترسیم

این که: غرب در ست است که در علم و دانش پیشرفته است ولی بال ادب و معرفت شرق و بخصوص ایران بسیار قوی است. متأسفانه غرب این‌سال ما را برای ما ضعیف و بی‌ارزش و بی‌اعتبار کرده‌اند. غربی‌ها هیچ‌وقت نمی‌آیند به ما بگویند که در این شعر سعدی که: چنان قحط سالی شد اندر دمشق/ که یاران فراموش کردند عشق چنان آسمان بر زمین شد بخیل/ که لب‌تر نکردند زرع و نخیل چه تصویر زیبایی دارد و آیا شما از این تصویر لذت نمی‌برید؟ غربی‌ها هیچ وقت به ما نگفتند که در شعری مانند:

به روز نبرد آن یل ارجمند/ به تیغ و به تیر و به گرز و قمند برید و درید و شکست و بیست/ یلان را سر و سینه و پا و دست چه توصیف زیبایی به صورت لف و نشر بیان شده و چقدر لذتبخش است! حرف من این است که زندگی در کشوری مانند ایران، علاوه بر بال اول زندگی که البته ناقص است، بال دوم را هم دارد که بسیار هم قوی و بسیار ارزشمند و در مواردی بی‌نظیر است، انسان در زندگی به دو بال نیاز دارد و با دو بال زندگی می‌کند و هر دو بال را باید پذیرفت و تقویت کرد.

*** شما از بالی با عنوان ادبیات و معرفت سخن به میان آوردید.**

در این بال، نگاه‌های مختلفی به زندگی افکنده شده است. مثلاً خیام به گونه‌ای می‌نگرد، مولانا به گونه‌ای و فردوسی به گونه‌ای دیگر کدام یک از این نگاه‌ها را به زندگی نزدیک‌تر می‌بینید؟

برای من تفاوتی بین این نگاه‌ها نیست. در عین حال، اگر نگاه مولانا را ملاک قرار بدهیم، خیام هم همان نگاه را دارد. من از کتابی به نام «صهبای‌خرد» نام می‌برم که نویسنده در آن نشان می‌دهد که خیام یکی از عارفان فرهنگ ایرانی است. نمی‌توان خیام را از مولانا جدا کرد. این حرف بچگانه است که ما حکیم ابوالقاسم فردوسی را از مولانا جدا

می‌کنم، او اعتبارش را به عنوان ضدنازی به کار می‌گیرد تا حق سیاسی آلمان محترم شناخته شود. فرانتس یوزف اشتراوس که او را در توئناوبرگ به طور مرتب می‌دید و با نگاهی ستایشگر او را ستایش، وی را می‌ستاید. هایدگر گاه همراه اشتراوس در اجتماعات سیاسی دیده می‌شود. سوسیال‌دموکرات‌هایی چون هابر ماس افسوس می‌خورند که هایدگر در سیاست پس از جنگ آلمان همواره در جناح نادرست قرار گرفته است. گاه در خفا این بدگمانی را ابراز می‌کنند که هایدگر در اوضاع و احوالی اندکی متفاوت، نازی خیلی خوبی از کار درمی‌آمد.

اما هیچ‌گاه به فکر این نبودند که چنین چیزی را در باره بزرگ‌ترین متفکر اروپایی عصر ما آشکارا بگویند. هایدگر در دنیای واقعی ما نازی بود، ریاکاری بزدل و بزرگ‌ترین متفکر اروپایی عصر ما. در دنیای مغر و ضی که من ترسیم کرده‌ام، تا اندازه زیادی همان است که بود، اما گه‌گاه در جریان رنج یهودیان قرار می‌گرفت، تا اینکه سرانجام توجه یافت که اوضاع از چه قرار است، تا اینکه احساس تأسف و احساس شرم او سرانجام بیدار شد. در آن جهان این اقبال را داشت که نتواند نازی باشد و بنابر این برای بزدلی یا ریاکاری فرصت کمی داشته باشد. در دنیای واقعی ما رویش را برگرداند و سرانجام به انکار جنون آمیز متوسل شد. همین انکار، سکوت نابخشودنی او را به بار آورد. اما نه آن انکار و آن سکوت چیز زیادی درباره کتاب‌هایی که او نوشت به ما می‌گوید، نه به عکس. به عبارت دیگر، در هر دو دنیا تنها حلقه پیوند میان سیاست هیدگر و کتاب‌هایش، خوار داشت مردم‌سالاری است. احساسی مشترک با، برای مثال، الیوت، چستر تن، تیت و کلودل ـ کسانی که همان‌گونه که او دن پیش‌بینی کرد، آنها را به لحاظ آثار خوششان مدت‌هاست بخشوده‌ایم. به همین سادگی می‌توانستیم نگرش هایدگر را در باره مردم‌سالاری ببخشیم، اگر کل ماجرا همین بود. اما در دنیای بدون سارا، دنیایی که بدبختانه هایدگر باید در آن زندگی می‌کرد، کل ماجرا این نبود.

زندگینامه

دکتر شمس شریعت، در سال ۱۳۰۵ در خانه‌ای مذهبی در یکی از روستاهای اطراف کاشمر به دنیا آمد. پدر و اجدادش روحانی بودند. تحصیلات خود را از روستای زادگاهش آغاز کرد و قرآن و کتاب صد کلمه در مکتب ده و مقدمات خواندن و نوشتن فارسی را در مکتب میرزا مهدی در تربقان فرا گرفت. از سال سوم ابتدایی تا سال ششم ابتدایی در مدرسه رفعت کاشمر درس خواند سالهای چهارم و پنجم دبیر ستان را در مشهد خواند و با قبول شدن در کنکور پزشکی دانشگاه تهران در ۱۳۲۶ به تهران آمد و در اردیبهشت ۱۳۳۳ فارغ‌التحصیل شد. برای تحصیل در مرکز سرطان شناسی لئون به فرانسه رفت و پس از پشت سر نهادن آموزش‌های تخصصی لازم با کوله‌باری از تجربه در سال ۱۹۶۱ به ایران بازگشت.

دکتر شمس شریعت جوان بعد از اتمام زبیدتی در امتحانات رئیس در مانگاهی که در واقع آزمونی برای ورود به هیات علمی دانشگاه و استادیار شدن بود، شرکت کرد و قبول شد(۱۳۳۹). بعد از حدود ۵ سال دانشیار و در سال ۱۳۴۹ هم به مقام استادی نائل آمد و پس از پشت سر گذاشتن مشاغل و سمتهای متعددی از نوع رئیس در مانگاه قسمت پاتولوژی کرسی سرطان و سرپرست بخش آسیب‌شناسی و واحد میکروسکوپ الکترونی انستیتو پاستور در سال ۷۵ باز نشسته شد اما به دلیل توانمندپه‌ایش دعوت به کار شد و در مقام رئیس موزه پزشکی ایران در هفتمین همایش چهره‌های ماندگار در آبان ماه ۱۳۸۷ بعنوان چهره برگزیده در رشته پزشکی انتخاب گردید.

کنیم. همه عرفای بزرگ ما به وحدانیت توجه داشته‌اند و همه جا همه چیز را به وحدانیت برگردانده‌اند. اما در مورد فردوسی معتقدم که مولانا جبر و اختیار را بدایان تمثیل و به گونه‌ای بیان می‌کند که فلسفی است ولی فردوسی همین موضوع را با داستان رستم و سهراب بیان می‌کند که خیلی قوی‌تر است.

*** در باب زندگی ایرانی، که زندگی ماست، بزرگ‌ترین تغییر را چه می‌دانید؟ در صد سال اخیر چه تحولی در زندگی ما ایرانی‌ها به وجود آمده است؟ چه چیز زندگی ایرانی را متفاوت کرده‌است؟**

دو امر کاملاً متضاد در این یک قرن زندگی ایرانی را متحول کرده‌است: ورود صحیح و درست و لازم علوم تجربی که بالضروره و لازم بوده و می‌باید می‌آمد و وارد هم می‌شد و باید قدر دان همه کسانی بود که این علوم و فنون را از غرب به شرق آورده‌اند. عامل دوم، تقلید غلط از غرب و رسیدن به بی‌بند و باری بوده است و این کار هیچ دردی را دوا نکرده، بلکه انسان ایرانی را به دلفک تبدیل کرده است. اجازه بدهید از یک مثال کمک بگیرم: من فارغ التحصیل دانشگاه تهران و تخصص دیده این دانشگاهم و در بیشتر آموزش‌م که پاتولوژی و آسیب شناسی است، شاگرد استاد دکتر شمساً بوده‌ام.

فاطره

احمد یآوری

من، دختر ناصرالدین‌شاه/ ۲۲ مجلس عقد



تاج السلطنه

داماد احاطه شده بود از غلام بچه‌های متعدد، که تمام پسران صاحب‌منصب و در جات عالیه بودند. پدر داماد خیلی نجیب و ریاست قراول خاصه شاه با او بود، و بی‌اندازه طرف اعتماد اعلیحضرت سلطان. تمام ارک و مصاحبت و نگاهداری حرم‌خانه

اندرون و بیرون به عهده او بود. خیلی صدیق و درستکار، امین و باوفا. مادرش هم زن متشخصه نجیبه محترمه‌ای بود؛ خیلی عاقل [و] عالم. تا مادر این طفل در حیات بود، به انواع اقسام بزرگی‌ها و نعمت‌ها پرورش داده شده، خوب محافظت می‌شد. با وجود این قدر عزیزی و یگانگی، در تربیش قصور و کوتاهی نمی‌شد. لیکن، پس از مادرش، برای اینکه دلنگ نشده و از فوت مادرش متأثر نشود، یک دستگاه عمارت عالی به این طفل داده؛ دده، لله، نوکر، کلفت او را علیحده می‌نمایند. و تقریباً از سن نه سالگی او را مطلق‌العنان می‌گذارند.

این طفل هم کپی بود از دده‌جان من. لیکن، فرقی که ما بین این دو دده‌جان بود که: دده من خیلی زود مرحومه شد و چندان اخلاق [و] عاداتش به من اثر نکرد. دده‌جان او زنده و سال‌ها اسباب زحمت و انزجار من بیچاره بود؛ و به کلی تمام عادات جنگلی خود را به این طفل بیچاره آموخته، او را الجوج، وحشی، خونریز بزرگ کرده بود. و هر چه را که می‌توان بد گفت، به او آموخته و یک یادگار ابدی از خود باقی گذاشت. این بود شوهر آتیه من.

من پس از عقد به مکتب خانه هم نرفتم و اشتغال من تمام آه کشیدن و خواندن اشعار حافظ و سعدی بود. ترک بازی‌های بچه‌گانه را هم به یک اندازه‌ای کرده، کتاب‌های قشنگ و رمان‌های شیرین مطالعه می‌نمودم. خیلی مغزم وسعت داشت و فکرهای عالی می‌نمودم. مثلاً: همیشه با یک نظر دقت و حسرتی به اسارت طفولیت خود نگریسته، می‌گفتم: انسان که خلق شده است برای آزادی و برای زندگانی، چرا باید اسیر و به میل دیگران زندگانی نموده، محکوم به حکم دیگری باشد؟ در حالی که در نوع انسان امتیازی نیست؛ همه یکسانند؛ همه می‌توانند در تحت یک حریت و آزادی طبیعی زندگانی نمایند.

مثلاً: در مواقعی که هوا سرد و بارانی بود، این خدمتکارها را می‌دیدم که با لباس‌های بسیار خفیف مشغول رنج و زحمت و خدمت هستند؛ و در مقابل، از خانم‌های خود همیشه بد شنیده، بی‌جهت مورد سرزنش و [اق] می‌شدند. غرق غصه و پریشانی گشته، بی‌اندازه ملول می‌شدم و می‌گفتم: این‌ها چه فرقی با این خانم‌ها دارند، جز اینکه آن‌ها لباس‌های اطلس دیبا پوشیده، و خداوند در نعمات دنیایی با آن‌ها همراهی نموده؟ پس، چرا باید این‌ها محکوم، آن‌ها حاکم باشند. در صورت حکومت، چرا نباید رعایت نوع نکرده، در باره آن‌ها خیرخواه نباشند؟ اگر به واسطه احتیاج به این بیچاره‌ها به نظر تحقیر می‌نگرند؛ همین طوری که این‌ها محتاج لباس و غذا و خانه هستند، آن‌ها هم محتاج به خدمت و همراهی و معاونت این‌ها هستند. انسان در عالم، لازم [و] ملزوم یکدیگر است؛ یکی از حیث پول، دیگری از حیث زحمت. پس، چه امتیازی؟ چه افتخاری؟ تمام این سختی‌ها، تمام این درشتی‌ها برای چیست؟ نمی‌فهم!

مثلاً: چرا فلان کاسه را شکستی، یا فلان مقدار آب زیاد خرج کردی؟ در حالی که، هر کس نسبت به زیر دستان خود وظیفه‌ای دارد؛ چه ادنی، چه اعلیٰ، چه یک سلطانی، چه یک وزیری، چه یک خانمی، مقصود: هر کسی که بزرگ یک مملکتی یا شهری یا خانه‌ای شد، وظیفه مخصوصی دارد، و حتی القوه باید بی ... و دارای اخلاق باشد، عزم و اراده. قوه بسیار مهم گرانمایی است حمیت و شرافت. این دو چیز به جهت نتیجه بخشیدن و فایده دادن است. این دو صفت چه چیز را منتج می‌شوند؟ نیکی و نیکوکاری و ادای وظیفه را. آیا کلمه‌ای نجیب‌تر و بهتر از این دو کلمه یافت می‌شود؟

فرهنگی

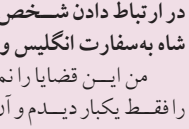
چهارشنبه ۴ آبان ۱۳۹۰ - شماره ۲۵۱۶۲

نام آوران

۳۱ به روایت: مرادی کرمانی

مرحوم احمدعلی سپهر
وارد آنجا که شدم، تازه فهمیدم که به خانه یک دولتمرد آمدم.

چون آن خانه، بسیار بزرگ، اعیانی و شیک بود. آن روز، من سرباه داخل هدایت کردند،جایی آوردندو گفتند: منتظر باشید تا آقا شریف بیایزند.فکر می‌کنم مورخ الدوله سپهر بود.



آقا قاضی

«اتفاقاً مورخ الدوله سپهر، که اسم اصلی‌اش «احمدعلی سپهر» است، یکی از دولتمردان ایران در دوره پهلوی است. او در دوره رضاشاه وزیر بود و به نوشته‌حسین فردوست، نقش مهمی در ارتباط دادن شخص شاه و دربار محمدرضا شاه به‌سفارت انگلیس و روسیه ایفا کرد.

من این قضایا را نمی‌دانم، چون آن شخص را فقط یکبار دیدم و آن هم، همان روزبزرگ‌جالب است بدانید که من دراستان را، اولین بار است نقل می‌کنم و هیچ‌جا آن‌را نگفتم.ام معلوم می‌شود که شما مورخ الدوله را بهتر از من می‌شناسید! خوب، استادم را معرفی کرده بود و با بroom و با او دیدار کنم و خاطراتش را بهم بنویسم.او آدم باسوادی بود و مثل اینکه در زمینه تاریخ هم کتاب‌هایی نوشته است.

اواخر عمر او بود. پیرمرد گیسر من افتاده بود. شاید هم، من گیر او افتاده بودم. در هر صورت، من در اتاق پذیرایی آن خانه مجلل نشستم. برایم چای آوردند. میوه آوردند و منتظر ماندیم تا آقا بیایند. آمدن ایشان خیلی طول کشید. فکر می‌کنم قرار بود ۹ صبح آنجا باشیم ولی تا ساعت ۱۰ آقا نیامد! پس از این مقدار تأخیر، بالاخره پیرمرد آمد و با من دست داد. وقتی نشاندند که می‌خواهند بنشینند، پرسیدند: شما چند سال دارید؟ گفتم: ۲۷ سال. نگاهی دویاره به‌من افکند و پرسید: تو نویسنده‌ای؟ گفتف: بله.

سر صحبت را کم کم باز کرد و از من پرسید: نویسنده‌های که دوست‌شان داری و کارهایشان را می‌خوانی، چه کسانی هستند؟ یا بدمقدمه گفتف: چوپک و ابراهیم گلستان را می‌پسندم. تا شنید، کمی تعجب کرد یا بعد پرسید: از شما چه کسی را دوست داری؟ گفتف: شاملو و نیما را دوست دارم. اینجا بود که دیدم آقای سپهر یک‌جور گریز می‌کرد.

آخر کج‌کج نگاه می‌کرد. بعد هم خیلی جدی گفت: بدخ آنها کتک می‌هندند که آدم‌آنها را دوست داشته باشند! آقای سپهر در ادامه پرسید: محمد حجازی چطور؟ و کتاب‌های او را هم خوانده‌ای؟ گفتف: بله، خوانده‌ام. ولی کارهایش را زیاد دوست ندارم. چون خیلی رمانتیک‌است و داستان‌هایش بی‌من‌مقاله و داستان سرسرگردان است! بعد، با حالتی برافروخته پرسید: تو ازشر آقای حجازی خوشش نمی‌آید؟ گفتف: نه زیاد.

او رو کرد به من گفتف: می‌گفتند تو تا حدودی شبیه حجازی می‌نویسی! گفتف: شایداشباه کرده‌اند، چون من اصلا دوست ندارم که شبیه حجازی بنویسم. او خیلی رمانتیک است!

در اینجا، مورخ‌الدوله سپهر مقداری به فکر فرو رفت. احساس کردم عصبانی شده‌است. چندی لحظه بعد، در آن پرسید: دیگر کدام نویسنده‌ها را دوست داری؟ گفتف: صادق هدایت را هم دوست دارم. او خیلی رمانتیک است! اوای. بعد که این حرف را زد، از جایش برخاست، عیضاً برآورداشت و در حالی که داشت می‌رفت، گفتف: شما تشریف ببری.د. من به وسیله‌استادان، به شما اطلاع خواهم داد. من از آنجا خارج شدم. ولی دیگر خبری از آقای مورخ‌الدوله نشد!

حالا چالب است بدانید که من وقتی به منزل سپهر می‌رفتم، با خودم قلم و کاغذ هم‌برده بودم. فکر می‌کردم او چیزهایی خواهد گفت و من باید بنویسم! شما که غریبه نیستید، به‌وش هم خیلی فکر کرده بودم و برایش توی ذهنم نقشه می‌کشیدم.

بخوردم در با او، در همین حد بود. در ضمن، از جمله نویسنده‌هایی که او بهم پرسید، علی‌دشتی بود که گفتف: خوانده‌ام. ولی من بیشتر داستان‌های هدایت و چوپک را می‌خوانم. او از این حرف‌های من خوشش نیامد و سرسلیقه‌ام را نتوانید. بعدهایی استخدام گفته بود که: من نمی‌توانم با کسانی که چنین الگوری دارند!و «شعر نو» حرف می‌زنند، هم‌صحبت بشوم.

بر گرفته از: هوشنگ دوم

فرهنگی

اشاره : آنچه دراین شماره می‌خوانید روایت دقیق و منسجم مرحوم مستوفی از نظام مالی و مالیاتی عصر قاجار بخصوص ناصری است ، بر گرفته از کتاب ارزشمند «شرح زندگانی من» :

۲. خلوت شاه

سرمآمد و مرکز تمام بیوتات و کارخانه آدم‌سازی برای دستگاه دولت و محل امتحان و اختیار ش‌شاه از درجه صحت عمل و لیاقت رجال آینده مملکت، خلوت شاه بود که گذشته از رؤسا و کارکنان بیوتات پیشخدمت‌ها و فراش خلوت‌ها

هم جزء آن بودند. پیشخدمتی، در درجه دوم از مشاغل نسبتاً محترم به شمار می‌آمد. زیرا این کار، نردبان ریاستهای بزرگ و حکومت‌های ایالات و ولایات و حتی صدارت هم می‌شد. این آلاوامز طرز استبداد است که شاه وزرا و رؤسا و حکام را تا می‌تواند از ح‌ول و ح‌وش و عم‌له خلوت خوشی که به حال آنها بیشتر شناسایی دارد، انتخاب می‌نماید و اکثر آنها را بر برادرها و اعمام خود هم مقدم می‌دارد.

در این وقت هنوز لقب شغلی وزیر دربار که در حقیقت شغش را ریاست کل بیوتات سلطنتی است، خیلی معمول نشده و وزیر حضور هم که از مشاغل و القاب اختراعی ناصرالدین شاه بود و تا حدی با معنی وزیر دربار امروز مطابقت داشت، جز ریاست عم‌له خلوت چیزی نبوده و سایر بیوتات سلطنتی مستقلاً تحت امر شاه بودند.

قبل از سلطنت ناصرالدین شاه، پیشخدمتی و فراش خلوتی، مثل تمام کارها شغش و برای حاجت بود. بنابراین زیادتر از اندازه لزوم پیشخدمت و فراش خلوت در ح‌ول و ح‌وش شاه وجود نداشت. محمدشاه ناخ‌وش و اختیار کارها با صدر اعظم و طبعاً بین عم‌له خلوت و سایر نوکرهای دولت فرقی نبود، ولی در زمان ناصرالدین شاه بخصوص بعد از امیرنظام و میرزا آق‌ا‌خان که شاه دیگر صدراعظمی نداشت مقدار تأخیر، بالاخره پیرمرد آمد و با من دست داد. وقتی نشاندند که می‌خواهند بنشینند، پرسیدند: شما چند سال دارید؟ گفتف: ۲۷ سال. نگاهی دویاره به‌من افکند و پرسید: تو نویسنده‌ای؟ گفتف: بله.

سر صحبت را کم کم باز کرد و از من پرسید: نویسنده‌های که دوست‌شان داری و کارهایشان را می‌خوانی، چه کسانی هستند؟ یا بدمقدمه گفتف: چوپک و ابراهیم گلستان را می‌پسندم. تا شنید، کمی تعجب کرد یا بعد پرسید: از شما چه کسی را دوست داری؟ گفتف: شاملو و نیما را دوست دارم. اینجا بود که دیدم آقای سپهر یک‌جور گریز می‌کرد.

آخر کج‌کج نگاه می‌کرد. بعد هم خیلی جدی گفت: بدخ آنها کتک می‌هندند که آدم‌آنها را دوست داشته باشند! آقای سپهر در ادامه پرسید: محمد حجازی چطور؟ و کتاب‌های او را هم خوانده‌ای؟ گفتف: بله، خوانده‌ام. ولی کارهایش را زیاد دوست ندارم. چون خیلی رمانتیک‌است و داستان‌هایش بی‌من‌مقاله و داستان سرسرگردان است! بعد، با حالتی برافروخته پرسید: تو ازشر آقای حجازی خوشش نمی‌آید؟ گفتف: نه زیاد.

او رو کرد به من گفتف: می‌گفتند تو تا حدودی شبیه حجازی می‌نویسی! گفتف: شایداشباه کرده‌اند، چون من اصلا دوست ندارم که شبیه حجازی بنویسم. او خیلی رمانتیک است!

در اینجا، مورخ‌الدوله سپهر مقداری به فکر

فرو رفت. احساس کردم عصبانی شده‌است. چندی لحظه بعد، در آن پرسید: دیگر کدام نویسنده‌ها را دوست داری؟ گفتف: صادق هدایت را هم دوست دارم. او خیلی رمانتیک است! اوای. بعد که این حرف را زد، از جایش برخاست، عیضاً برآورداشت و در حالی که داشت می‌رفت، گفتف: شما تشریف ببری.د. من به وسیله‌استادان، به شما اطلاع خواهم داد. من از آنجا خارج شدم. ولی دیگر خبری از آقای مورخ‌الدوله نشد!

حالا چالب است بدانید که من وقتی به منزل سپهر می‌رفتم، با خودم قلم و کاغذ هم‌برده بودم. فکر می‌کردم او چیزهایی خواهد گفت و من باید بنویسم! شما که غریبه نیستید، به‌وش هم خیلی فکر کرده بودم و برایش توی ذهنم نقشه می‌کشیدم.

بخوردم در با او، در همین حد بود. در ضمن، از جمله نویسنده‌هایی که او بهم پرسید، علی‌دشتی بود که گفتف: خوانده‌ام. ولی من بیشتر داستان‌های هدایت و چوپک را می‌خوانم. او از این حرف‌های من خوشش نیامد و سرسلیقه‌ام را نتوانید. بعدهایی استخدام گفته بود که: من نمی‌توانم با کسانی که چنین الگوری دارند!و «شعر نو» حرف می‌زنند، هم‌صحبت بشوم.

سازمان‌های عراقی که مأمور کارهای امنیتی هستند، شعب مختلفی دارند و وظایف



کار آن جنبه دولتی داشت و مشنری آن زیاد بود، خزانه‌داری یا به اصطلاح زمان،وزارت خزانه بود. در این زمان این شغل با خزانه‌خانه توأم بود و به خانواده معیرالممالک‌تعلق داشت. حسینعلی‌خان که بالاخره به نظام‌الدوله هم ملقب شد و دوست علی‌خان‌ها و دوست محمدخان‌ها همه خزانه‌دار و رئیس ضرابخانه، و به لقب معیرالممالکی هم ملقب بودند. دوست محمدخان، خزانه‌دار آخری،داماد ناصرالدین شاه هم شد، ولی بعد از پدرش چون خیلی آقا‌زاده بار آمده و به دامادی شاه هم معزور بود، زیر بار رجال درباری نرفت و آنها بخصوص آقا محمد ابراهیم امین‌السلطان خود را رقیب او کردند و در بعضی از بیوتات که ریاست او بعد از دوست علی‌خان با دوست محمدخان شده بود، رخنه کرد. دوست‌محمدخان که مکتب بی‌حسابی از میراث پدر داشت، به واسطه همین مداخله‌ها، در کار سستی می‌کرد

و رقیب‌های او بخصوص امین‌السلطان، بسیار با پیشکنار بودند و همین برای اعتنایی او در حضور شاه به علم کلیات جل‌وه کرد و بالاخره در زمان میرزا علی اصغر خان امین‌السلطان دوم، راه مسافرت فرنگ پیش گرفت و میدان را برای رقیب خالی گذاشت و معبر بی‌مالک شد. پسر او دوست‌علی‌خان که فقط لقب را از پدرش میرزا آق‌ا‌خان که شاه دیگر صدراعظمی نداشت و اشخاص ح‌ول و ح‌وش خود را اعم از رجال درباری و عم‌له خلوت با کارهای می‌گماشت، طبعاً توجه عیان‌زاده‌های کشور به پیشخدمتی و فراش خلوتی که نردبان ترقی شده بود، زیاد شد. این دو شغل از حال سابق بیرون آمد و جنبه عنوان پیدا کرد؛ به درجه‌ای که شاهزاده‌ها هم به این کار رغبت زیادی نشان می‌دادند. نتیجه این شد که عده آنها از حد لزوم تجاوز کرد، ناظم خلوتی برای پیشخدمت‌ها و ده‌باشی برای فراش خلوت‌ان لازم گردید که در کار حضور و غیبت آنها نظارت نماید. زیرا اکثر، پیشخدمت‌ها پشت در اتاق شاه دیدم آقای سپهر یک‌جور گریز می‌کرد.

آخر کج‌کج نگاه می‌کرد. بعد هم خیلی جدی گفت: بدخ آنها کتک می‌هندند که آدم‌آنها را دوست داشته باشند! آقای سپهر در ادامه پرسید: محمد حجازی چطور؟ و کتاب‌های او را هم خوانده‌ای؟ گفتف: بله، خوانده‌ام. ولی کارهایش را زیاد دوست ندارم. چون خیلی رمانتیک‌است و داستان‌هایش بی‌من‌مقاله و داستان سرسرگردان است! بعد، با حالتی برافروخته پرسید: تو ازشر آقای حجازی خوشش نمی‌آید؟ گفتف: نه زیاد.

او رو کرد به من گفتف: می‌گفتند تو تا حدودی شبیه حجازی می‌نویسی! گفتف: شایداشباه کرده‌اند، چون من اصلا دوست ندارم که شبیه حجازی بنویسم. او خیلی رمانتیک است!

در اینجا، مورخ‌الدوله سپهر مقداری به فکر

فرو رفت. احساس کردم عصبانی شده‌است. چندی

لحظه بعد، در آن پرسید: دیگر کدام نویسنده‌ها را دوست داری؟ گفتف: صادق هدایت را هم دوست دارم. او خیلی رمانتیک است! اوای. بعد که این حرف را زد، از جایش برخاست، عیضاً برآورداشت و در حالی که داشت می‌رفت، گفتف: شما تشریف ببری.د. من به وسیله‌استادان، به شما اطلاع خواهم داد. من از آنجا خارج شدم. ولی دیگر خبری از آقای مورخ‌الدوله نشد!

حالا چالب است بدانید که من وقتی به منزل سپهر می‌رفتم، با خودم قلم و کاغذ هم‌برده بودم. فکر می‌کردم او چیزهایی خواهد گفت و من باید بنویسم! شما که غریبه نیستید، به‌وش هم خیلی فکر کرده بودم و برایش توی ذهنم نقشه می‌کشیدم.

بخوردم در با او، در همین حد بود. در ضمن، از جمله نویسنده‌هایی که او بهم پرسید، علی‌دشتی بود که گفتف: خوانده‌ام. ولی من بیشتر داستان‌های هدایت و چوپک را می‌خوانم. او از این حرف‌های من خوشش نیامد و سرسلیقه‌ام را نتوانید. بعدهایی استخدام گفته بود که: من نمی‌توانم با کسانی که چنین الگوری دارند!و «شعر نو» حرف می‌زنند، هم‌صحبت بشوم.

سازمان‌های عراقی که مأمور کارهای امنیتی هستند، شعب مختلفی دارند و وظایف

فرهنگی

اشاره : آنچه دراین شماره می‌خوانید روایت دقیق و منسجم مرحوم مستوفی از نظام مالی و مالیاتی عصر قاجار بخصوص ناصری است ، بر گرفته از کتاب ارزشمند «شرح زندگانی من» :

۲. خلوت شاه

سرمآمد و مرکز تمام بیوتات و کارخانه آدم‌سازی برای دستگاه دولت و محل امتحان و اختیار ش‌شاه از درجه صحت عمل و لیاقت رجال آینده مملکت، خلوت شاه بود که گذشته از رؤسا و کارکنان بیوتات پیشخدمت‌ها و فراش خلوت‌ها

هم جزء آن بودند. پیشخدمتی، در درجه دوم از مشاغل نسبتاً محترم به شمار می‌آمد. زیرا این کار، نردبان ریاستهای بزرگ و حکومت‌های ایالات و ولایات و حتی صدارت هم می‌شد. این آلاوامز طرز استبداد است که شاه وزرا و رؤسا و حکام را تا می‌تواند از ح‌ول و ح‌وش و عم‌له خلوت خوشی که به حال آنها بیشتر شناسایی دارد، انتخاب می‌نماید و اکثر آنها را بر برادرها و اعمام خود هم مقدم می‌دارد.

در این وقت هنوز لقب شغلی وزیر دربار که در حقیقت شغش را ریاست کل بیوتات سلطنتی است، خیلی معمول نشده و وزیر حضور هم که از مشاغل و القاب اختراعی ناصرالدین شاه بود و تا حدی با معنی وزیر دربار امروز مطابقت داشت، جز ریاست عم‌له خلوت چیزی نبوده و سایر بیوتات سلطنتی مستقلاً تحت امر شاه بودند.

قبل از سلطنت ناصرالدین شاه، پیشخدمتی و فراش خلوتی، مثل تمام کارها شغش و برای حاجت بود. بنابراین زیادتر از اندازه لزوم پیشکنار بودند و همین برای اعتنایی او در حضور شاه به علم کلیات جل‌وه کرد و بالاخره در زمان میرزا علی اصغر خان امین‌السلطان دوم، راه مسافرت فرنگ پیش گرفت و میدان را برای رقیب خالی گذاشت و معبر بی‌مالک شد. پسر او دوست‌علی‌خان که فقط لقب را از پدرش میرزا آق‌ا‌خان که شاه دیگر صدراعظمی نداشت و اشخاص ح‌ول و ح‌وش خود را اعم از رجال درباری و عم‌له خلوت با کارهای می‌گماشت، طبعاً توجه عیان‌زاده‌های کشور به پیشخدمتی و فراش خلوتی که نردبان ترقی شده بود، زیاد شد. این دو شغل از حال سابق بیرون آمد و جنبه عنوان پیدا کرد؛ به درجه‌ای که شاهزاده‌ها هم به این کار رغبت زیادی نشان می‌دادند. نتیجه این شد که عده آنها از حد لزوم تجاوز کرد، ناظم خلوتی برای پیشخدمت‌ها و ده‌باشی برای فراش خلوت‌ان لازم گردید که در کار حضور و غیبت آنها نظارت نماید. زیرا اکثر، پیشخدمت‌ها پشت در اتاق شاه دیدم آقای سپهر یک‌جور گریز می‌کرد.

آخر کج‌کج نگاه می‌کرد. بعد هم خیلی جدی گفت: بدخ آنها کتک می‌هندند که آدم‌آنها را دوست داشته باشند! آقای سپهر در ادامه پرسید: محمد حجازی چطور؟ و کتاب‌های او را هم خوانده‌ای؟ گفتف: بله، خوانده‌ام. ولی کارهایش را زیاد دوست ندارم. چون خیلی رمانتیک‌است و داستان‌هایش بی‌من‌مقاله و داستان سرسرگردان است! بعد، با حالتی برافروخته پرسید: تو ازشر آقای حجازی خوشش نمی‌آید؟ گفتف: نه زیاد.

او رو کرد به من گفتف: می‌گفتند تو تا حدودی شبیه حجازی می‌نویسی! گفتف: شایداشباه کرده‌اند، چون من اصلا دوست ندارم که شبیه حجازی بنویسم. او خیلی رمانتیک است!

در اینجا، مورخ‌الدوله سپهر مقداری به فکر فرو رفت. احساس کردم عصبانی شده‌است. چندی لحظه بعد، در آن پرسید: دیگر کدام نویسنده‌ها را دوست داری؟ گفتف: صادق هدایت را هم دوست دارم. او خیلی رمانتیک است! اوای. بعد که این حرف را زد، از جایش برخاست، عیضاً برآورداشت و در حالی که داشت می‌رفت، گفتف: شما تشریف ببری.د. من به وسیله‌استادان، به شما اطلاع خواهم داد. من از آنجا خارج شدم. ولی دیگر خبری از آقای مورخ‌الدوله نشد!

حالا چالب است بدانید که من وقتی به منزل سپهر می‌رفتم، با خودم قلم و کاغذ هم‌برده بودم. فکر می‌کردم او چیزهایی خواهد گفت و من باید بنویسم! شما که غریبه نیستید، به‌وش هم خیلی فکر کرده بودم و برایش توی ذهنم نقشه می‌کشیدم.

بخوردم در با او، در همین حد بود. در ضمن، از جمله نویسنده‌هایی که او بهم پرسید، علی‌دشتی بود که گفتف: خوانده‌ام. ولی من بیشتر داستان‌های هدایت و چوپک را می‌خوانم. او از این حرف‌های من خوشش نیامد و سرسلیقه‌ام را نتوانید. بعدهایی استخدام گفته بود که: من نمی‌توانم با کسانی که چنین الگوری دارند!و «شعر نو» حرف می‌زنند، هم‌صحبت بشوم.

سازمان‌های عراقی که مأمور کارهای امنیتی هستند، شعب مختلفی دارند و وظایف این سازمان، بررسی و وظیفه این سازمان، بررسی حساب‌های بانکی در خارج از کشور، مدیریت

فرهنگی

زیر نظر: دکتر محمد کاظم حسینیان



دکتر محمد کاظم حسینیان

آینه

گزیده‌ای از خاطرات مرحوم عبدالله مستوفی(۱۳۲۹–۱۲۵۵ش)

... در خلوت شاه

پنج قطعه آن از یک رنگ جواهر و حدود کشورها و جهان‌هاست که امروز قسمتی از آن در تالار موزه وقتی در دوره مشروطه خوانسته‌اند جواهرهای سلطنتی را برای فروش تقویم کنند، جواهر آن بانک ملی مضبوط و محفوظ است. باید سعی کرد که در آتیه این باقیمانده، از دستبرد مصون و محفوظ بماند.

ناصرالدین شاه خیلی علاقه داشت که در زمان سلطنت او چیزی از این جواهر کسر نشود، به بیست و چهار من مروراید سابقاً شاره‌ای کرده‌ام،این جوال مروراید،مروریدهای سرپرده محمدشاه هندی بوده است که در موقع فتح هندوستان یک نادرشاه آمده است و چون بعدها پارتی‌چه جادوها پرسیده شده و از بین می‌رفته است، مرورایدها را از آن جدا و در جوالی ضبط کرده بود، رخنه کرد. دوست‌محمدخان که مکتب بی‌حسابی از ارتفاع یک ذرخ و به قطر سه چارک، ساخته و این مرورایدها را در آن ریخته و از آن طوری تعبیه شده بود که از بالا باز و بسته می‌شد و این جمعه آینه‌ها را روی میزی در یکی از شاهنشین‌های تالار موزه گذاشته بودند و آنها که این مرورایدها را دیده بودند،می‌گفتند که در درشتی فتنق تا درشتی نخودسپاه بوده و این مروراید، غیر از پنجاه و پنج من مروراید به قدر مائش و ریزتر، برده است که امروز شاید تحویل بانک ملی باشد.

ناصرالدین شاه گذشته از حفظ جواهرهای پیشکنار بود و همین برای اعتنایی او در حضور شاه به علم کلیات جل‌وه کرد و بالاخره در زمان میرزا علی اصغر خان امین‌السلطان دوم، راه مسافرت فرنگ پیش گرفت و میدان را برای رقیب خالی افتاد. شاه با اضطراب عجیبی خم شده آن را برداشت و با دقت تمام در آن نظر افکند. همین که از سلامت ماندن آن مطمئن شده،بد سجده افتاد، سر بلند کرد و چند نفری که حاضر بودیم گفت: «شکر من برای عملی مانی این جواهر نبود بلکه برای این بود که اگر این قطعه نفیس عیبی می‌کردد در تاریخ می‌نوشتند،نادرشاه این جواهر را از هندوستان آورد و ناصرالدین شاه آن را شکست یا معیوب کرد.»

ناصرالدین شاه سرم‌اش دست داشت، آنچه از خزانه شده و در این وقت نیز به همان حال باقی بود. یکی از این دو خزانه، که جواهر و طلا بود که در این دوره هم، مثل زمان آقامحمدخان، زیر ذریع مهر و مهر شاه و به خزانه اندرون معروف بود، شاید، چند شخص شاه، کسی را از اندوخته آن خبری نداشت و عاصه به پری این خزانه خیلی اعتماد داشتند. هر وقت که حرفی از سرم‌یابه‌ای دول اروپا به میان می‌آمدمی‌گفتند اگر سیاست شاه اقتضا کند که در خزانه اندرون را باز نماید،خیلی بیشتر از این سرم‌یابه‌ای می‌تواند پول طلا بیرون بریزد. اما خواص که با واقعا با عاصه هم عقیده بودند یا ورود در این محیط را تا تکلیف خود نمی‌دانستند، ساکت بودند و در هر حال تکذیبی از این گفته‌ها از هیچ‌کس شنیده نمی‌شد. به طوی که طلاي مسکوک و غیرمسکوک این خزانه را هیچ‌کس کمتر از صدکدر و تومان آن روز نمی‌دانست. فقط ناصرالدین شاه بود که از این خزانه‌باخبر بود، زیرا گاهی سسری به آن می‌زد و جواهرهای ساخته و نساخته از بعضی از صندوق‌های آن بیرون آورده و در پشت جعبه آینه‌های تالار موزه و گالری می‌گذاشت. این جواهر بعد از یکی دو سه فقره

نیاز ظاهر آجاترین نابرداری صدام حسین قرار دارد.
۳-اداره استخبارات یا اداره اطلاعات نظامی، که مرقاب امنیت نیروهای نظامی و جاسوسی داخلی و همچنین تیرهای نظامی خارجی و عزل و نصب و استگنان نظامی عراق در کشورهای خارجی است. این اداره با همکاری سازمان مخابرات، عهده‌دار عملیات ترورستی علیه مخالفان دولت در خارج از کشور می‌باشد و حزب بعث است و علاوه بر بررسی اطلاعات رسیده دربارهٔ اعضای حزب، به شعب و دفاتر وابسته به حزب در شهرستان‌ها نیز رسیدگی می‌نماید.

گذاشته از موارد مشروحه در بالا، باید از ادارهٔ کل پلیس نیز نام برد که هر یک به نوبه خود در کار فشار بر مردم عراق و تگت کردن عرصهٔ زندگی بر آنها نقش مؤثری بر عهده دارند.»

گازده مرزی، نیروی متحرک محاصره ادارهٔ کل امنیت و ادارهٔ کل پلیس نیز نام برد که هر یک به نوبه خود در کار فشار بر مردم عراق و تگت کردن عرصهٔ زندگی بر آنها نقش مؤثری بر عهده دارند.»

آنجبه که برای نگاهداری آن به خرج می‌دهند، ولایات و جوهات ابواب جمعی خود به مرور

فرهنگی

اشاره : آنچه دراین شماره می‌خوانید روایت دقیق و منسجم مرحوم مستوفی از نظام مالی و مالیاتی عصر قاجار بخصوص ناصری است ، بر گرفته از کتاب ارزشمند «شرح زندگانی من» :

گزیده‌ای از خاطرات مرحوم عبدالله مستوفی(۱۳۲۹–۱۲۵۵ش)

... در خلوت شاه

سرمآمد و مرکز تمام بیوتات و کارخانه آدم‌سازی برای دستگاه دولت و محل امتحان و اختیار ش‌شاه از درجه صحت عمل و لیاقت رجال آینده مملکت، خلوت شاه بود که گذشته از رؤسا و کارکنان بیوتات پیشخدمت‌ها و فراش خلوت‌ها

هم جزء آن بودند. پیشخدمتی، در درجه دوم از مشاغل نسبتاً محترم به شمار می‌آمد. زیرا این کار، نردبان ریاستهای بزرگ و حکومت‌های ایالات و ولایات و حتی صدارت هم می‌شد. این آلاوامز طرز استبداد است که شاه وزرا و رؤسا و حکام را تا می‌تواند از ح‌ول و ح‌وش و عم‌له خلوت خوشی که به حال آنها بیشتر شناسایی دارد، انتخاب می‌نماید و اکثر آنها را بر برادرها و اعمام خود هم مقدم می‌دارد.

در این وقت هنوز لقب شغلی وزیر دربار که در حقیقت شغش را ریاست کل بیوتات سلطنتی است، خیلی معمول نشده و وزیر حضور هم که از مشاغل و القاب اختراعی ناصرالدین شاه بود و تا حدی با معنی وزیر دربار امروز مطابقت داشت، جز ریاست عم‌له خلوت چیزی نبوده و سایر بیوتات سلطنتی مستقلاً تحت امر شاه بودند.

قبل از سلطنت ناصرالدین شاه، پیشخدمتی و فراش خلوتی، مثل تمام کارها شغش و برای حاجت بود. بنابراین زیادتر از اندازه لزوم پیشکنار بودند و همین برای اعتنایی او در حضور شاه به علم کلیات جل‌وه کرد و بالاخره در زمان میرزا علی اصغر خان امین‌السلطان دوم، راه مسافرت فرنگ پیش گرفت و میدان را برای رقیب خالی افتاد. شاه با اضطراب عجیبی خم شده آن را برداشت و با دقت تمام در آن نظر افکند. همین که از سلامت ماندن آن مطمئن شده،بد سجده افتاد، سر بلند کرد و چند نفری که حاضر بودیم گفت: «شکر من برای عملی مانی این جواهر نبود بلکه برای این بود که اگر این قطعه نفیس عیبی می‌کردد در تاریخ می‌نوشتند،نادرشاه این جواهر را از هندوستان آورد و ناصرالدین شاه آن را شکست یا معیوب کرد.»

ناصرالدین شاه سرم‌اش دست داشت، آنچه از خزانه شده و در این وقت نیز به همان حال باقی بود. یکی از این دو خزانه، که جواهر و طلا بود که در این دوره هم، مثل زمان آقامحمدخان، زیر ذریع مهر و مهر شاه و به خزانه اندرون معروف بود، شاید، چند شخص شاه، کسی را از اندوخته آن خبری نداشت و عاصه به پری این خزانه خیلی اعتماد داشتند. هر وقت که حرفی از سرم‌یابه‌ای دول اروپا به میان می‌آمدمی‌گفتند اگر سیاست شاه اقتضا کند که در خزانه اندرون را باز نماید،خیلی بیشتر از این سرم‌یابه‌ای می‌تواند پول طلا بیرون بریزد. اما خواص که با واقعا با عاصه هم عقیده بودند یا ورود در این محیط را تا تکلیف خود نمی‌دانستند، ساکت بودند و در هر حال تکذیبی از این گفته‌ها از هیچ‌کس شنیده نمی‌شد. به طوی که طلاي مسکوک و غیرمسکوک این خزانه را هیچ‌کس کمتر از صدکدر و تومان آن روز نمی‌دانست. فقط ناصرالدین شاه بود که از این خزانه‌باخبر بود، زیرا گاهی سسری به آن می‌زد و جواهرهای ساخته و نساخته از بعضی از صندوق‌های آن بیرون آورده و در پشت جعبه آینه‌های تالار موزه و گالری می‌گذاشت. این جواهر بعد از یکی دو سه فقره

نیاز ظاهر آجاترین نابرداری صدام حسین قرار دارد.
۳-اداره استخبارات یا اداره اطلاعات نظامی، که مرقاب امنیت نیروهای نظامی و جاسوسی داخلی و همچنین تیرهای نظامی خارجی و عزل و نصب و استگنان نظامی عراق در کشورهای خارجی است. این اداره با همکاری سازمان مخابرات، عهده‌دار عملیات ترورستی علیه مخالفان دولت در خارج از کشور می‌باشد و حزب بعث است و علاوه بر بررسی اطلاعات رسیده دربارهٔ اعضای حزب، به شعب و دفاتر وابسته به حزب در شهرستان‌ها نیز رسیدگی می‌نماید.

گذاشته از موارد مشروحه در بالا، باید از ادارهٔ کل پلیس نیز نام برد که هر یک به نوبه خود در کار فشار بر مردم عراق و تگت کردن عرصهٔ زندگی بر آنها نقش مؤثری بر عهده دارند.»

گازده مرزی، نیروی متحرک محاصره ادارهٔ کل امنیت و ادارهٔ کل پلیس نیز نام برد که هر یک به نوبه خود در کار فشار بر مردم عراق و تگت کردن عرصهٔ زندگی بر آنها نقش مؤثری بر عهده دارند.»

آنجبه که برای نگاهداری آن به خرج می‌دهند، ولایات و جوهات ابواب جمعی خود به مرور

خرج قدیم ضبط شده و چون مال بیست سی سال قبل بوده و دیگر طرف رجوع نود، گرد و خاک فراوانی گرفته بود.روزی کنجکاری چنگانه مرا داشت یکی از جعبه‌های چوبی موجود در آن بالاخانه را وارسی کنم. در این جعبه چوبی سرباز، لای کاغذها، کتابچه‌های کوچک چرمی و بسیار زیبایی که دوره جلد آن زه ربنجی و قفل و بست ظریف داشت یافتم که در آن با جواهر آبی خطوطی کشیده، زیر ارقام آن چیزهایی نوشته بودند. یکی از آنها را تملک کردم، بزرگتر هادیدند.

به من امر شد بزم سرجایش بگذارم، و من چون چاره‌ای نداشتم با اینکه خیلی دلم می‌خواست این کتابخانه را داشته باشم اطاعت کردم.

حالا که فکر می‌کنم این یکی از کتابچه‌های یادداشت ناصرالدین شاه راجع به دریافت وجه و رخت‌دارخانه هم باید هر چه شاه لباس لازم بود تدارک نماید. برای اینص مصارف پول لازم بود. باز همان پول بدو را مستطخ و در مر حله عدم، سرِبات تحویل صادر می‌شد. البته پول این موقع طغیان رودخانه کرج آنها را باز کرد زیر نظر شخص امنیتی به آب دادند.

حساب خزانه هر سال به وسیله مستوفی و رسیدگی‌گر می‌شد و مثل حساب حکام ولایات و صاحب‌جمعان سایر وجوهات، به صحهٔ شاه می‌رسید و همان حساب صحه شده بود.

آنچه در طرز عمل و طریق وصول و ایصال وجه نوشته می‌شد، مثل حساب حکام ولایات و صاحب‌جمعان سایر وجوهات، به صحهٔ شاه می‌رسید و همان حساب صحه شده بود. آنچه در طرز عمل و طریق وصول و ایصال وجه نوشته می‌شد، مثل حساب حکام ولایات و صاحب‌جمعان سایر وجوهات، به صحهٔ شاه می‌رسید و همان حساب صحه شده بود. آنچه در طرز عمل و طریق وصول و ایصال وجه نوشته می‌شد، مثل حساب حکام ولایات و صاحب‌جمعان سایر وجوهات، به صحهٔ شاه می‌رسید و همان حساب صحه شده بود. آنچه در طرز عمل و طریق وصول و ایصال وجه نوشته می‌شد، مثل حساب حکام ولایات و صاحب‌جمعان سایر وجوهات، به صحهٔ شاه می‌رسید و همان حساب صحه شده بود.

آنچه در طرز عمل و طریق وصول و ایصال وجه نوشته می‌شد، مثل حساب حکام ولایات و صاحب‌جمعان سایر وجوهات، به صحهٔ شاه می‌رسید و همان حساب صحه شده بود. آنچه در طرز عمل و طریق وصول و ایصال وجه نوشته می‌شد، مثل حساب حکام ولایات و صاحب‌جمعان سایر وجوهات، به صحهٔ شاه می‌رسید و همان حساب صحه شده بود. آنچه در طرز عمل و طریق وصول و ایصال وجه نوشته می‌شد، مثل حساب حکام ولایات و صاحب‌جمعان سایر وجوهات، به صحهٔ شاه می‌رسید و همان حساب صحه شده بود. آنچه در طرز عمل و طریق وصول و ایصال وجه نوشته می‌شد، مثل حساب حکام ولایات و صاحب‌جمعان سایر وجوهات، به صحهٔ شاه می‌رسید و همان حساب صحه شده بود.

آنچه در طرز عمل و طریق وصول و ایصال وجه نوشته می‌شد، مثل حساب حکام ولایات و صاحب‌جمعان سایر وجوهات، به صحهٔ شاه می‌رسید و همان حساب صحه شده بود. آنچه در طرز عمل و طریق وصول و ایصال وجه نوشته می‌شد، مثل حساب حکام ولایات و صاحب‌جمعان سایر وجوهات، به صحهٔ شاه می‌رسید و همان حساب صحه شده بود. آنچه در طرز عمل و طریق وصول و ایصال وجه نوشته می‌شد، مثل حساب حکام ولایات و صاحب‌جمعان سایر وجوهات، به صحهٔ شاه می‌رسید و همان حساب صحه شده بود.

آنچه در طرز عمل و طریق وصول و ایصال وجه نوشته می‌شد، مثل حساب حکام ولایات و صاحب‌جمعان سایر وجوهات، به صحهٔ شاه می‌رسید و همان حساب صحه شده بود. آنچه در طرز عمل و طریق وصول و ایصال وجه نوشته می‌شد، مثل حساب حکام ولایات و صاحب‌جمعان سایر وجوهات، به صحهٔ شاه می‌رسید و همان حساب صحه شده بود. آنچه در طرز عمل و طریق وصول و ایصال وجه نوشته می‌شد، مثل حساب حکام ولایات و صاحب‌جمعان سایر وجوهات، به صحهٔ شاه می‌رسید و همان حساب صحه شده بود.

آنچه در طرز عمل و طریق وصول و ایصال وجه نوشته می‌شد، مثل حساب حکام ولایات و صاحب‌جمعان سایر وجوهات، به صحهٔ شاه می‌رسید و همان حساب صحه شده بود. آنچه در طرز عمل و طریق وصول و ایصال وجه نوشته می‌شد، مثل حساب حکام ولایات و صاحب‌جمعان سایر وجوهات، به صحهٔ شاه می‌رسید و همان حساب صحه شده بود. آنچه در طرز عمل و طریق وصول و ایصال وجه نوشته می‌شد، مثل حساب حکام ولایات و صاحب‌جمعان سایر وجوهات، به صحهٔ شاه می‌رسید و همان حساب صحه شده بود.

آنچه در طرز عمل و طریق وصول و ایصال وجه نوشته می‌شد، مثل حساب حکام ولایات و صاحب‌جمعان سایر وجوهات، به صحهٔ شاه می‌رسید و همان حساب صحه شده بود. آنچه در طرز عمل و طریق وصول و ایصال وجه نوشته می‌شد، مثل حساب حکام ولایات و صاحب‌جمعان سایر وج

نوشتن با خود کاریک؛ خاطرات علی اکبر رفوگران

سیلی پدر

همسایه گفت: «میل داری یک کاسبی خوب برای عمویت بکنی؟»
گفتم: «البته که میل دارم.»
گفت...هر چه من گفتم تکرار نما.»
گفتم: «چگونه؟»
گفت: «مثلاً اعلام می‌شود، فلان جنس فلان مقدار، هر کدام یک قیمتی می‌گویند، من هر قیمتی اعلام کردم تو همان قیمت را، یا کمی بالاتر بگو.»
گفتم: «نتیجه چه می‌شود؟»
گفت: «یک نفر برنده می‌شود و کالا را او می‌فروشد ولی به هر کدام از شرکت‌کنندگان مبلغی از منافع فروش خواهد پرداخت که سهم تو با من نصف می‌شود.»
این داستان را در خاطر داشته باش تا خاطره‌ای را برایت بگویم و به آن برگردم.

یاد سیلی پدر و نصیحتی که کرده بود افتادم که به جاست آن را برایت شرح دهم. یک روز تابستان که پدر و برادر رفته بودند نهار و من حجره را اداره می‌کردم، شخصی مراجعه کرد و گفت برای شیر و خورشید مقداری لوازم تحریر می‌خواهد. صورت خرید را داد و من دیدم که در حدود بیست‌هزار تومان جنس می‌خواهد که ما تقریباً نصف آن را موجودی داشتیم و بقیه را می‌باید از همکاران تهیه می‌کردیم. شاگردی داشتیم به نام اسماعیل که آدم جالبی بود و من بعد از این ماجرا یکی دو چشمه از کارهای او را برایت شرح خواهم داد به او
گفتم: «اسماعیل آقا، تو که می‌دانی فردایک بدهی ده هزار تومانی داریم؛ این مشتری را خدا فرستاده؛ کمک کن جنس‌هایی را که می‌خواهد برایش تهیه کنیم.»
اعتراض کرد که نهار نخورده.
گفتم: «من هم نخورده‌ام؛ بیا زودتر این مشتری را راه بیندازیم، بعد با هم می‌رویم چلو کبابی شمشیری و هر کدام دو پرس چلو کباب می‌خوریم و تو مهمان من خواهی بود.»
نام چلو کباب شمشیری شامه او را تحریک کرد و نتوانست پیشنهاد مرا رد کند. راستی که چلو کباب شمشیری که رستورانش در سبزه میدان در دهانه بازار قرار داشت در کیفیت و مزه بی‌نظیر بود. (من از صاحب این رستوران نیز خاطره‌ای دارم که بعد خواهم نگاشت)
بالاخره با دو ساعت صرف وقت آنچه موجود داشتیم و آنچه از همکاران به شکل نسبه تهیه کردم آماده تحویل شد و من صورتحساب را نوشتم که مبلغی نزدیک به بیست هزار تومان گردید (که در آن زمان رقم قابل ملاحظه‌ای بود).

پس از آنکه صورت آماده شد آن شخص گفت: «حالا یک صورت آنطور که من می‌خواهم بنویس.»
بدون آنکه بدانم چه دارم می‌کنم یک صورت دیگر مطابق خواسته او نوشتم که نزدیک به سی هزار تومان شد.
آنگاه کیفش را باز کرد و بیست هزار تومان اسکناس ده تومانی در آورد و تحویل داد. شروع کرده بودم پول‌ها را بشمارم که پدرم از راه رسید. در گوشش گفتم که الحمدالله پول سفته فردا فراهم شد. خیلی خوشحال گردید.

دستی به سرم کشید و

یک بارالله تحویل داد.

گفت: «ناهار خورده‌ای؟»

گفتم نه.
گفت: تو و اسماعیل زودتر جنس‌ها را تحویل دهید من پول‌ها را می‌شمارم.»
در این موقع چشمش به صورت حساب‌ها افتاد که با هم اختلاف داشتند. از من علت را پرسید گفتم صورتحساب واقعی این یکی است. پرسید غیرواقعی چه معنی دارد؟
گفتم این آقای یک صورت هم اینطوری خواسته، یک مرتبه با یک حرکت خشمگینانه به آنچنان سیلی محکمی به گوشم نواخت که سرم به چوب قفسه حجره خورد و بلافاصله به اندازه یک تخم مرغ ورم کرد. فریاد کشید: «پدر سوخته من کی در شکم کارد خورده‌شما‌ها‌ن حرام ریخته‌ام؟»
پول‌های طرف را تحویل داد و با صدای بلند گفت: «خوش آمدید.»
او هم پول‌ها را ریخت در کیفش و فرار را برقرار ترجیح داد. من که به عملی که انجام داده بودم واقف نبودم با سری متورم و چشم‌گریان و شکمی گرسنه قهر کردم و به خانه رفتم. و آن روز داغ چلو کباب شمشیری به جگر من و اسماعیل ماند.

مهم‌ترین تغییرات اساسی که قوانین مذکور در بالا در روش قضائی ایران ایجاد کرد عبارت است از:

۱- تقسیم محاکم به عمومی و اختصاصی.
۲- محدود کردن اختیارات محاکم شرعیه.
۳- ایجاد مراحل سه گانه رسیدگی قضائی (از حکم بدوی تا حکم نهائی) یعنی

محاکم قضایی

در زمان قاجاریه



در زمان قاجاریه

۱۰ یا «دفتر ۲۵» گفته می‌شود. مؤسسه‌ای وابسته به دولت است که رسماً تنظیم و ثبت اسناد معاملات و قراردادها اِغَم از عقود و ایقاعات در آن انجام می‌شود.

گرچه اطلاق و انصراف کلی این کلمه «دفتر اسناد رسمی» بیش‌تر به دفترخانه‌ای است که اسناد معاملات املاک منقول و غیرمنقول و معاملات و وصیت‌نامه و وکالت‌نامه و هر قرارداد رسمی دیگری که مفاد آن سند مخالفتی با قوانین موضوعه‌ی شرعی و عرفی نداشته باشد در آن ثبت و تسجیل می‌شود، چون اسناد ازدواج و طلاق‌ی که در دفترخانه‌هایی که صلاحیت متصدیان آنها فقط ثبت وقایع ازدواج و طلاق است نیز اسنادی رسمی به شماره می‌رود، به آن دفتر‌خانه‌ها نیز دفتر‌خانه یا دفتر اسناد رسمی گفته می‌شود، غالباً در محاورات و مکاتبات غیررسمی و گاه در مکاتبات رسمی، از دفتر اسناد رسمی (اسناد معاملات و ازدواج و طلاق) به «محضر» تعبیر می‌شود، و این از آن جهت است که از قدیم الایام تمام وظایفی را که اکنون دفاتر اسناد رسمی به عهده دارند، در جزو وظایف و صلاحیت‌های کلی «محاضر شرع» بوده است، زیر تا پیش از تأسیس «عدلیه جدید» که در اواخر دوران قاجار بود، رسیدگی به کلیهٔ دعاوی و مراجعات و تنظیم و تسجیل اسناد عقود و ایقاعات و معاهدات دراختیار فقها و علمای دینی بوده است و هریک از این فقها که یا از طرف پادشاه منصوب می‌شده یا به مناسب حسن شهرت بلامعارضی که در علم و تقوا و هوشمندی می‌داشته خود به خود مرجع قضایا و حل و فصل دعوی قرار می‌گرفته است، «صاحب محضر» خوانده می‌شد و محل و یا جلسات رسیدگی را که در حضور او تشکیل می‌شده «محضر» می‌نامیدند و حتی در دوران اولیه‌ی «دوران مشروطیت» نیز براین محاکم، «محضر» اطلاق شده است و همین لفظ در قانون مصوب ۲۷ اسد(مرداد) ۱۳۰۱، مربوط به رسیدگی به شکایات از احکام صادره‌ی

از «محاضر» شرع به کار رفته است.البته درطول بیش از چهارده قرن تاریخ اسلام و ایران، واژه‌ی محضر مجازاً به معانی دیگری چون: استشهاد و ورقه‌ی شهادت‌نامه‌ای که به تصدیق و امضای گروهی رسیده باشد و

یا به «قرار» و گاه به «احکام» و «تصدیق‌نامه» هایی که حکام شرع مُشعر بر ثبوت یا سلب حقی و یارذ و قبول امر مورد ادعایی صادر می‌کردند، استعمال می‌شده است، مثلاً فردوسی و خاقانی و بیهقی آن را به معنی استشهادنامه و گواهی‌نامه‌ی رسمی به کار برده‌اند:

یکی محضر اکنون ببايد نوشت
که جز تخم نیکی سپهبد نکشت
در آن محضر اژدها ناگزیر
گواهی نشتند برنا و پیر
بفرمود پس کاوه را پادشا
که باشد بدان محضر اندر گوا
خروشید و برجست لرزان زجای
بدزید و بسپرد محضر بیای:

از خط‌کردگار ملکر است محضری
المُقتفی خلیفتنا، مُهر محضرش
عیدار هلال‌حلقه به گوش آمدست از آنک
بر بندگی شاه نشتند محضرش
خاقانی
«... و چون این محتشم را حال و محل نزدیک امیر مسعود رضی‌الله عنه بزرگ‌تر از دیگر خدمت‌کاران بود در وی حسد کردند و «محضر»‌ها ساختند و در اعتقاد وی سخن گفتند ... و وی رفت و آن قوم که محضر ساختند رفتند و ما را نیز باید رفت که روز عمر به شبانگاه آمده است.»
فقها کلمه‌ی محضر را بیش‌تر در مورد «قرار» یا «شهادت‌نامه‌ای که قاضی و حاکم شرع صادر می‌کند به کار می‌برند، مثلاً «شیخ طوسی» در کتاب الخلاف می‌فرماید: «اذ احضر خصمان عندالقاضی فادعی احدهما علی الآخر مالا فافر له بذلک فسال المقر له القاضی ان یتکت له بذلک «محضر» و القاضی لایعرفهما، ذکر بعض اصحابنا...»

(چون دوطرف نزد قاضی آیند و یکی بردیگری مالی دعوی کند و آن دیگری نیز اقرار بر بدهی خود کند، و سپس آن که ذی‌نفع است از قاضی بخواهد که بر اقرار بدهکار «محضری» نویسد، اگر قاضی آن دو را نمی‌شناسد بعضی از فقهای شیعه گفته‌اند که...) (ج۳، ص۳۱۴)
اما در عرف امروزه ایران «محضر» منحصر‑راً به همان دفاتر اسناد رسمی که اسناد معاملات و عقود و ایقاعات راثبت می‌کنند اطلاق می‌شود.

در دوران مشروطیت و اجرای قانون اساسی و به رعایت تفکیک قوای سه‌گانه، دولت، عدلیه جدید را تشکیل دارد و در دنباله‌ی آن «قانون ثبت اسناد و املاک» را در ۱۳۰۲/۱/۲۱ به تصویب رسانید که مادهٔ اوّل آن چنین است:

«دوائر ثبت اسناد و املاک برای دو مقصود تشکیل می‌شود: اول، ثبت املاک تا این که مالکیت مالکین و حقوق ذوی‌الحقوق نسبت به آنها رسماً تعیین و محفوظ گردد، دوم، ثبت اسناد برای این که رسماً دارای اعتبار شود.»

به موجب این قانون و ماده‌ی ۴۶ قانون بعدی ثبت اسناد و املاک مصوّب ۱۳۱۰/۱۲/۲۶، ثبت اسناد مربوط به نقل و انتقالات عینی و منفعت و حقوق راجعه به املاکی که قبلاً در دفتر املاک ثبت شده است، و وقف آن املاک به عهده‌ی «مباشر ثبت اسناد» گذارده شد و صلاحیت و حدود وظایف مباشرین ثبت اسناد نیز به موجب مواد ۷، و ۸ آن قانون تعیین شد. پس از تصویب آن قانون که دیگر اسناد تنظیم و تسجیل شده از طرف محاضر شرع در مورد املاک ثبت شده رسّمت نداشت، محاضر مزبور تا اجرای قانون مصوب اسفند ماه ۱۳۱۰ اسناد راجع به املاک ثبت نشده و دیگر اسناد از قبیل (معاهدات/وصایا/وکالت/اقرارات) و علمای مذهبی عموماً اسناد ازدواج و طلاق را تنظیم و تسجیل می‌کردند.

تعلیق

تاریخ

نجم‌السلطنه و فرزندانش

بیرق سرخ



نجم‌السلطنه

محمدعلی کاتوزیان که دربارهٔ زندگی مصدق پژوهش کرده است می‌نویسد که: «این یک بیماری عصبی بود که احتمالاً منشأ ژنتیکی داشت و بارها طی زندگی دکتر مصدق بروز می‌کرد».
خوشبختانه در همان اوانی که پسر ارشد نجم‌السلطنه ایران را ترک گفت، فرمانفر ما به تهران بازگشت و به‌یاری خواهر شتافت ششاه و همسرش ملکه جهان در باغ‌شاه بودند. و هر روز رجال در آن جا تجمع می‌کردند. در اواخر شعبان ملکه جهان در باغ‌شاه مهمانی زنانهٔ مفصلی می‌دهد که بدون شک نجم‌السلطنه هم در آن دعوت داشت. زندگانی دوباره روال عادی می‌گیرد و عده‌ای از افراد بی‌خیال مشغول عروسی، تفریح، زیارت و دید و بازدید می‌گردند. ملیچک در رمضان ۱۳۲۶ق، دربارهٔ ازدواج پسر کامران میرزا با دختر شاهزاده جلال‌الدوله می‌نویسد که مراسم در پارک ظل‌السلطان انجام گرفت و سپس می‌افزاید: «نوی عمارت زنانه بود. تمام زن‌های رجال، شاهزاده‌خانم‌ها... هنگامهٔ غریبی بود از درشکه و کالسکه؛ خانم‌ها تماماً شب، افطار اینجا خواهند خورد». و اضافه می‌کند که ملکه جهان هم با «تشریفات تمام‌تر، قزاق، غلام، ژاندارم، کالسکهٔ بزرگ تاج‌دار آمده بود».

ولی به احتمال زیاد اخبار درگیری‌های تبریز و جنگ‌های ستارخان به تهران هم می‌رسید و اذهان را مشوب می‌کرد، اما به درستی معلوم نبود که کدام طرف فاتح است. در ماه محرم ۱۳۲۷ق، انواع شایعات راست و دروغ به گوش می‌رسید، چنانچه شایع می‌شد که ستارخان در تبریز کشته شده است. به‌زودی خبر به هم خوردن اوضاع و شلوغی ولایات به خصوص اسفهان به گوش رسید و در محرم ۱۳۲۷ق، اهالی تهران از شلوغی رشت خبردار شدند.

علاوه بر اخبار اغتشاشاتی که از همهٔ نقاط کشور به گوش می‌رسید، تهران نیز گهگاه شاهد ناآرامی و بسته شدن بازار بود. عده‌ای از تجار به سفارت عثمانی پناهنده شدند، ولی نه محمدعلی شاه و نه وزرای او، قدرت چاره اندیشی نداشتند. انقلابیون تبریز خواستار اعادهٔ مجدد مشروطه شدند، ولی شاه نمی‌پذیرفت. نجم‌السلطنه از طریق برادر اخبار را کسب می‌کرد، زیرا فرمانفرما مرتب به باشگاه تردد داشت و مورد مشورت محمدعلی شاه بود و خواهرش به این ترتیب از اوضاع باخبر می‌شد، احتمالاً هر دو از عاقبت کار نگران بودند. در تهران عده‌ای به حرم شاه‌عبدالعظیم پناهنده شدند. گروهی به علامت حمایت از مشروطه به سردر منزلشان بیرق سرخ زدند و عده‌ای از ترس اثنایهٔ خود را به بانک روس سپردند. سپهدار که برای برقراری نظم به رشت اعزام شده بود، به مجاهدین پیوست و مجدداً رهسپار تهران گشت، و از طرفی بختیاری‌ها به سرکردگی سردار اسعد و برادرش صمصام‌السلطنه، راهی تهران شدند.

تبریز در محاصرهٔ عین‌الدوله قرار داشت و از مدتی قطعی بروز کرده بود. روس‌ها در ربیع‌الثانی ۱۳۲۷ق به بهانهٔ این که اروپاییان در معرض خطر قطعی قرار دارند، قوای خود را به آذربایجان وارد کردند و شهر تبریز را گرفتند. این امر به حیثیت دولت و شاه لطمهٔ بسیار بزرگی زد. قوای بختیاری و مجاهدین رشت، بدون این که با مقاومتی مواجه گردند وارد تهران شدند، محمدعلی‌شاه به سفارت روس پناهنده گشت و به نفع پسر بزرگش احمد میرزا که ۱۲ سال داشت استعفا داد. دوره‌ای که به استبداد صغیر معروف شد، پایان یافت. محمدعلی شاه بیش از سایر سلاطین قاجار مورد انتقاد و دشمنی قرار گرفته است. بعضی از رجال مانند نظام‌السلطنه حتی قبل از این به سلطنت رسیدن او، نسبت به او بدبین بودند.



محمد صادقی

کتاب

محمد صادقی



نگاهی به کتاب

پیامدهای مدرنیت

نوشته: آنتونی گیدنز

جهان بررسی می کند، خوب می داند که هر چه در یک محله شهر رخ می دهد، احتمالا تحت تأثیر عواملی مانند عملکرد بازارهای پولی و کلاسی جهانی شکل می گیرد، عواملی که از فاصله بسیار دور از آن محله شهری عمل می کنند...

اما رولند رابرتسون در مقاله‌ای که با نام «جهان-محلی شدن» نوشته است، مانند گیدنز نمی اندیشد: «به رغم افزایش علاقه به ملاحظات مکانی و بسط توجه به پیوندهای نزدیک میان ابعاد زمانی و مکانی حیات

انسانی، تا به امروز این گونه ملاحظات تأثیر چندانی بر مبحث جهانی شدن و مسایل مربوط به آن نگذاشته است. به ویژه در زمینه مرتبط ساختن میحث زمان-مکان با پرسش پیچیده و قدیمی کلی گرای – خاص گرایی، تلاش اندکی صورت گرفته است... تردیدی نیست که مساله زمان-مکان در آرای گیدنز و در مباحث او در باب نظریه ساختمانندی بسیار مورد توجه قرار گرفته است، اما بخش عمده این بحث به شیوه‌ای انتزاعی بسط یافته است، همراه با توجهی نسبتا اندک به مسائل و پرسش‌های انضمامی. با این حال، وجه مهمی از معضله یا پرولیماتیک مورد نظر ما توسط گیدنز بررسی و معلوم شده است. گیدنز چنین استدلال می کند که به صورت کلی، بهترین کار آن است که مفهوم جهانی شدن به مثابه تجلی و بیان و جوه بنیادین فاصله‌مندی زمانی-مکانی فهمیده شود. جهانی شدن با مقطع مشترک حضور و غیاب سر و کار دارد، با در هم بافته شدن رخدادهای روابط اجتماعی دور با بافت‌ها و زمینه‌های محلی. اگر چه این ایده که جهانی شدن با مقطع مشترک حضور و غیاب مرتبط است، هوشمندانه و مفید است، ولی به اعتقاد من گیدنز به هنگام سخن راندن از تولید وقایع و اگر ا یا حتی متضاد تاحدی اسیر شیوه‌های کهن تفکر باقی می ماند. این سخن ظاهرا حاکی از وجود نوعی رابطه کنش – واکنش است که پیچیدگی مضمون جهانی-محلی را به طور کامل بیان نمی کند.» البته وی در این نقد تصریح دارد که تأکید او بر اهمیت مفهوم جهان-محلی شدن اساسا برخاسته از ضعف‌هایی است که به اعتقاد او در بیشتر موارد کاربرد اصطلاح جهانی شدن به چشم می خورند. همان طور که بارتلسون (Bartelson) می گوید، اگر چه مفهوم مشخص و مورد توافق نسبت به جهانی شدن وجود ندارد، ولی از مجموعه نظر به‌ها فهمیده می شود که جهانی شدن به عنوان یک واقعیت وجود دارد. گیدنز در کتاب «پیامدهای مدرنیت» جهانی شدن را از پیامدهای مدرنیت می داند، به تعبیری آن را ادامه، توسعه و امتداد مدرنیت می‌شناساند و جهانی شدن را با تئوری اجتماعی خود درباره فشرده شدن روابط اجتماعی در سطح جهان مرتبط می‌سازد، موضوعی که از آن با نام «اتصال فرهنگی» هم یاد شده است...

در دنیای امروز، گرایش به جهانی شدن (و ارزش‌های جهانی) و گرایش به ارزش‌های ملی یا محلی، دو گانه‌ای است که ذهن و ضمیر اندیشمندان و فرهنگ‌مداران را در جوامع غیر غربی و نه چندان توسعه یافته به خود مشغول ساخته است، از یک سو، ارزش‌های جهانی را می ستایند، و از سوی دیگر، به معیارها و سنت‌های خود نیز نظر دارند. این شاید و به گونه‌ای، نشان دهنده اختلال‌های ذهنی در مسیر گذار و پیوستن ناگزیر به قطار مدرنیت باشد، ولی مهمتر اینکه؛ برآمدن و افزوده شدن هویت مدرن موجب گشته تا فرهنگ‌های سنتی با پرسش‌های جدی مواجه شوند، و به عبارتی، تطبیق با فرهنگ جهانی از آنها انتظار رود.

زیرا طبیعی است که فرهنگ‌ها و تمدن‌های قدیمی در برابر نسیم تجدد، مقاومت بیشتری از خود بروز دهند. اما از یاد نبریم که، فرهنگ و تمدن نوین جهانی، بر ارزش‌هایی همچون؛ حقوق بشر، آزادی، دموکراسی و مدارا استوار و بر اساس عقلانیت بنا شده است. وقتی در روند جهانی شدن، از ارزش‌های جهانی سخن گفته می شود، معنایش ارزش‌های انسانی است. پس در منازعه میان ارزش‌های ملی یا محلی با ارزش‌های جهانی، آنچه در تضاد با عقل و عقلانیت است، کنار می‌رود. هر چه در درون فرهنگ‌ها و تمدن‌ها با عقلانیت و عقل جمعی سازگار نباشد، فراموش و کتمان می‌گردد، آنچه از آداب، رسوم، سنت‌ها و آیین‌ها با عقلانیت همخوانی داشته باشد، تداوم می‌یابد... می‌توان گفت، جهان کنونی، بر اساس تولید و توزیع لذت و شادی بنا شده، برای نمونه از این رو است که، جشنی مانند دیوالی (جشن شادی) می‌ماند، و رسمی مانند ساتی (سوزاندن زن مرد متوفی) از بین می‌رود...

آنتونی گیدنز (متولد ۱۸ ژانویه ۱۹۳۸) جامعه‌شناس برجسته انگلیسی است. وی در محافل علمی و آکادمیک و نزد دانش آموختگان جامعه‌شناسی بیش از همه به دلیل نظریه ساختاربندی و نگاه کل‌نگرانه به جوامع مدرن شناخته می‌شود. در آثار و نوشته‌های او بیش از ۳۰ جلد کتاب و بیش از ۲۰۰ مقاله به چشم می‌خورد، و همچنین، کتاب‌های او به عنوان کتاب‌های درسی در دانشگاه‌های سراسر جهان آموزش داده می‌شوند. این شاید به خاطر لحن و ادبیات ساده و همه فهم گیدنز است که بنادارد پیچیده‌ترین مفاهیم را به ساده‌ترین شکل بیان کند. او به همین خاطر عنوان بهترین سخنران و بهترین استاد دانشگاه سال را هم در کارنامه اش دارد. این نظریه‌پرداز مطرح و موثر در ادمونتون لندن و در خانواده‌ای پایین‌تر از یک خانواده طبقه متوسط به دنیا آمد. او پسر یک کارمند اداره حمل و نقل عمومی لندن بود. گیدنز نخستین فرد خانواده اش بود که به دانشگاه راه پیدا



هادی اشتری

هادی اشتری در سال ۱۲۷۷ متولد شد. پدرش میرزا مهدی جوqانی و برادر بزرگش احمد اشتری می‌باشد. اشتری تحصیلات ابتدایی و متوسطه را به صورت معمول گذراند. او نیز همانند برادر بزرگش به ریاضیات علاقه‌مند بود و به همین دلیل دروس پایه مثل صرف و نحو عربی و ادبیات فارسی را به پایان رساند و به ریاضیات و هندسه روی آورد. وی مدتی نیز به شغل آموزگاری پرداخت تا اینکه به خدمت دولت درآمد، در وزارت فرهنگ مشغول به کار شد. پس از اتمام دوره اش در آن وزارت به ریاست معارف منصوب شد و در مدت کوتاهی، چند پست مهم را مثل ریاست وزارت دارایی عوض کرد تا این که در پست مدیر کل بازرسی کشور ماندگار شده سال‌ها خدمت کرد.

پس از چندی معاون وزارت کشاورزی شد تا این که در سال ۱۳۳۰ به مدت چند ماه استاندار تهران شد و از آنجا انتقال یافته، به استانداری گیلان منصوب شد.

اشتری برای مردم گیلان بسیار مفید واقع شد، به تمام شکایات و اعتراضات مردم رسیدگی می‌کرد و به همین دلیل همه از وی راضی بودند و برخی در صدد پرونده سازی و حذف او بودند. چون وی مزاحم چپاولگری و خرابکاری‌های آنها بوده است.

در دولت مصدق که لایحه تصویب کارمندان دولت مطرح شد، نام‌های اشتری جزء افراد بند الف که افراد شایسته و به درد بخور دولت را شامل می‌شد، قرار گرفت. پس از چند سال که در گیلان مشغول ریاست بود، در سال ۱۳۴۰ در کابینه علی‌امینی به عنوان وزیر مشاور منصوب شد و بعد از عزلش از وزارت، غالبا در جلساتی که در منزل دکتر علی‌امینی برگزار می‌شد، شرکت می‌کرد و چون مردی تیزهوش و مورد اطمینان بود، در تمام کارهای دولت از او استفاده می‌شد و همیشه مورد احترام دربار محله بود و در سن ۸۰ سالگی در گذشت.

کرد و نخستین مدرک دانشگاهی اش را از دانشگاه‌ها، مدرک کارشناسی ارشدش را از مدرسه علوم اقتصادی و سیاسی لندن و دکترایش را از کمبریج گرفت.

چهارشنبه ۴ آبان ۱۳۹۰ – شماره ۲۵۱۶۲

فرهنگی

هنر

۱۰

با خاطرات علی اکبر صنعتی

سفر خراسان



«قبل از سفر به مشهد مقدس، آرزوی خود را در دیدار استاد کمال‌الملک، با مرحوم میرزا احمد خان اشتری در میان گذاشتم. آن بزرگوار هم خیلی از نیت من از این دیدار استقبال کرد. گفت هر چند استاد، چندان مایل به دیدار کسی نیست، اما من برای تو نامه‌ای می‌نویسم که بی‌تردید اگر ایشان در حسین‌آباد باشند و به سفر نرفته باشند، برایشان دیدارت خالی از لطف

نیاشد. بعد هم پشت میز کارش نشست و نامه‌ای مفصل به استاد نوشت نامه را در پاکت گذاشت و سر پاکت را چسباند و به من تحویل داد. نامه را با تشکر بسیار از مرحوم میرزا احمد خان اشتری گرفتم و در ایامی بعد، با هزاران شوق و ذوق همراه بی‌بی راهی مشهد مقدس شدم.

اقامت من و بی‌بی هفته‌ای در مشهد به طول انجامید. وقت بازگشت، صبح خیلی زود بود که به نیشابور رسیدیم. طبق قرار در نیشابور از اتوبوس پیاده شدیم. بی‌بی را در قدمگاهی در شهر نیشابور تنها گذاشتم، قرار مان این بود که بی‌بی تا عصر در قدمگاه بماند تا من به حسین‌آباد نیشابور بروم و بعد از دیدار استاد به بی‌بی ملحق شوم.»

«در ابتدای جاده خاکی روستای حسین‌آباد از اتوبوس پیاده شدم. آفتاب صبح، بر تن گندمزار صحرای حسین‌آباد، بارانی از طلا باریده بود. هوا عطر ساقه‌های خیس گندمزار را داشت. بوی آشنایی، بوی زندگی، بوی لطافت و طراوت.

جاده باریک را تا آبادی حسین‌آباد، پیاده طی کردم. حال عجیبی به من دست داده بود. بیم و شوق، توامان وجودم را به تسخیر کشانده بود. از سویی اندیشه دیدار استاد به شور و هیجانم واداشته بود و از دگر سوی، هراس آن داشتم که وقتی خدمتش رسیدم از کجا بگویم، چه بگویم. جاده باریک خاکی را نمی‌دانم چگونه طی کردم؛ همینقدر می‌دانم در حسین‌آباد، با اولین پرسجوی آدرس استاد، اهالی مرا به اقامتگاه استاد رهنمون شدند. سرانجام مقابل در چوبی کهنه، اما بزرگ باغ مسکونی استاد رسیدم. مدتی حیران مقابل در ایستادم؛ عاقبت به خود دل دادم؛ کوبه آهنی در باغ را به صدا در آوردم، زمانی بعد، عاقل مردی روستایی در باغ را بر رویم گشود. بی‌هیچ تاملی نامه مرحوم میرزا احمد خان اشتری را به دست او سپردم. مرد، نامه را گرفت و به طرف عمارت انتهای باغ پیش رفت.

مدت زمانی طول نکشید که در باغ دوباره و ااشد. خودشان بودند؛ قدم رنجه کرده بودند؛ نامه مرحوم میرزا احمد خان اشتری را که خوانده بودند، با پای خود به استقبال آمده بودند. عجب هیبت و شکوهی در چهره و اندامشان موج می‌زد. یک پیراهن و شلوار سفید به تن داشتند؛ عبایی نازک و زردرنگ روی دوش انداخته بودند. توصیف آن لحظه دیدار برایم ناممکن است. بی‌آنکه حتی مجال سلام گفتنی داشته باشم، جستی زدم تا دست استاد را ببوسم؛ با شتاب دستشان را کنار بردند. بعد با تبسمی پدرانه به من خوش آمد گفتند؛ مرا به داخل باغ دعوت کردند و در حالیکه دستشان را روی شانهم گذاشته بودند پا به پای من به طرف عمارت باغ راه افتادند. میان راه رسیدن به عمارت باغ، برای آنکه به من بفهمانند که از دیدارم راضی هستند، چند بار زیر لب تکرار کردند خوش آمدید آقا، خوش آمدید. همان میان راه، از من جوایای حال و احوال مرحوم میرزا احمد خان اشتری شدند. عرض کردم خوب هستند؛ تنها دلتنگی شان دوری از شماسست. چند بار به نشانه تاسف سرشان را بالا و پایین بردند؛ بعد با همان حالت اندوه زیر لب این شعر را زمزمه کردند:

فراق دوستانش باد و یاران

که ما را دور کرد از دوستاناران
سرانجام به همراه استاد به اتاق نسبتا بزرگی در عمارت وارد شدیم. کف اتاق فرش‌ی رنگ روی باخته پهن شده بود. یکی دو متکای بزرگ کنار اتاق رو به پنجره دیده می‌شد. به فاصله کمی از در ورودی سماور و قوری و بساط چای قرار داشت. اتاق اصالت و ظاهر اتاق‌های روستایی را داشت. با همان سادگی و بی‌پیرایگی اتاق‌های روستایی. تنها با این تفاوت که بر سینه دیوار گچی اتاق، چند تابلو از کارهای استاد نصب شده بود. تابلوهایی که اتاق را یکباره زیباترین جایگاه عالم در نظر مجسم ساخت.

زبانزد

منیره طباطبایی

«ب»

برج مردم فیس لک لک!

✱بر این خوان یغما، چه دشمن چه دوست.
✱برای نهادن چه سنگ و چه زر.
✱برای هر آدم برهنه، هر پیراهنی اندازه است.
✱برای هر خری آخور نمی‌بندند!
✱برای هر نخوری، یک بخور پیدا می‌شود.
✱برای همه اوستاست، برای ما زن اوستا.
✱برای همه جیمبو، برای ما هم جیمبو؟
✱برای همه مادر است، برای من زن بابا.
✱برای یک بی‌نماز، در مسجد را نمی‌بندند.
✱برای یک تون تاب تخت حموم تخت سلطنت است.
✱برای یک دستمال قیصریه را آتش می‌زند.
✱برای یک دمه شهوت که خاک بر سر آن/زبون شدن آیین شیر مردان نیست

✱برای یک شکم خرما خوردن، کسی به جهرم نمی‌رود.
✱برای یک شکم دو منت نکشند.
✱برباد رود هر آنچه از باد آید.
✱برای یک مراد صد هزار بی مراد نتوان کرد.
✱بر باد گره نمی‌توان زد.
✱بر بام خرابات، چه جغدی چه همایی.
✱بر بسته دگر باشد و بر رسته دگر.
✱بر بهیمه چه سنبل چه سنبله.
✱بر بی بَدَل چگونه گزیند بَدَل؟
✱بر تبسم‌های شیر ایمن مباش.
✱بر جاهل اعتماد مکن!
✱برج را مردم می‌سازند، فیشش را لک می‌کند!
✱بر چشم کور سُرمه کشیدن چه فایده؟

✱بر حسن و جوانی ای پسر غرّه مشو
✱بس غنچهٔ ناشکفته بر خاک بریخت
✱برخاک شهدان مدوان مرکب را
✱برحذر باش که خون از سرزمین می‌گذرد
✱بر خوان نانهاده آفرین واجب نشود.
✱بر دارد کام هر که با کار بساخت.
✱برداشته پشیمان، برنداشته پشیمان!
✱بردبار شو تا ایمن شوی.
✱بردباری نشانه مردی است.
✱بر در خانه هر سگی شیر است.
✱بر درد کسی رسد که دردی دارد.
✱بر دریای آرام همه کس ملاح است.
✱برد قمار، باختن است.
✱برد قمار باز، باخت است.

✱بر دوستان رفته چه افسوس می‌خوریم/ما خود مگر قرار اقامت نهاده‌ایم؟
✱بر دوستی دوستان اعتماد نیست تا چه رسد به تملق دشمنان.
✱برده را دزد پس نخواهد داد.
✱بر رُسته دگر باشد و بر بر رسته دگر.
✱بر رسولان پیام باشد و بس.
✱بر زبان تسبیح و در دل گاو و خر/این چنین تسبیح کی دارد اثر؟
✱بر سرِ اولاد آدم هر چه آید، بگذرد.
✱بر سرِ هر سفره‌ای رفتی قاشق چنگال نبود
✱از تمدن دور نشو فوری تو با انبر بخور!
✱بر سرِ هر لقمه بنوشته عیان/کز فلان بن فلان بن فلان!

چهل سال پیش...

تمامی مطالب از روزنامه اطلاعات روز سه‌شنبه ۴ آبان ۱۳۵۰ (برابر با ۶ رمضان ۱۳۹۱، ۲۶ اکتبر ۱۹۷۱) نقل شده است

در تهران پس از ۶ ماه خشکی، یک میلیونر باران یارید!

دیشب اولین رگبار در تهران یارید پیش از یاریدن این باران هوای تهران بشدت جابجا شد بادی با سرعت هشتاد کیلومتر بمدت نیم‌ساعت آسمان تهران را زیر و رو کرد. پس از این طوفان رگبار کوتاهی یارید و سحرگاه امروز هوای شهر تهران بسیار مطبوع و خوش آیند شده بود.

هواشناسی اعلام داشت که بعلت پیش آمدن ناپایداری محلی در روی عراق از غروب دیروز در نواحی غربی و شمالغربی و مرکزی و شمال ایران، ابرهای جوششی تشکیل شد و حرکت این ابرها در آسمان موجب وزش باد و طوفان در سطح زمین گردید و سپس در شمال و شمالغرب باران بیشتر و در تهران باران رگباری یارید و هوا آرام شد.

در تهران پس از ۶ ماه خشکی یک میلیونر و در شمیرانات پنج میلیونر و در ارتفاعات بیش از ده میلیونر باران و بر ف یارید . در سواحل شمالی ایران ریزش باران شدید بود و حدود سی تا پنجاه میلیونر در این نقاط باران یاریده است.

دفن اموات در گورستانهای شهری آزاد شد

به تصمیم هیات امنای اداره اوقاف و شهرداری پایتخت دفن اموات در گورستانهای بقاع متبرکه شهری ازاد شد. دفن اموات در این گورستانها از دو سال قبل و پس از گشایش گورستان بهشت زهرا ممنوع شده بودو در این مدت کسانیکه قبلا زمین خریداری کرده بودند با شکایات متعدد و مراجعات مکرر تقاضا کردند که در این تصمیم تجدید نظر بعمل آید. هیات امنای پس از بررسی این مساله برای گورستانهای مختلف سهمیه‌ای به بشرح زیر تعیین کرد. گورستانهای امامزاده عبدالله و ابن بابویه هر یک در سال ۷۵ جنازه، گورستان بی‌بی زبیده و مسجد ماشاءالله هر یک بیست جنازه مسجد فیروز آبادی ده جنازه و صحن مطهر حضرت عبدالعظیم دویست جنازه.

نرخ دفن اموات نیز در امامزاده عبدالله و ابن بابویه بمبلغ هشت هزار ریال، بی‌بی زبیده و مسجد ماشاءالله هفت هزار ریال افزایش یافته است.

بین راه بانک و شهرداری شهسوار حقوق کارکنان شهرداری بسرقت رفت!

صبح دیروز مبلغ شصت هزار ریال از حقوق کارکنان شهرداری شهسوار در فاصله بین بانک ملی و شهرداری این شهر به سرقت رفت. ماجرای سرقت از این قرار بود که صبح دیروز رئیس حسابداری شهرداری شهسوار برای پرداخت حقوق کارکنان شهرداری چکی بمبلغ یکصد هزار ریال در اختیار خدمتگزار شهرداری قرار داد تا پول آنرا از بانک وصول نماید. «رمضان» نیز پس از وصول پول آنرا در جیب شسلوارش قرار داد و به شهرداری بازگشت ولی هنگامی که خواست پولها را تحویل دهد متوجه گردید که موجودی یکی از جیب‌هایش بسرقت رفته و از یکصد هزار ریال تنها چهل هزار ریال باقی مانده است.

با اطلاع جریان به شهربانی شهسوار، مامورین شهربانی اقدامات وسیعی را برای یافتن سارق و پولها آغاز کرده اند.

ریزش باران، برنامه تظاهرات ضدنیکسون را برهم زد

واشننگتن ـبر اثر ریزش مداوم باران سازمان ائتلاف ملت برای صلح و عدالت، ناچار شد برنامه تظاهرات علیه جنگ ویت‌نام را لغو کند.

قرار بود دیروز بمناسبت روز جنگجویان قدیمی تظاهرات عظمیی علیه سیاست پریزدنت نیکسون در واشنگتن برپا شود باینحال عده‌ای از جوانان امریکائی بدون توجه بر ریزش باران شدید در پای بنای یادبود جرج واشنگتن و اطراف کاخ سفید گردآمدند ولی از آنجاکه شماره آنها از پانصد نفر تجاوز نمی کرد رهبران سازمان ضد جنگ تصمیم گرفتند برنامه تظاهرات خیابانی را حذف کرده و در یکی از کلیساهای نزدیک کاخ سفید یک میتینگ تشکیل دهند. باین ترتیب پنتاگون بعداظهر دیروز حالت آماده‌باش را که برای جلوگیری از بروز حوادث احتمالی اعلام کرده بود لغو کرد.

قیمت تجاری برنج در شمال کاهش یافت...

از دو روز قبل قیمت انواع برنج از قرار کیلویی دو الی سه ریال در بازار شهسوار کاهش یافت. چون بهای تجارتی برنج همه روزه در بازار شهسوار دو نوسان است، خرید و فروش آن با احتیاط صورت میگیرد؛ هفته قبل گزارشی درج شد در زمینه ترقی کالای برنج در شهسوار. در این گزارش کارشناسان تجارتی این شهر ستان پیش بینی کرده بودند که چون محصول سالیانه برنج منطقه شهسوار رضایتبخش است، این قیمت کاهش می یابد و افزایش اخیر قیمت این کالا کاذب میباشد.

خبرنگار ما در شهسوار گزارش داد: اکنون با توجه باین اظهار نظر تجار، برنج صدری معمولی که در هفته گذشته بطور ناگهانی ترقی کرد و قیمت آن به کیلویی بیست و نه ریال رسید، در حال حاضر کیلویی بیست و شش ریال خرید و فروش میشود همچنین برنج «تارم» اعلا که قیمت آن کیلویی سی و سه ریال بود به کیلویی سی ریال کاهش یافت.

تا پایان ماه جاری از طریق موز تایباد

سیصد هزار رأس گوسفند وارد ایران میشود

به موجب قراردادی که بین ایران و افغانستان به امضاء رسیده است دولت افغانستان تا پایان ماه جاری سیصد هزار رأس گوسفند به ایران خواهد فروخت.

محل تحویل این گوسفندها مرز تایباد میباشد و در حال حاضر هیاتی از کارشناسان کشاورزی و سازمان دامپروری خراسان که از مشهد عازم افغانستان شده‌اند، سرگرم بررسی طرح مذکور می باشند. قیمت هر رأس گوسفند در حدود یکهزار ریال می باشد و برای خریداری گوسفند از افغانستان اعتباری بمبلغ سیصد میلیون ریال در نظر گرفته شده است.

گوسفندهای خریداری شده برای تأمین گوشت مورد مصرف مردم شهرها و مناطق مختلف کشور استفاده خواهد شد. دولت افغانستان اعلام کرده که حاضر است تا حدود دو میلیون رأس گوسفند در اختیار ایران بگذارد.

قاب زندگی



انقلابی لیبی با نواختن گیتار، روحیه همقطاران خود را تقویت می کند / منبع: Msnbc

امروز با سعدی

آن را که غمی چون غم من نیست، چه داند

کز شوق توام دیده چه شب می گذراند؟

وقت است، اگر از پای در آیم که همه عمر
بساری نکشیدم که به هجران تو ماند

سوز دل یعقوب ستمدیده زمن پرس
که اندوه دل سوختگان سوخته داند

دیوانه گرش پسند دهی، کار نبندد

ور پسند نهی، سلسله در هم گسلاند

ما بی تو به دل بر نزدیکم آب صبوری

در آتش سوزنده صبوری که تواند؟

هر که که بسوزد جگرم، دیده بگیرد

و این گریه نه آبی است که آتش بنشاند

سلطان خیالت شبی آرام نگیرد

تا بر سر صبر من مسکین ندواند

شیرین نماید به دهانش شکر وصل

آن را که فلک زهر جدایی نچشاند

گر بار دگر دامن کامی به کف آرم

تا زنده‌ام از چنگ منش کس نرھاند

ترسم که نمانم من از این رنج درینا

که اندر دل من حسرت روی تو بماند

قاصد رود از پارس به کشتی به خراسان

گر چشم من اندر عقبش سیل براند

فریاد که گر جور فراق تو نویسم

فریاد بر آید ز دل هر که بخواند

شرح غم هجران تو هم با تو توان گفت

پیدا است که قاصد چه به سمع تو رساند

ز نهار که خون می چکد از گفته سعدی

هر ک این همه نشر بخورد، خون بچکاند

داستان کوتاه

راز بزرگ

زوج سالخورده‌ای در یک شب سرد زمستانی وارد رستوران بزرگی شدند، آنها درمیان زوج‌های جوانی که در آنجا حضور داشتند بسیار جلب توجه می کردند. بسیاری از آنان، زوج سالخورده را تحسین می کردند و به راحتی می‌شد فکرشان را از نگاهشان خواند: «نگاه کنید، این دو نفر عمری است که در کنار یکدیگر زندگی می کنند و چقدر در کنار هم خوشبختند.» پیرمرد برای سفارش غذا به طرف صندوق رفت، غذا سفارش داد، پولش را پرداخت و غذا آماده شد. با سینی به طرف میزی که همسرش پشت آن نشسته بود رفت و روبروی او نشست. یک ساندویچ همبرگر، یک بشقاب سیب زمینی خلال شده و یک نوشابه در سینی بود، پیرمرد همبرگر را از لای کاغذ در آورد و آن را با دقت به دو تکه مساوی تقسیم کرد. سپس سیب زمینی‌ها را به دقت شمررد و تقسیم کرد. پیرمرد کمی نوشابه خورد و همسرش نیز از همان لیوان کمی نوشید. همین که پیرمرد به ساندویچ خود گاز می زد مشتریان دیگر با ناراحتی به آنها نگاه می کردند و این بار به این فکر می کردند که آن زوج پیر احتمالا آن قدر فقیر هستند که نمی توانند دو ساندویچ سفارش بدهند، پیرمرد شروع کرد به خوردن سیب زمینی‌هایش، مرد جوانی از جای خود برخاست و به طرف میز زوج پیر آمد و به پیرمرد پیشنهاد کرد تا برایشان یک ساندویچ و نوشابه بگیرد، اما پیرمرد قبول نکرد و گفت: همه چیز رو به راه است، ما عادت داریم در همه چیز شریک باشیم، مردم کم کم متوجه شدند در تمام مدتی که پیرمرد غذایش را می خورد، پیرزن او را نگاه می کند و لب به غذایش نمی زند. بار دیگر همان جوان به طرف میز رفت و از آنها خواش کرد که اجازه بدهند یک ساندویچ دیگر برایشان سفارش بدهد و این دفعه پیرزن توضیح داد: ما عادت داریم در همه چیز با هم شریک باشیم، همین که پیرمرد غذایش را تمام کرد، مرد جوان طاقت نیاورد و باز به طرف میز آن دو آمد و گفت: می توانم سوالی از شما پیرسم خانم؟ پیرزن جواب داد: بفرمایید، چرا شما چیزی نمی خورید؟ شما که گفتید در همه چیز با هم شریک هستید، منتظر چی هستید؟ پیرزن جواب داد: منتظر ندانها!

چهارشنبه ۴ آبان ۱۳۹۰ - شماره ۲۵۱۶۲

امروز در تاریخ

نیروهای روسیه وارد ایران شدند

برغم اعلام بی طرفی در قبال جنگ قدرت‌های اروپایی، واحدهای ارتش روسیه چهارم آبان ۱۲۹۶ خورشیدی وارد بندر انزلی شدند و به سوی تهران به حرکت در آمدند و دو هفته بعد، پس از تصرف قزوین خود را به کرج رساندند.

با رسیدن نیروهای روسیه به کرج در ۱۸ آبان، گروهی از رجال وقت رهسپار قم و جماعتی دیگر روانه کرمانشاه شدند و سلطان احمدشاه قاجار هم به اندیشه انتقال پایتخت از تهران به اصفهان افتاد.

جماعتی که به قم رفته بودند کمیته دفاع ملی تشکیل دادند و دراین میان شاه وقت تصمیم به ملاقات با نمایندگان سیاسی انگلستان و روسیه — دو دولت متحد در جنگ اول — گرفت و با گرفتن قول بازگشت واحدهای روسیه به قزوین انصراف خود را از انتقال پایتخت اعلام کرد.

تاجگذاری

چهارم آبان سال ۱۳۴۶ شاه باین که از سلطنت او ۲۶ سال می گذشت، در چهل و هفتمین زادروز خود با هزینه نسبتا سنگین طی مراسمی مفصل که به نظر بسیاری ضرورت نداشت بر سر خود تاج گذارد. حال آن که به نظر منتقدین بهتر بود مانند کشورهای دیگر برای عموم مردم تأمین اجتماعی (بازنشستگی همگانی پس از رسیدن به سن معین) برقرار می کرد تا در پیری دغدغه گرسنگی نداشته باشند؛ به تفتیش عقاید پایان می داد که داشتن عقیده و ابراز مسالمت آمیز آن حق لاینفک انسان است؛ تأسیس حزب را از شرط و قیدارها می ساخت؛ نشر روزنامه را از انحصار تنی چند از اشخاص معین خارج می ساخت و دست اهل این حرفه را به داشتن نشریه عمومی باز می گذارد و با این اقدام به استثمار روزنامه نگاران وطن توسط شماری کم خاتمه می داد؛ ایران را از لحاظ محصولات کشاورزی خودکفا می کرد؛ دولت را از اتکاء به درآمد نفت برای تأمین هزینه های جاری با اتخاذ سیاست های دیگری از جمله وصول واقعی مالیات بر درآمد بی نیاز می کرد و ...



انگلیسی ها یکه تاز میدان شدند

انگلیسی ها در آبان سال ۱۲۹۹ در ایران یکه تاز میدان شده بودند و کوشش تمام داشتند که مالک الرقاب وطن ما شوند. انگلیسی ها با تلقین قطعی بودن قرارداد سال ۱۹۱۹ میلادی معروف به قرارداد وثوق الدوله به مقامات دولتی ایران، عملاً مفاد آن را به اجرا گذارده بودند و تأکید بر قطعی بودن آن داشتند از جمله از مشیرالدوله رئیس الوزراء و نیز احمدشاه مصرانه می خواستند که پالونیک استاروسلسکی ژنرال روسی فرمانده قزاقخانه را که دیگر ارتباطی هم با روسیه نداشت و حقوق بگیر دولت ایران شده بود برکنار و از ایران اخراج کنند تا امور مالی و تدارکاتی نیروی قزاق — طبق قرار داد ۱۹۱۹، در دست ماموران انگلیسی قرار گیرد. احمد شاه نافرمانی احتمالی قزاقها را بهانه می آورد و مشیرالدوله حاضر به قبول نبود.

پس از آخرین دیدار ژنرال آبرونساید با مشیرالدوله که درآن این موضوع با فشار بیشتری مطرح شده بود، مشیرالدوله کناره گیری از نخست وزیری را ترجیح داد و چهارم آبان استعفاء کرد. احمدشاه سپهدار رشتی را که با انگلیسی ها مخالفتی نداشت رئیس الوزراء کرد و وی ظرف چند روز ژنرال پالونیک استاروسلسکی و همه افسران روسی دیویزیون قزاق را برکنار کرد.

برای جلوگیری از سرایت وبا شهر را آتش زدند

در جریان جنگ امپراتوری اتریش باعثمانی، ۲۶ اکتبر سال ۱۶۸۹ ژنرال «انی سیلیوی پیکولومینی Enea Silvio Piccolomini» فرمانده نیروهای اتریشی دستور داد که شهر سکوپجه Skopje (تلفظ ترکی آن اوشکوپ، تلفظ یونانی اسکوپیا و تلفظ ایتالیایی اش سکوبی) آتش زده شود. علت صدور چنین دستوری این بود که در این شهر ۶۰۰ هزار نفری که اینک پایتخت جمهوری مقدونیه است بیماری وبا شیوع یافته بود.

www.iranianshistoryonthisday.com

دشوار
۳۵۷

قانون های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد ۱ تا ۹ نوشته شود بد بهیی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد ۱ تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

حل جدول شماره ۳۵۶

۸	۱			۳	
۹					
			۸	۷	۹
			۲		۸
	۶		۵		۹
	۸	۹			۱
		۷		۸	۹
۶			۲	۳	
۵				۶	

حل جدول شماره ۳۵۶

۷	۷	۳	۸	۵	۴	۹	۶	۱
۹	۸	۱	۴	۷	۵	۲	۴	۳
۵	۶	۴	۹	۱	۳	۷	۲	۸
۷	۱	۵	۶	۸	۲	۴	۹	۳
۴	۷	۸	۵	۴	۱	۳	۹	۷
۴	۳	۸	۴	۷	۱	۲	۵	۶
۲	۶	۷	۱	۸	۵	۴	۷	۳
۵	۵	۷	۲	۴	۹	۱	۸	۳
۱	۸	۹	۷	۳	۹	۵	۳	۲

دشوار
۱۰۳۴

جدول سودوکو

سودوکو (Sudoku) یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عدد‌های بی تکرار است وامروزه به جدولی از اعداد گفته می شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می رسد.

حل جدول شماره ۱۰۳۳

		۳	۷	۵	۲	۸		۱
		۷		۴		۱	۳	۵
		۱	۶				۲	
۱		۷			۳	۹		
		۸	۹					۲
		۹		۱	۶			۴
	۲	۶	۳	۸	۷			
				۲			۸	
۳			۱	۶				۷

شهر دار دورود با مردم سخن می گوید...

در پایان ضمن تشکر و قدردانی مجدد از مردم عزیز شهر دورود از همه همکاران زحمتش خود در شهرداری به خاطر تلاشها و زحمات شبانه روزی که تاکنون کشیده اند، از مسئولین و اعضای شورای شهر دورود هم کمال سپاسگزاری را دارم و به همه همشهریان عزیز این قول را می دهم که با کمک خداوند متعال و شما شهروندان گرامی دورود را لایق داشتن لقب پایتخت طبیعت ایران کنیم. تنها درخواستم از شما این است که شهرداری را از مسائل و مشکلات خود در حوزه شهری با اطلاع کنید و برای بهتر شدن روند فعالیت های عمرانی در دورود ما را از پیشنهادات و انتقادات خود محروم نسازید.

چراغ افروز چشم ما نسیم زلف جانانست

مبادا این جمع را یارب غم از باد پریشانی

ملول از هم رهان بودن طریق کاردانی نیست

بکش دشواری منزل بیاد عهد آسانی

خدمتگذار شما در شهرداری

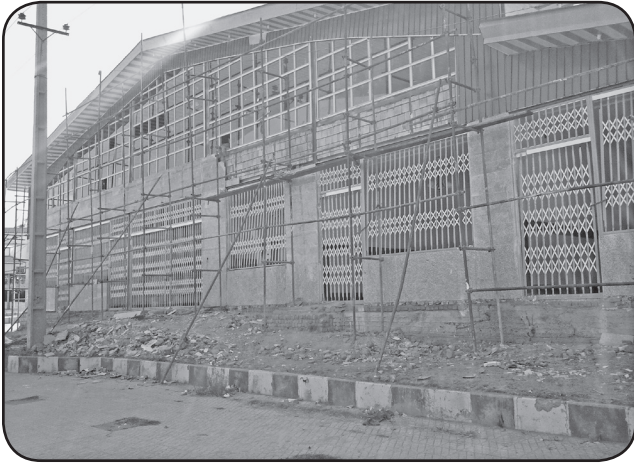
بهرنگ دالوند



در ارتباط با وضع نابه سامان سایه بانهای خیابان شریعتی که یکی از خیابان های اصلی و پر تردد شهر دورود است، بارها برای جمع آوری سایه بان های غیر استاندارد به کسبه تذکر داده ایم، حتی شهرداری به پیشنهاد خود کاتالوگهایی از سایه بانهای متنوع و استاندارد در اختیار آنها قرارداد و نیز چندین جلسه برای ساماندهی وضع آنها با نماینده کسبه در محل شهرداری انجام شده اما متأسفانه همکاریهای لازم تاکنون صورت نگرفته و منتظر تصمیم گیری شورای شهر هستیم. شهرداری آمادگی خود را در این خصوص اعلام داشته و هر گونه که مردم و شورای شهر راضی باشند. وارد عمل خواهیم شد. در خصوص رودخانه تیره نیز مسیر پل امام تاپل سیرسانی لایروبی انجام شده است. هر چند به خاطر این که سالهای طولانی لایروبی در این مسیر انجام نشده بود سختیهای فراوانی به همراه داشت. اما به خاطر رضایت مردم عزیز شهر دورود این کار انجام شد و بقیه مسیر هم در آینده لایروبی خواهد شد، کندی انجام لایروبی به دلیل کمبود وسایل نقلیه مناسب شهرداری جهت این کار است که ریزنی هایی نیز در این خصوص انجام و ادامه مسیر رودخانه تیره نیز به طور کامل لایروبی خواهد شد.

اقدام مهم دیگر شهرداری در طول این مدت اتمام ساخت سوله شهرداری واقع در پارک آزادگان بود که با بودجه ای بسیار کمتر از مبالغ احتمالی توانستیم آن را به پایان برسانیم، ابتدا تصمیم بر این بود که به عنوان تالار استفاده شود، اما شهرداری قصد دارد به صورت مزایده آن را به فروشگاه زنجیره ای متنوعی تبدیل کند فروشگاههایی که در آن قسمت اعظمی به بازارچه فروش آبریان با قیمت مناسب تعلق خواهد گرفت.

پوشش کانال کوی ایثار و آسفالت این منطقه، تعویض همه معابر به فلزی، نصب لامپهای روشنایی در بلوار و معابر و استفاده از پایه لامپهای قدیمی در پارکها و دیگر معابر فاقد لامپهای روشنایی و روکش آسفالت در نقاط مختلف شهر از جمله محله جماران، ۱۱۰ و فاز ۲ الغدیر از دیگر اقدامات شهرداری در طول این مدت بوده است. همچنین لکه گیری کلی آسفالت سطح شهر و آسفالت محله انگشته در دستور کار شهرداری قرار گرفته است.



ضمن تشکر صمیمانه از همه همشهریان فهیم و عزیز دورودی به خاطر همکاری همه جانبه با شهرداری به منظور ادامه اقدامات عمرانی و آبادسازی شهر پر از پتانسیل دورود، لازم به توضیح است اینجانب مدت ۸ ماه است که به عنوان شهردار دورود مشغول به فعالیت شده ام در طول این مدت با اینکه از طرف شهرداری حتی یک متر زمین هم به کسی فروخته نشده سعی ما بر این بوده است تا جایی که در توان داشته ایم، علاوه به رسیدگی به وضع شهری، از بدهکاری های معوق که از سالهای گذشته بر دوش شهرداری سنگینی می کرد بکاهیم که به لطف خداوند و کمک شما همشهریان عزیز در این امر موفق بوده ایم و توانسته ایم امور شهرداری را تا حد امکان سامان بخشیم، از جمله اقدامات مهمی که تاکنون توسط شهرداری به ویژه واحد نوسازی بعد از ۲۵ سال به طور کامل صورت پذیرفت، انجام ممیزی بود که در حال ابلاغ نتیجه آن هستیم و تاکنون ۲ ناحیه اعلام شده و ۲ ناحیه باقی مانده را نیز در روزهای آتی اعلام خواهیم کرد. این امر ممکن نبود مگر با کمک و همیاری مردم. جای تشکر دارد از کسانی که عوارض خود را پرداخت کرده اند و من این اطمینان را خواهم داد که با انجام این کار تحول چشمگیری را در توسعه و آبادانی بستر شهری شاهد خواهیم بود. از اقدامات مهم دیگر در حال انجام جایگری و شروع به کار پیمانکار تعویض پل قدیمی رودخانه تیره در خیابان امام است. این پل به خاطر فرسودگی و نداشتن استاندارد با وضع ترافیکی موجود دیگر قابل استفاده نبود و نیز طبق نظر کارشناسان وضع فیزیکی پایه های پل یکی از عوامل تجمع گل ولای و فاضلاب در مسیر رودخانه است که با تعویض آن این مشکل مرتفع خواهد شد. تعویض این پل زمانی مناسبی است که اداره آب و فاضلاب برای رفع مشکل فاضلاب شهری دورود که مستقیماً وارد رودخانه می شود و آلودگی های زیست محیطی فراوانی به همراه دارد، وارد عمل شده و با گذاشتن لوله های سیمانی مسیر فاضلاب را حداقل تا خارج از محیط مسکونی حاشیه رودخانه انتقال داده و بسته نگه دارد، این پیشنهاد به مسئولین آب و فاضلاب شهری داده شده است و امیدواریم این عزیزان با پیگیری هایی که صورت می دهند در رفع این مشکل اقدام لازم را به عمل آورند.



شهروندان دورودی که منزل مسکونی آنها در زلزله آسیب دیده و مشکل تخریب یا تفکیک دارند در خواست خود را تا تاریخ ۹۰/۸/۱۰ تحویل دفتر شهرداری دهند تا در اسرع وقت به درخواست آنها رسیدگی شود.

«روابط عمومی شهرداری دورود»

اطلاعیه

نبود داروخانه شبانه روزی و سردر گمی مردم

متأسفانه مدتی است تنها داروخانه شبانه روزی شهر دورود به صورت روز کار مشغول به فعالیت است و این در حالی است که در شهری بالغ بر ۱۸۰/۰۰۰ نفر جمعیت داروخانه شبانه روزی دیگری در سطح شهر وجود ندارد و شاید می توان گفت در حال حاضر دورود از معدود شهرهای کشور است که فاقد داروخانه شبانه روزی است!

این موضوع فرصت مناسبی برای داروخانه بیمارستان هفتم تیر به وجود آورد که با نصب بنرهای تبلیغاتی اعلام کند که به عنوان داروخانه شبانه روزی در خدمت همشهریان است، اما گویی مشکلاتی که مردم در این داروخانه برای تهیه دارو دارند در نظر گرفته نشده، محیط نامناسب داروخانه در محوطه، اورژانس، کمبود یا نبود داروهای خاص موجود در آن، مسیر و مسافت نامناسب و فضای نامحدود این داروخانه باعث به وجود آمدن مشکلات عدیده ای برای مردم شده است.

انتظار مردم از مسئولین این است که هر چه سریعتر این مشکل را در سطح شهر مرتفع کنند، تادسترسی به داروخانه ای شبانه روزی مجهز و مناسب برای آنها به راحتی صورت پذیرد.

سر منشاء اعتیاد جوانان دورودی در برخی عطاری ها

در گذشته عطاری ها مکانی برای استفاده از موثرترین و بهترین داروهای گیاهی به منظور درمان بیماریها بود، مکانی که در آن می توانستیم برای درمان برخی از بیماری ها که داروهای شیمیایی از علاج آنها ناتوان بودند، داروهای موثر پیدا کنیم. اما متأسفانه در حال حاضر در گوشه کنار شهر شاهد وجود عطاری هایی هستیم که اقدام به فروش قرص ها، شربت ها و پودرهای ترک اعتیاد و روانگردان (که خود به علت ترکیبات مخدره ای که دارند اعتیاد آورند) می کنند. علاوه بر موارد فوق در این عطاری ها مجموعه ای از داروهای شیمیایی غیر مجاز و بعضاً با تأثیر منفی در سلامتی افراد به فروش می رسد که متأسفانه با استقبال برخی از جوانان دورودی نیز مواجه شده است. لازم به آگاهی است اکثر این عطاری ها مجوز لازم برای این گونه فعالیت را نداشته و اکثر فروشندگان حاضر در این عطاری ها نیز از علم و آگاهی کامل نسبت به داروهای گیاهی و نحوه استفاده از آنها مبرا و بی اطلاع هستند، از مسئولین اداره اماکن دورود و نهادهای بهداشتی ناظر و مهمتر از همه مسئول اتحادیه عطاران شهر انتظار می رود برای جلوگیری از فروش این گونه داروها و تأثیرات مخرب آنها بر سلامت عمومی شهروندان دورود اقدام جدی و پیشگیرانه را به عمل آورند.

تماس از شماه پیکیری از ما

پاسخ از مسئولان

۰۹۱۹۴۵۴۴۸۹۷

لزوم نظارت بیشتر تاکسیرانی

روزانه شاهد تردد تعداد بی شماری تاکسی در سطح شهر هستیم و بعضاً مشاهده شده که برخی از تاکسی ها فاقد کدشناسایی بوده و این باعث سوء استفاده برخی از رانندگان در گرفتن کرایه اضافی و برخوردهای بد با مسافرین شده است، مورد دیگر ساعات کار روزانه تاکسی هاست که دیر هنگام شروع به کار کرده و با گرگ و میش شدن هوا دست از کار کشیده و فضا را برای فعالیت ماشین های شخصی با کرایه های ۲ برابر باز می کنند. تاکسی هایی نیز که با تاریک شدن هوا در سطح شهر دیده می شوند فقط به صورت دربست مسافر کشی می کنند، مطمئناً مسائل فوق نظارت بیشتر تاکسیرانی و برخورد با رانندگان تاکسی متخلف را هر چه بیشتر پررنگ تر می کند که انتظار می رود ساماندهی این معضلات سریعاً توسط تاکسیرانی محترم آغاز شود.

آتش زدن زباله ها در سطح شهر

عده ای از رفتگران زحمتکش شهرداری بعد از جمع آوری زباله ها از سطح خیابان آنها را در جداول کنار هم جمع آوری کرده و اقدام به آتش زدن می کنند. آثار سیاه شده از دوده این آتش ها روی دیواره جداول شاهد این مدعی است. از شهردار فعال و زحمتکش دورود تقاضا می شود به خاطر جلوگیری از آلودگی های مختلف زیست محیطی که این کار به همراه دارد موضوع فوق را به پرسنل زحمتکش خدماتی شهرداری تذکر دهد.

یک طبیعت دوست دورودی

اقدام شایسته یکی از دانشگاه های دورود

با نزدیک شدن به زمان انتخابات مجلس اکثر کاندیداتورها های مجلس تبلیغات آشکار و مخفی خود را آغاز کرده اند. مطلع شدیم برخی از آنها که قبلاً مدرس دانشگاه هم بوده اند و کلاس های دانشگاه را تریبونی مناسب برای تبلیغات می دیدند برای تدریس به دانشگاه های سطح شهر مانند پیام نور مراجعه کرده و با ممانعت مسئولین این دانشگاه ها برای تدریس مواجه شده اند که اقدامی شایسته و قابل تقدیر است.

قابل توجه مسئولین محترم شهرداری دورود

با توجه به قانون شهرداری و ماده ۱۰۰ که نصب پنجره حیاط همسایه که مشرف به حیاط منزل مقابل که دید کامل داشته باشد، مجاز نیست، متأسفانه همسایه اینجانب ساختمان ۶ طبقه احداث و پنجره سراسری ایجاد کرده است. با توجه به اینکه طی سه سال گذشته چندین بار به شهرداری گزارش شد و کارشناسان شهرداری آمدند بازدید و اخطار صادر کرده اند اما تا کنون هیچگونه اقدامی برای پوشش پنجره ها انجام نشده است و این موضوع متأسفانه بی توجهی مسئولین شهرداری را نشان می دهد. امید است با توجه به این گزارش اقدامی صورت پذیرد و کسانی که در خانه های خود زندانی هستند، از این معضل رهایی پیدا کنند.

دلیخون

لحظه ای با بزرگان سخن

آنچه والا بودن یک فرد را ثابت می کند کرده های او نیست، چون اصولاً بیخ و بن آنها معلوم نیست و معنای مختلفی دارند، والایی در ایمان به هدف و آرمان است.

«فرد ریش نیچه»

شهریاری که نداند شب مردمانش چگونه صبح می شود گورکن گمنامی است که دل به دفن خویش بسته است.

«فرد ریش نیچه»

ادب مثل عطر است، تا انسان چند قطره از آن به خود نزند دیگران متوجه آن نمی شوند

«ژان لویی فورنیه»

خداوند بی نهایت است اما به قدر فهم تو کوچک می شود، به قدر نیاز تو فرود می آید، به قدر آرزوی تو گسترده می شود و به قدر ایمان تو کار گشا می شود.

«ملاصدرا»

در زندگی متعهد باش، اگر زنده ای باید دستهایت را تکان دهی، جست و خیز کنی، سروصداه بیندازی، بخندی و با مردم حرف بزنی، چون زندگی دقیقاً نقطه مقابل مرگ است. مردن یعنی: همیشه در یک حالت باقی ماندن.

«پائلو کوئیلو»

سه چیز هرگز بر نمی گردد: زمان، کلام، موقعیت

سه چیز را هرگز نباید از دست داد: آرامش، امید، صداقت

سه چیز هرگز قطعی نیستند: شانس، موفقیت، رویاهایمان

سه چیز ارزشمندترین چیز هاست: عشق، اعتماد به نفس، دوست خوب.

«پائلو کوئیلو»

پاسخ مسئولینی

به درخواستهای شما

بر خور د قاطع وجدی بازیر میزی در دورود

پیرو مطلب چاپ شده در ویژه نامه اطلاعات دورود در تاریخ ۹۰/۶/۱۹ با عنوان «بیداد اخذ زیر میزی» به اطلاع عموم همشهریان عزیز می رساند سازمان نظام پزشکی نمایندگی دورود با ارسال نامه ای به دفتر روزنامه اطلاعات و مزید اطلاع شما شهروندان دورود اعلام کرد: متأسفانه در شهر دورود به علت تک پزشکی و تخصصی بودن برخی از بیمار یها مانند ارتوپدی و چشم پزشکی، پدیده اخذ زیر میزی بارها اتفاق افتاده که تاکنون چند مورد پس از شکایت کتبی بیمار و رسیدگی آن، پول از پزشک متخلف پس گرفته شده و به بیمار پرداخت شده است، همچنین در ۲ تا ۳ مورد جراحی ناموفق یا سهل انگاری از جانب پزشک که به مرگ بیمار ختم شده، دریافت دیه انجام شده است.

شهروندان دورودی مطلع باشند که نمایندگی سازمان نظام پزشکی در دورود از این پس برخورد با پزشکان متخلف را به صورت جدی تری دنبال خواهد کرد و این امر منوط به شکایت کتبی بیمار از پزشک متخلف در همه اموری مانند، اخذ زیر میزی، بی احترامی پزشک و کادر درمانی به بیمار، قصور پزشکی و نتیجه نامطلوب بعد از عمل خواهد بود.

همشهریان می توانند مراتب شکایت خود را مستقیماً در روزهای زوج هفته از ساعت ۹ تا ۱۲ به دفتر نظام پزشکی دورود واقع در ابتدای خیابان کندوان - کوچه پردیس اول تحویل دهند یا با شماره تلفن ۴۲۱۲۶۲۵ تماس گرفته و مراتب شکایت خود را اعلام کنند و مطمئن باشند در برخورد با پزشکان متخلف هیچگونه قصوری انجام نخواهد گرفت. پرونده پزشک متخلف تشکیل، در صورت نیاز با تصمیم شورای مرکزی پروانه طبابت وی لغو و نام پزشک متخلف در مجله نظام پزشکی و در همه تابلوهای اعلانات سازمان نظام پزشکی درج خواهد شد.

جوابیه اداره امور آب و فاضلاب دورود

پیرو مطلب چاپ شده در ویژه نامه روزنامه اطلاعات دورود مورخ ۹۰/۶/۱۹ با عنوان «حفاری های اداره آب همچنان رها شده به حال خود» به اطلاع عموم همشهریان عزیز می رساند در صورت وجود مشکل فاضلاب شهری در مناطق خود یا حفاری های به جامانده از اداره آب یا ریزش کانال های فاضلاب مراتب را با تماس تلفنی با شماره های ۴۲۲۳۳۹۲ و ۴۲۲۶۶۱۸ به اطلاع اپراتور اداره آب رسانده یا با تلفن گویای ۱۲۲ تماس بگیرید و این اداره ظرف ۲۴ ساعت به درخواست شمارسیدگی خواهد کرد. در صورت تماس و عدم پاسخگویی یا عدم رسیدگی مراتب را مستقیماً به اطلاع ریاست این اداره برسانید.

روابط عمومی امور آب شهرستان دورود

جوابیه اداره برق در خصوص قطعی برق در سطح شهر

پیرو مطلب چاپ شده با عنوان «قطعی مکرر برق در سطح شهر و خسارت آن» در ویژه نامه قبلی اطلاعات دورود مطالبی را برای استحضار همشهریان عزیز عرض می نماییم. قطعی های برق سطح شهر شامل دو دسته است؛ قطعی های بی برنامه که به علت صدمات باد شدید، باران و غیره به شبکه ها یا سیمها پیش می آید، این قطعی ها مورد علاقه ما نیز نبوده و خارج از اراده اداره امور برق است. مورد بعدی قطعی های برق با برنامه زمانبندی بوده که در فاصله این قطعی ها پرسنل اقدام به تعمیرات یا احداث شبکه می کنند این زمانبندی ها با اداره کل هماهنگ شده و برای انجام این اقدامات چاره دیگری وجود ندارد، در خصوص پرداخت خسارت به کسانی که وسایل برقی آنها به شرط اینکه خسارت فقط به علت نوسان برق باشد لازم به توضیح است چندین پرونده در اداره برق در این خصوص موجود بوده که در صورت مشخص شدن علت خسارت، اگر از ناحیه نوسانات برقی بوده به طور کامل خسارت پرداخت خواهد شد، کما این که تا کنون چندین مورد پرداخت خسارت نیز انجام شده است.

در خصوص دادن امتیاز و کنتور به مناطقی که ساخت و ساز جدید در آنها صورت گرفته متأسفانه به علت اینکه در برخی از مناطق حریم قانونی رعایت نشده و حریم فضایی برای احداث شبکه برق برای ما وجود ندارد، تاکنون قادر نبوده ایم به این مناطق برق رسانی کنیم. اما علت به وجود آمدن این مشکل این است که در نوسازی و ساخت وسازها استعلامی از اداره برق در خصوص حریم ها صورت نمی گیرد و متأسفانه شهرداری به عنوان متولی این امور نظری از اداره برق در خصوص حریم ها نمی گیرد و حتی به برخی نامه های ارسال شده در خصوص رعایت حریم ها در مناطق مختلف تاکنون پاسخی داده نشده است که امیدواریم شهرداری با تعامل بیشتر با اداره برق از بروز چنین مشکلاتی در آینده جلوگیری کند.

در پایان از همه همشهریان عزیز می خواهیم با توجه به نظر مراجع تقلید مبنی بر ایراد شرعی در استفاده از برق غیر مجاز، قانونمند بودن را رعایت کنند، در ساعت های اوج مصرف، کم مصرف باشند و اگر قصد تخریب، نوسازی یا ساخت و ساز دارند حتماً از اداره برق در خصوص حریم ها اطلاعات لازم را کسب کنند تا در آینده ما نیز مشکلی در خدمات رسانی هر چه بهتر نداشته باشیم.

از اداره های دولتی و کارخانجات نیز انتظار داریم هر چه سریعتر به پرداخت بدهی های معوق خود اقدام کنند و این نکته را در نظر داشته باشند که همکاری با اداره برق در پرداخت به موقع قبوض یعنی کمک به خدمات رسانی هر چه بیشتر و بهتر این اداره. شهری روشن در شبها، با همکاری همه شما، انشاء الله.

روابط عمومی امور برق شهرستان دورود

جوابیه شهرداری

پیرو درخواست های مکرر ساکنین کوی فدک از شهرداری مبنی بر آسفالت ادامه بلوار امام علی (ع) به سمت کوی فدک و نامه نگار یهای فراوان از ادارات مختلف، لازم به توضیح است آسفالت این منطقه به عهده خود تعاونی های مسکن مانند تعاونی مسکن فرهنگیان، کارخانه سیمان و صنایع دفاع است و انجام آن از عهده شهرداری با توجه به تعهداتی که این تعاونی ها در خصوص آسفالت این منطقه دارند خارج است، لذا از تعاونی های فوق می خواهیم هر چه سریعتر نسبت به انجام تعهد و وظیفه خود اقدام لازم را به عمل آورند.

روابط عمومی شهرداری دورود

حکایت من و تابلوی اداره کل راه آهن ناحیه لرستان

چندی پیش برای تهیه بلیت به قصد عزیمت به تهران راهی یگانه مرکز فروش بلیت در راه آهن شدم، تعداد زیادی از همشهریان در صف خاصی منتظر تهیه بلیت بودند اما بعد از درخواست چند نفر سیستم قطع شد!امان از این قطعی سیستم‌ها که بهانه خوبی برای کار نکردن‌ها شده است!

ابتدا در بانک‌ها و اکنون در راه آهن. من که استرس رفتن به تهران را برای فردا داشتم کم کم کاسه صبرم در حال لبریز شدن بود که خوشبختانه سیستم وصل شد لیکن بعد از تناول چای توسط فروشنده. اما بعد از درخواست یکی دیگر از همشهریان که قصد خرید بلیت تهران را داشت، به او گفته شد: سهمیه بلیت دورود تمام شده! به زحمت خود را به باجه رساندم و پرسیدم سهمیه؟ گفت؟ بله، مگر نمی‌دانید که دورود فقط تعداد خاصی بلیت می‌تواند بفروشد؟ شما می‌توانید از بلیت‌های سهمیه اراک استفاده کنید، تا اراک در راهرو سرپا بمانید و وقتی قطار به اراک رسید، بروید سر جای خودتان. پرسیدم: یعنی راه دیگری وجود ندارد؟ گفت: نه! تعدادی از همشهریان گفتند: اگر تنهایی سوار قطار عادی شوی شاید صندلی اتوبوسی گیرت بیاید.

چون چاره‌ای نبود همین کار را کردم، وارد ایستگاه که شدم جمعیت باور نکردنی را پیش‌رو دیدم بی‌اختیار به یاد ورودی‌های استادیوم آزادی به وقت داریی تهران افتادم. قطار آمد... همه‌به‌زحمت مثل من وارد قطار شدند، در همین حین از بلندگو اعلام حرکت کردند، هنوز خیلی‌ها در حال حرکت قطار سوار شدند. در شگفت بودم که دورود با وجود این همه مسافر چرا سهمیه ندارد؟ یعنی مسئولین راه آهن از این وضع بی‌اطلاعند؟ شاید اگر بی‌اطلاعند به دلیل است که تا به حال با این قطار به مسافرت نرفته‌اند که مشکلات مردم را ببینند و لمس کنند. یا خود گفتم ناراحت نباش و شکایت نکن شاید اوضاع شهرهای دیگر هم اینطور باشد. به‌ازنا رسیدیم آنجا هم تقریباً مثل دورود بود، اما شلوغی ایستگاهشان به دورود نمی‌رسید. بعد از گرفتن پول، رسیدی به من دادند که تا آخر سفر هیچ‌گونه کمکی هم به من نکرد. به زحمت و اصرار سرپرست قطار بعضی از خانواده‌ها تعدادی از مسافران را جا دادند. برخی هم که در این زمینه با تجربه شده بودند زیرانداز با خود همراه داشتند، غالباً جلوی درب سرویس بهداشتی و فاصله بین دو واگن پهن کردند و راحت نشستند! کم‌کم با گذشت چند ساعت به همان حال خوابیدند، شاهد بودم هر کس رد می‌شد نگاهی از روی ترحم و تعجب به آنها می‌انداخت و زیر لب زمزمه‌هایی می‌کرد ...

من همچنان ایستاده در راهرو بودم و از پشت شیشه تاریکی بیرون را نگاه می‌کردم و لذت می‌بردم! شروع به قدم‌زدن کردم که در همین حین به چند کوپه رسیدم که خالی از مسافر اما در بسته بود، با خود گفتم این کوپه‌های خالی حتماً سهمیه مسافران اراک است، تا اینکه به اراک رسیدیم. آنقدر مسافرانش کم بود که فکر نکنم بیش از ۳-۲ کوپه بعد از سوار شدنشان پر شد، اما چه کنیم که سهمیه داشتند. کوپه‌های خالی دیگر هم تا تهران همچنان به اسم اراک خالی بود تا این که به تهران رسیدیم. برای من که این مسافرت مثل گذشتن چندین شب طول کشید، اما مسافرین واگن‌های دیگر را می‌دیدم که با شادابی کامل بعد از خواب خوب روی صندلی‌های گرم و نرم در حال پیاده شدن از قطار بودند، به آنها واقعا حسادتم می‌شد. به واگن مسافران دورودی رسیدم، مردمی که در حال پیاده شدن از آن بودند آنقدر فشار صدای قطار و رفت و آمد بالای سرشان و سرمای راهرو را تحمل کرده بودند که تا چند دقیقه بعد از رسیدن قطار شوکه بودند که اینجا کجاست و چطور آمده‌اند. آنهایی هم که در حال رفتن بودن یا گردنشان را گرفته بودند یا لنگ لنگان راه می‌رفتند!!! با این وضع از دور می‌توانستم خیلی راحت همشهریان دورودی خود را در ایستگاه پیدا کنم. خلاصه با خستگی و بی‌حالی تمام به محلی که کار داشتم رسیدم.

بعد از آن ماجرا تصمیم گرفتم هرگز به این شکل مسافرت نکنم یا هزینه بیشتری صرف کنم و از بلیت سهمیه اراک استفاده کنم. چندروز بعد از خیابان راه آهن رد می‌شدم که تابلوی اداره کل راه آهن ناحیه لرستان را جلوی چشمانم دیدم، خندیدم و با خود گفتم سهم ما مردم دورود از راه‌آهن فقط همین تابلو هست و قطار محلی! اما ناراحت هم شدم چون آن وضع را لایق مردم شریف و فهیم دورود نمی‌دانم ...

از احداث پارک سوار تاحل مشکلات ترافیکی در دورود

مالک خصوصی داشته که تاکنون چند پیشنهاد نیز برای بهره‌برداری‌های مختلف توسط شهرداری به آن داده شده، اما متأسفانه تاکنون توافقی صورت نگرفته است.

اگر شهرداری موفق به تملک این محل شود با انتقال ایستگاه‌های تاکسی و اتوبوس پراکنده در محدوده میدان فرمانداری مانند ایستگاه انگشته – هشتصدستگاه – الغدیر و ... مطمئناً از ترافیک حاصل از تجمع تاکسی‌ها و اتوبوس‌ها در این منطقه به‌طور چشمگیری کاسته خواهد شد.

امیدواریم مالکان عزیز این ملک برای بهتر شدن شرایط ترافیکی و ظاهر شهری دورود با شهرداری همکاری همه جانبه کنند.

با افزایش روز افزون تعداد ماشین‌های سطح شهر و به تبع آن افزایش ترافیک به ویژه در نقاط مرکزی دورود به نظر می‌رسد در حال حاضر راهی که بتواند تا حدودی این مشکل را هم اکنون و در آینده مرتفع سازد، احداث پارک سوار در برخی نقاط شهر برای ساماندهی ایستگاههای اتوبوس و تاکسی است.

در حال حاضر بهترین مکانی که می‌توان برای احداث پارک سوار از آن بهره برد، پمپ بنزین سابق واقع در میدان امام حسین بالاتر از فرمانداری است. در این محل در روزها شاهد حضور دستفروشان آن هم به صورتی کاملاً نامنظم و نامناسب بوده و شب‌ها هم جایگاهی مناسب استعمال مواد مخدر برای معتادان است محل فوق

یادی از گذشته

حال و هوای آغاز عیدنوروز در کسبه و بچه‌های اصیل دورود

ایستاده از راست:

مرحوم زنده یاد حسن خرمی

مرحوم زنده یاد حاج موسی احدی

نشسته از راست:

حاج حسن خسرو کولیوند

حاج علی کاوند. (سال ۱۳۴۵)



(عکس از آرشیو شکار لحظه‌ها)

انتخابات امسال انتخاباتی متفاوت در دورود

نردبانی برای بالا رفتن و موفقیت خود بسازند که کاری بس زشت و ناپسند است.

از ترویج و پرداختن به مسائلی چون طایفه گرایی و قبیله گرایی و... بهره‌یزند و به جای آن به فرهنگ شایسته سالاری و توصیف کمالات و سوابق قبلی خود بپردازند. از صرف هزینه‌های زیاد و غیر معقول برای تبلیغات بهره‌یزند و سعی نکنند با دادن شام و ناهار در واقع مردم را به نوعی نمک‌گیر کنند. هرچند که تجربه‌های قبلی نشان داده که این کار اصولاً تأثیری در رأی مردم نداشته است.

و اما سخنی با مردم عزیز و همیشه در صحنه شهرمان: انسان به دنبال زندگی در جامعه‌ای است که روابط عادلانه بر آن حاکم باشد و حق او مراعات شود تا هم بتواند استعدادهای خدادادی خود را شکوفا کند وهم کرامت، حرمت و عزت نفس وی مورد تعرض قرار نگیرد. حال آنکه زیاده طلبی و فزون خواهی برخی افراد نابرابری می‌آورد که این موضوع باعث می‌شود قلب‌ها از هم فاصله گرفته، امنیت اجتماعی کاهش یافته و فرصت شکوفایی و رشد را از انسانها بگیرد. شناخت از مختصات انسان است، اما احساس مشترک بین انسان و سایر جانداران است، پس بیاییم به جای احساسی عمل کردن در بحث انتخابات از روی شناخت عمل کنیم. به جای انجام بیعت‌های کورکورانه، از بین نامزدهای انتخابات عالم ترین، با تقواترین، متخصص ترین، با تجربه‌ترین و شجاع‌ترین فرد را انتخاب کنیم، فردی را انتخاب کنیم که در خانواده‌ای صالح بزرگ شده و طعم تلخ فقر را چشیده باشد و بیشتر عمر خود را با مردم و در کنار ایشان گذرانده و در شادبها و مصائب و مشکلات ایشان سهیم بوده و مهتر از این که اگر صاحب پستی بوده از همه خوش برخوردتر، کریمانه تر، آبرومندتر، کم طمع‌تر و دوراندیش‌تر بوده و در واقع امین و امانت دار بهتری برای مردم بوده باشد و در واقع انتخاب اصلح به قول امام راحل محکی برای ما است که تشخیص بدهیم انتخابمان برای خدا و اسلام است یا برای صلاح خودمان. به امید آنکه حرکت همه مادر جهت انتخابی اصلح و با نیت خدایی باشد.

خدایا چنان کن سرانجام کار

تو خوشنود باشی ما رستگار

مهندس احمد رضا لشنی – کارشناس رسمی دادگستری

با توجه به این که چند ماهی بیشتر به انتخابات مجلس شورای اسلامی باقی نمانده است عده‌ای از کاندیداتورهای انتخابات در حال رایزنی و کسب رأی به‌صورت آشکارا و مخفی هستند لذا به عنوان یک شهروند بر خود واجب و لازم دانستم مطالبی هر چند مختصر را برای توجه بیشتر مردم عزیز شهرمان به انتخابی اصلح عرض کنم.

ب: وُضِع شهر چند ماه قبل از انتخابات

معمولاً چند ماه قبل از انتخابات موقع برخوردهای خوب برخی مسئولین با مردم است! موقع گره‌گشایی کار ارباب رجوع در برخی ادارات است! موقع تشکرهای برخی مسئولین از یکدیگر است! (در جراید یا با نصب بنر و...) موقع بذل و بخشش‌ها و ولخرجیهای بی اندازه است! و... البته این کارها چنانچه همیشگی و بسا خلوص نیت و رضای خدا باشد، پسندیده‌است، اما چنانچه برای جلب توجه مقطعی مردم باشد کاری بسیار ناپسند است.

– چند ماه قبل از انتخابات موقع تخریب برخی از مسئولین است و مسئولی که تا چند ماه قبل خوب بوده به یکباره به دلایل سیاسی مورد بی‌مهری قرار گرفته و درواقع قربانی سیاسی کاری عده‌ای می‌شود که متأسفانه درماه‌های اخیر در شهر خودمان نیز شاهد این موضوع بوده‌ایم.

حال سخنی با افرادی که قصد نامزد شدن در انتخابات را دارند و تعداد آنها نیز کم نیست:

– از کسانی که وارد این عرصه شده‌اند عاجزانه تقاضا داریم که حتماً برای یکبار هم که شده در قانون اساسی وظایف نمایندگان مجلس را مطالعه کنند تا با دادن و عده‌های گزافی که اصولاً جزو وظایف آنها نیست و از عهده انجام آن بر نمی‌آیند، مردم را فریب ندهند مثلاً: رفع معضل بیکاری، دادن خدمات از قبیل راهسازی، آب، برق، گاز، تلفن و غیره، سرمایه گذاری و تأسیس کارخانه، اجرای صحیح قوانین اداری، عزل و نصب مسئولان ادارات دولتی که کار قوه مجریه است نه مقننه. نماینده مجلس به عنوان وکیل مردم، موظف به نظارت برحسن اجرای این امور در منطقه خود و در کشور است. نه دخالت هر چه بیشتر در اجرای آنها.

– نامزدهای انتخاباتی از همان ابتدا مواضع سیاسی خود را قاطعانه اعلام کرده و بسا رفتارهای محافظه کارانه قصد گول زدن مردم رانداشته باشند. نامزدهای انتخاباتی و طرفداران ایشان نباید با تخریب و بردن آبروی افراد دیگر

خمیده پشت

از آن دارد

پیران

جهان‌دیده

که اندر خاک

می‌جویند

ایام جوانی را!



درخشش تیم کشتی سیمان دورود در مسابقات کشوری کارگران ایران



کشتی می گرفته که بارها قهرمان آموزشگاهها و نوجوانان ایران شده است. «کریم» دیگر برادرم در وزن ۵۵ کیلوگرم قهرمان نوجوانان و جوانان ایران شده است، بارها و بارها در جام‌های مختلف ستاره مسابقات شده و با بهترین کشتی‌گیران ایران مسابقه داد و بر همه غلبه کرد، اما به دلیل آسیب‌دیدگی زانو و بی‌مهری عده‌ای، کشتی قهرمانی را کنار گذاشت.

اوقات فراغت را چگونه می‌گذرانی؟

معمولاً هر روز تمرین دارم و بیشتر وقتم را با کشتی می‌گذرانم، جز مواقعی که با برادرم به هیأت می‌روم. عشق من آقا ابوالفضل است.

از مسئولین چه انتظاری داری؟

انتظار من خواسته نابجا و بزرگی نیست در همه جا قهرمانان کشوری مورد حمایت همه جانبه هستند، دوست ندارم به سرنوشت برادرم «کریم» دچار شوم که با این همه افتخارات در کشتی مورد کم توجهی مسئولین قرار گرفت، در حال حاضر با وجود کارخانه سیمان و این همه فرصت‌های شغلی او نیز مانند تعداد زیادی از قهرمانان سابق کشتی دورود که همه صاحب مقام و مدال هستند، بیکار است. به او که فکر می‌کنم تمام عشق و انگیزه‌ام به کشتی از بین می‌رود چون آینده کاری خود را مبهم می‌بینم من نصف آنها مدال و مقام هم ندارم.

حرف پایانی؟

حرف آخرم این که مسئولین ورزشی و شهری تجلیل از قهرمانان ورزشی دورود را فقط به یک مراسم یک ساعته تجلیل ختم نکنند، بلکه تا پایان کنار آنها باشند و همه‌جانبه حمایتشان کنند تا همچنان برای ورزش شهر دورود افتخارآفرین باشند. بی‌توجهی به قهرمانان ورزشی جز دلسردی نتیجه‌ای در بر ندارد.

کشتی‌گیر سابق تیم ملی جوانان و کمیل فرزنان از مازندران و در دیدار پایانی کشتی‌گیر کرچی را شکست دادم و به مقام سوم دست یافتم.

چند عنوان قهرمانی داری؟

۱۲ دوره قهرمانی استان در رشته آزاد، ۲ دوره قهرمانی استان در رشته فرنگی، عنوان سومی کشور در رده جوانان، قهرمانی آموزشگاههای ایران، قهرمانی در مسابقات بسیج کشور، قهرمانی در مسابقات ارتش‌های ایران، قهرمانی کشور در نیروهای مسلح، قهرمانی کشور در سازمان تربیت‌های ایران، قهرمانی همراه با لیگ جوانان کشور، نایب قهرمانی مسابقات کارگران کشور (سال ۸۹)، قهرمانی در مسابقات ۶ استان برتر کشور (سال ۹۰)، و چندین دوره قهرمانی در جام‌های مختلف و برتر کشور از عناوینی هستند که تاکنون کسب کرده‌ام.

از چه سالی به ورزش کشتی روی آوردی؟

از سال ۷۴ که بیست و پنج کیلو بیشتر وزن نداشتم با تشویق برادرم عزت یگانه که خود از مربیان و قهرمانان کشتی فرنگی است در باشگاه تختی ثبت‌نام کردم، اولین مربیانم آقایان مراد همتی و فرهاد دالوند بودند.

چرا ورزش کشتی را انتخاب کردی؟

چون در خانواده کشتی دوست متولد شدم و برادرانم همه دستی در کشتی داشته‌اند. طبعاً مشوق اصلی من نیز پدرم و برادرانم بودند، کوچک همه آنها هستم چون همه آنها به نوعی مربی من بوده‌اند، دستان با محبت پدرم را می‌بوسم و احترام به بزرگترها مخصوصاً پدر و مادرم را از مهمترین کارهای من دانم.

از برادرانت بیشتر بگو؟

برادر بزرگم «عزت» که نیاز به معرفی ندارند، از مربیان و قهرمانان کشتی فرنگی است. در وزنی که من کشتی می‌گیرم قبلاً برادرم «رحیم»



یادمان باشد روز گاری آسمان دورود آبی بود

شهرها برای تصاحب تنها دلخوشی شهروندان یعنی گهر و اشترانکوه. اینها پاره‌ای از مشکلات این شهر عجیب و بیمار است. حال دانستید که دورود به عنوان رکورد دار این معضلات سر آمد شهرهای هم تراز خود است؟ حال معضلی جدید که چند سالی است رنگ آسمان نیمه آبی شهر را خاکستری ساخته... آری! غبار برخاسته از سرزمین عراق و عربستان. غباری که هزاران بیماری حاد میکروبی و تنفسی را برای این مردم به سوغات می‌آورد و انگار ما نیز چون برخی از مسئولین شهر باورمان شده که آسمان خاکستری است! انگار آبی آسمان را به خاطرهما سپرده ایم، چرا که چاره را نه در درخواست از مسئولین بلکه در خرید یک ماسک ۵۰۰ تومانی می‌دانیم!!

قابل توجه نماینده محترم دورود و از ناو دیگر نمایندگان غرب کشور: آقایان! به خدارنگ آسمان آبی است و برای رضای خدا هم که شده آسمان آبی را فراموش نکنیم. آقای نماینده! آیا اگر این ریز معلق‌ها و مسافران ناخوانده سرتاسر بیماری در یکی از کلانشهرهای ایران به گشت و گذار می‌پرداخت، نمایندگان این شهرها نیز همچون شما عزیزان سکوت اختیار می‌کردند؟ آیا مطالبه آسمان آبی و دفاع از سلامتی شهروندان نیز باید رنگ ملاحظه‌کاری‌های سیاسی را به خود بگیرد؟ این مردم نجیب و مظلوم هیچ نمی‌خواهند جز اینکه صدا و دردشان به گوش مسئولین کشوری برسد. کمی با خود و جدانتان خلوت کنید. همین مردم شما را به کرسی مجلس رساندند، حداقل آسمان آبی را به پاس تشکر به آنان هدیه کنید.

احسان پارسا - انجمن کوهنوردان ایران

اواخر شهریورماه گذشته مسابقات کشتی آزاد قهرمانی کارگران ایران با حضور ۱۳۵ کشتی‌گیر از ۲۱ استان به میزبانی تهران برگزار شد که حضور قهرمانان صاحب‌نام در رده تیم ملی در این دوره باعث بالا رفتن سطح و کیفیت این مسابقات شد. تیم کشتی آزاد کارگران لرستان با نمایندگی منتخب سیمان دورود با مربیگری بهروز ساکی و ناصر سالاروند و با درخشش نفراتی چون رحمان یگانه، شاهوردی و گودرزی در رده‌بندی تیمی با ۱۳۵ امتیاز بعد از استان‌های مازندران و تهران با شایستگی تمام در جایگاه سوم بازپها قرار گرفت چه بسا اگر این تیم با بدشانشی قرعه و یکی دو وزن خالی آن مواجه نمی‌شد، یقیناً در سکوی نخست مسابقات قرار



می‌گرفت. ضمن تبریک و آرزوی سرفرازی برای تیم باشگاه سیمان دورود و تقدیر و تشکر از حمایت‌های مالی مهرزاد پور کریم (مدیر عامل سیمان دورود) داراب لریایی نژاد (رئیس تربیت بدنی سیمان دورود) مسعود ترک (مدیر امور اداری این شرکت) و وحید والیزاده (سرپرست) که این تیم را در همه مراحل مورد حمایت همه جانبه قرار داده‌اند. گفتگویی صمیمانه با یکی از قهرمانان وزن ۶۶ کیلو باشگاه سیمان انجام داده‌ایم.

ضمن معرفی خودتان بفرمایید در این مسابقات چه مقامی

کسب کردید؟

رحمان یگانه هستم متولد ۱۳۶۲. برای این مسابقات تمرینات خود را زیر نظر مربیان خوبم آقایان حجت‌اله بهلولی، احمد کاکاوند و بهروز ساکی آغاز کردم که همین جا از همه آنها به خاطر زحمت‌هایی که تاکنون برای من کشیده‌اند تشکر و قدردانی می‌کنم. در این مسابقات در وزن من کشتی‌گیران خوبی حضور داشتند. در دور اول کشتی‌گیری از فارس را شکست دادم. در دور دوم در مقابل میثم نصیری از زنجان، نایب قهرمان تیم ملی با اختلاف یک امتیاز و با بدشانسی باختم، اما در دور بعد محمدزاده

سالاها گذشته و دیگر خبری از نان و تخم مرغ محلی، کوچه و محله‌های آرام و خلوت، کاسه همسایه و انسانهای صبور و شادمان نیست، آنچه هست و هست دست ساخته‌های صنعت است و بی‌اعتنایی و چهره‌های عبوس و افکار درگیر روزمرگی‌ها... بی‌شک در کنار این معضلات نیاز به ایجاد آرامش و محیطی ایمن و زیبا بیش از پیش ضروری می‌نماید تا شاید اندکی از فشار حاصل از این مشکلات از چهره عبوس و ذهن همیشه درگیر آدمی بکاهند. حال اگر به دیار و شهر خود نظاره کنیم، آیا این محیط امن و زیبا را می‌توانیم لمس کنیم؟

واقعیت این است که شهر دورود به واقع یکی از پرتنش‌ترین شهرها و مردم آن از مظلوم‌ترین مردم ایران زمین به شمار می‌روند که همیشه و همه جا در وقت و بی‌وقت و در هنگام انتخابات‌ها و بحران‌ها در صحنه بوده و یارو یاور افراد به کرسی نشسته بوده‌اند، اما درعین نابوری به فراموشی و نسیان سپرده شدند. سؤال این است کدام یک از شهرهای ایران با چنین وسعت کم و جمعیت محدود دارای چنین آمار کثیر معضلات و مشکلات شهری، اجتماعی و زیست محیطی است. اگر رقیبی برای دورود سراغ دارید بفرمائید. تابوده و هست معضل آلودگی هوا توسط کارخانجات سیمان، بحران خشک شدن رودخانه تیره و مسائل بهداشتی آن، عبور یک خط راه آهن و ایستگاهی متروک و مسافران همیشه منتظر، وجود یک پل بتونی ناموزون که باید به‌عنوان یک اثر ملی در یونسکو ثبت شود!! معضل عبور کامیونهای غول‌پیکر خط تهران جنوب از قلب شهر، هجوم همه جانبه دیگر

بنگر که تا چه حد است مکان آدمیت...

نباشد. البته آن به آن معنا نیست که اگر شخص از نظر جسمی بیمار باشد، نمی‌تواند با نیروی برتر خود ارتباط برقرار کند، اما انسان با داشتن جسمی سالم می‌تواند روح با صلابتی داشته باشد. زیرا جسم و روح مکمل همدیگرند. به جز این، مسائل حاشیه‌ای و ریزی هم وجود دارند که ممکن است فکر شخص را تسخیر و درگیر کنند مثل اختلاف افکار و عقاید و سلیقه‌ها در زندگی مشترک. پس انتخاب یک شریک شایسته که افکار و عقایدش به طرف مقابل نزدیک باشد می‌تواند بسیار مهم باشد. اما به طور کلی با داشتن فاکتورهای اصلی فوق انسان می‌تواند به مرحله بعدی پای نهد که آن مرحله، لیست کردن نواقص شخصیتی و اخلاقی است؛ به این معنا که انسان صداقت واقعی به خود و نیروی برتر که همان خداوند است، نشان دهد. بنشیند و در خلوت و تنهایی نواقص خود را بنویسد. مطمئناً هر کس خود را بهتر از دیگران می‌شناسد و نمی‌تواند انسان به خود دروغ بگوید و هر کس از درون خویش و نواقص اخلاقی‌اش بهتر آگاه است؛ نواقصی مانند دروغ گفتن، حسادت کردن، چشم چرانی، غرور، و... تلاشی‌ترین نکته این مطلب اینجاست که با کار کردن روی این نواقص آن هم تک به تک انسان متوجه یک تحول بزرگ درونی و معنوی در درون خویش می‌شوند و آن انرژی فوق‌العاده که همان حضور خداوند در وجود انسان است را کاملاً حس می‌کنند. مطمئناً هر قلب و روحی که نواقص درون آن کمرنگ‌تر باشد، حضور خداوند در آنجا پررنگ‌تر است «آرامش واقعی یعنی خداوند در وجود انسان» البته ممکن است از نظر بسیاری، آرامش در مسائل دیگری نهفته باشد.

رسد آدمی به جایی که به‌جز خدا نبیند

بنگر که تا چه حد است مکان آدمیت

اگر یک هدف کلی و جامع را در نظر بگیریم اصلی‌ترین و مهم‌ترین هدف از زندگی رسیدن به تکامل است و این هدف بزرگ به سادگی میسر نمی‌شود، اما آیا ما می‌توانیم به یک تعادل جسمی، روحی و معنوی برسیم؟ چنین است. در واقع برخی فاکتورها و زمینه‌ها باید فراهم باشد که شخص بتواند به آن تعادل برسد و حتی از آن تعادل به‌سکوی پرتاب رسیده و از حد و مرز یک انسان عادی هم بگذرد و به مراتب بالاتری از دریچه عرفان و معنا برسد، البته در این مقطع از زمان و عصری که ما در آن زندگی می‌کنیم به ندرت هستند کسانی که حتی به این مطلب فکر می‌کنند، یا اگر هم فکر می‌کنند بسیار گذرا و مقطعی است و عملی کردن آن واقعاً دشوار است. در این نقطه به دو دستگی و دوگانگی می‌رسیم یک عده به این موضوع فکر می‌کنند، ولی شرایط عملی کردن آن را ندارند و بر عکس عده‌ای هم هستند که شرایط را دارند، ولی متأسفانه غرق در لذت‌های مادی و شخصی هستند و ناخود آگاه نمی‌توانند در این مسیر قدم نهند؛ اما شرایطی که از آن صحبت کردیم و شخص با داشتن آن شرایط خاص می‌تواند به سکوی پرتاب معنوی وصل شود.

۱- سلامت مادی: به این معنا که انسان از نظر مادی به کسی نیازمند نباشد و بتواند نیازهای روزمره خود را تأمین کند و ذهنش درگیر چه کمن‌های مادی نباشد. البته در حد نیاز و یک آینده نگری معقول، زیرا فراتر از آن معنای حرص و طمع پیدا می‌کند، آن وقت شخص هیچ‌وقت آرام و قرار ندارد و هر روز از روز قبل طماع‌تر و حریص‌تر می‌شود و در کل آرامش و تعادل ندارد.

۲- سلامت جسمی: به این معنا که انسان از نظر جسمی دغدغه‌ای نداشته باشد اگر هم داشت تأثیر به‌سزایی در افکار شخص نداشته باشد و وی بتواند تمرکز آزادانه‌ای داشته باشد و افکارش به خاطر دردهای جسمی درگیر

خنده نامه

شعر از گل آقای دورودی

بر تمام مشکلات ای دوست بی پروا بخند

در خیابان، توی کوچه، لاجرم هر جا بخند

بی نیازی جوی وز دارو و دکترها، بخند

حال را دریاب و با شادی همین حالا بخند

خویش را در آینه بین ویکه و تنها بخند

یا بخندان با کلامت دیگران را، یا خود بخند

پس اگر خواهی قوی گردند این اعضا، بخند

گویمش تنها من این یک پند ((جان ما بخند))

شاد باش لیکن بدون طعن و استهزا بخند

خنده خواهی گر کند بر رویت این دنیا، بخند.

چون که باشد خنده درمان تمام دردها

چون گذشته رفته و فعلا خبر از آینده نیست

خنده زیباتر نماید چهره را، کن امتحان

کن تبسم گر که دندانت نباشد در دهان!

بیست عضوت در تحرک باشد اندر خنده ات

گریه باید کرد بر آن کس که یک خنده نکرد

ریشخند دیگران جان من اما خنده نیست

سخت گیرد جهان بر مردمان سختگیر

ابراهیم مرزبان

دورود، پروژه جدید تبلیغاتی نمایندگان شهرهای همجوار

منتقل شود! صحبتها و شعارهای انتخاباتی برخی از اشخاص واقعاً مورد تعجب و تامل و تاسف می شود. از آنها تقاضا می کنیم در گفته های خود دقت کامل داشته باشند و از پتانسیل های شهر خود مایه بگذارند نه از شهرهای دیگر. اما نمایندگان شهرهای همجوار! آیا بهتر نیست به جای این که از یکدیگر امتیاز بگیرید و به جان هم بیفتید، از استان های همجوار امتیاز بگیرید؟

در خرم آباد گفته بود: می خواهیم مرکز راه آهن استان لرستان را از دورود به خرم آباد بیاوریم! آیا می شود چنین کاری کرد؟ با این حساب لابد ما هم باید انتظار جواب و شعار دیگری از نامزدهای انتخاباتی شهرمان داشته باشیم و آن این است که بگویند: ما هم می خواهیم مرکز استان را از خرم آباد به دورود بیاوریم! یا قلعه فلک الافلاک را به اسم دورود ثبت کنیم و مرکز صدا و سیما به دورود

فراوانی ممکن بود به طبیعت این منطقه با این کار وارد کند. با این حساب ما هم به عنوان شهروندان دورود از کاندیداهای این دوره تقاضا می کنیم در جواب به این حرفها در شعارهای خود برای مثال بگویند: آبشار آب سفید الیگودرز را می خواهیم به اسم دورود ثبت کنیم!! آیا انجام این کار درست است؟ عکس العمل آنها در مقابل این حرف چیست؟ شخص دیگری نیز چنین حرفی را

بار دیگر به انتخابات نزدیک می شویم و از هر جایی چه آشکار و چه پنهان شعارهای کاندیدهای انتخاباتی به گوش می رسد: حل کردن برخی از مشکلات منابع طبیعی و طبیعت دورود شعار بعضی از نامزدها شده است. برای مثال نماینده الیگودرز برای جلب نظر همشهریان خود گفته بود که می خواهد جاده ای به سمت گهر باز کند! اصلاً برایش مهم نبود که چه آسیبهایی



افزایش رونق گردشگری و صنعتی با ترکیبی از خدمات و مشاغل و خلاقیت فرصت های زیادی برای اشتغال

کمک به رونق گردشگری در سایه حمایت از مستندسازان دورود

سختی راه مستندی بسازم. فیلمنامه را به نام نگین زاگرس نوشته و طرح خود را در سینمای جوانان به تصویب رساندم، تجهیزات فیلمبرداری را از انجمن فراهم کردم. با ارائه مجوز ساخت به اداره ارشاد اسلامی و همکاریهای لازم از سوی آن رونوشت آن را به ادارات فرمانداری، شهرداری، محیط زیست و اداره گردشگری و صنایع دستی فرستادم اما متأسفانه هیچگونه کمک یا همکاری از طریق ادارات مربوطه انجام نگرفت و تنها کمک دفتر گردشگری از لحاظ اداری به اینجانب ارسال درخواست و برآورد بودجه طرح بنده به اداره کل بود که هرگز جوابی هم به دورود ارسال نشد، در صورتی که تمام امکانات و تجهیزات فیلمبرداری از طریق سینمای جوان بروجرد تهیه شده بود و تنها به کمک و همکاری نیاز داشتم که هیچگاه فراهم نشد.

گر هنرمند نداند که هنر چیست هنر داند که هنرمند کیست

جوانان فراهم شود مانند راهنمایان تورهای بومی، کارگاه های صنایع دستی منطقه ای و خدمات اقامتی و پذیرایی از جمله مهمترین مشاغل است که باعث شده است بومیان هر منطقه متخصص ترین افراد آن حوزه محسوب شوند، لذا اینجانب محمد شاهرخ نیا عضو فعال انجمن سینمای جوانان ایران- دفتر بروجرد- و دارنده گواهینامه فیلمسازی وظیفه خود دانستم به عنوان فیلمساز برای بهتر شناختن شهرمان به دیگران که پایتخت طبیعت ایران نیز از آن نام می برند و دارای جاذبه های طبیعی زیبا و بکر است فیلم مستندی از دریاچه گهر در فصل بهار اواسط خردادماه که پذیرای گردشگران زیادی از سراسر کشور است، تهیه کنم و از طبیعت زیبای آن و پیچ خمهای راه و چشم ساران کوه ها و

شهر دار محترم شهرستان دورود

جناب آقای مهندس بهرنگ دالوند

بدینوسیله از زحمات جناب عالی در انجام خدمات عمرانی، به خصوص تغییرات موثر در معابر اصلی شهر تقدیر و تشکر کرده، توفیق روز افزون برای شما آرزو مندیم.

از طرف جمعی از اهالی شهر دورود

جناب آقای دالوند

شهر دار پر توان وز حمتکش دورود

اقدامات موثر و تلاشهای شبانه روزی شما و همکارانتان ما را بر آن داشت تا با این اندک قدردان زحمات شما باشیم و از ایزدیکتا برایتان بهروزی و پایداری آرزو کنیم.

از طرف اهالی خیابان ناصر خسرو

جناب آقای مهندس بهرنگ دالوند

شهر دار محترم دورود

از بذل توجه حضرت عالی برای آسفالت کردن محله جماران و حل مشکلات شهری این منطقه تقدیر و تشکر کرده سلامتی و موفقیت شما را از خداوند متعال خواستاریم.

از طرف اهالی محله جماران

جناب آقای مهندس بهرنگ دالوند

شهر دار پر توان وز حمتکش دورود

از اقدامات شما در زیباسازی شهر دورود به ویژه رسیدگی به مشکلات منطقه الغدیر فاز دوم تشکر و قدردانی می کنیم، امیدواریم در تمام مراحل زندگی موفق و موید باشید.

جمعی از اهالی فاز دوم الغدیر

جناب آقای سیاوش فتحی

ریاست محترم بانک توسعه تعاون شعبه مرکزی استان

ضمن تشکر و قدردانی از حضرت عالی به لحاظ حسن انجام وظیفه در شعبه دورود انتصاب شما را به سمت ریاست بانک توسعه و تعاون شعبه مرکزی تبریک گفته و از ایزد یکتا توفیقات بیشتر و بهروزی شما را خواستاریم.

رضایی، اسدی، مهرپرور

ریاست محترم بانک توسعه تعاون دورود

جناب آقای اکبر شرفی

انتصاب بجا و شایسته حضرت عالی را به سمت ریاست بانک توسعه تعاون دورود تبریک و تهنیت گفته توفیقات روزافزون شما را از باری تعالی آرزو مندیم.

رضایی، اسدی، مهرپرور

جناب آقای نور محمد فرج زاده ریاست محترم موسسه مالی و اعتباری کوثر

ضمن سپاس و قدردانی از زحمات حضرت تعالی در موسسه مالی و اعتباری مهر (بسیجیان)، انتصاب بجا و شایسته جنابعالی را به سمت ریاست موسسه مالی و اعتباری کوثر شعبه ولایت دورود تبریک و تهنیت گفته و توفیقات روزافزون شما را در تمام مراحل زندگی از ایزد یکتا آرزو مندیم.

نمایندگی و خبرنگاری روزنامه اطلاعات دورود

استاد گرانقدر جناب آقای مهندس ابراهیم عامری
مدیر محترم گروه معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد دورود
تلاشهای دلسوزانه شما را در ارتقای سطح علمی دانشجویان ارج می نهیم، از وجود پر از مهربانی و خضوع شما بر خود می بالیم و از یگانه هستی برایتان بهترین ها را آرزو می کنیم.
جمعی از دانشجویان شما در دانشگاه آزاد اسلامی واحد دورود

آموزشگاه علمی دخترانه

وهاب

تدریس به صورت خصوصی و گروهی در رشته های

ریاضی، فیزیک، شیمی، عربی، زبان انگلیسی و فرانسه

در مقاطع ابتدایی، راهنمایی، دبیرستان و دانشگاه

آدرس: خیابان راه آهن پایین تر از بانک کشاورزی

کوچه گلبرگ ۴

تلفن: ۴۲۲۸۰۲۹ ۰۹۳۵۷۹۴۰۳۰۷

با تخفیف ویژه برای فرزندان کارکنان دولت و دانش آموزان ممتاز

قبولی و موفقیت در امتحانات و کنکور

* ریاضی و حساب: خانم قریشی و پازنده

(کارشناسی ارشد ریاضی)

* فیزیک: خانم دالوند

(کارشناسی ارشد فیزیک)

* شیمی: خانم فروغی و خانم بهرامی

(کارشناسی ارشد شیمی)

* زبان انگلیسی: خانم حسینی

(کارشناسی ارشد زبان انگلیسی)

* آموزش دوره های رباتیک

* تدریس دروس الکترونیک: مهندس

رجبی و مهندس دالوند

فروش کوچکترین و ارزانترین فتوکپی دنیا

در مرکز کامپیوتر ثامن آغاز شد

نماینده رسمی فروش انواع کارت رید و مواد مصرفی اصلی

(گارانتی تعویض بدون سؤال)

«ارسال رایگان»

همراه: ۰۹۱۶۹۶۲۷۳۰۹

۴۲۱۰۴۷۷
۴۲۱۱۵۱۴

خ شریعتی - پاساژ گلچین - طبقه دوم

بزرگترین مشاور و مجری

هدایای تبلیغاتی

و

پروژه های انتخاباتی

۰۹۱۶۹۶۲۷۳۰۹ - ۴۲۱۰۴۷۷ احسان پارسا

کارشناس ارشد چاپ و تبلیغات - شماره مجوز ۱۳/۹۴۷۶

«اکازیون»

ملکی ارزشمند و تجاری، زیر قیمت واقعی و کارشناسی به مساحت ۲۴۳ متر مربع، واقع در وسط و بر خیابان شریعتی دورود با سند رسمی شش دانگ و شناسنامه فوری به فروش می رسد.

دکتر موسوی: ۰۹۱۶۶۹۹۴۶۰۸ مطب: ۴۲۲۳۹۵۴

تزیینات ساختمانی

دکوراسیون داخل و بیرون

سقف کاذب کاشی لوکس بلک کف پوش دیوار پوش PVC پارکت پتینه کاغذ دیواری

نما گستران امیر

سنگ مصنوعی و آنتیک در و پنجره دو جداره پرده تصویری دیوار پنل موتی کالر قرنیز، عایق سفید

۰۹۱۶۳۶۵۷۵۰۲ - ۰۹۳۷۳۶۵۷۵۰۲ تلفکس: ۰۶۶۵۴۲۲۳۶۶۲ AMIR.7502@Yahoo.Com

آدرس: لرستان. دورود. خ شریعتی. پاساژ آزادگان. پلاک ۲۲ مهرپرور



مشتریان گرامی



ضوابط اخذ تسهیلات از سپرده مهر ۳

مدت سپرده گذاری حداقل ۴ ماه می باشد

مبلغ امتیاز وام بعد از گذشت ۴ ماه معادل میانگین حساب می باشد
 نرخ سود برای تسهیلات با اقساط حداکثر ۲۴ ماهه ۱۲ درصد
 و برای تسهیلات با اقساط بالای ۲۴ ماه ۱۴ درصد می باشد
 مدت بازپرداخت اقساط ۶ برابر مدت سپرده گذاری می باشد (حداکثر ۱۲۰ ماه)
 در صورت سپرده گذاری بیش از یک دوره ۴ ماهه یا مبلغ تسهیلات یا مدت
 بازپرداخت و یا تلفیقی از هر دو افزایش می یابد

حداقل تسهیلات در این طرح ۳۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال و حداکثر ۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال می باشد

در طول مدت سپرده گذاری به مبلغ کمتر از ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال هیچ گونه امتیازی
 تعلق نمی گیرد و سود متعلقه در زمان سپرده گذاری ۱ درصد برای مشتری می باشد
 و در صورت انصراف از اخذ تسهیلات ۱۰ درصد سود علی الحساب به مشتری تعلق می گیرد

کلیه تسهیلات مشتریان تا سقف ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال

الزاماً مشمول بیمه قرار می گیرد.

آدرس: دورود - بالاتر از بیمارستان ۷ تیر جنب بانک مسکن

موسسه مالی و اعتباری مهر تلفن: ۴۲۲۸۶۲۶ * ۴۲۱۲۵۱۱



مشتریان گرامی



ضوابط اخذ وام قرض الحسنه از سپرده میثاق ۴

مدت سپرده گذاری حداقل ۴ ماه می باشد

مبلغ امتیاز وام بعد از گذشت ۴ ماه ۹۰ درصد میانگین حساب و مدت بازپرداخت
 اقساط ۳ برابر مدت سپرده گذاری و حداکثر ۶۰ ماهه می باشد
 در صورت سپرده گذاری بیش از یک دوره ۴ ماهه یا مبلغ تسهیلات یا مدت بازپرداخت
 یا تلفیقی از هر دو افزایش می یابد و مشتری می تواند صرفاً یکی از امتیازات ذیل را
 انتخاب نماید:

الف) دریافت وام قرض الحسنه با کارمزد ۴ درصد تا سقف ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال

ب) دریافت تسهیلات عقود اسلامی با نرخ ۷ درصد تا سقف ۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال

ج) دریافت سود الحساب معادل سود سپرده های پشتیبان موسسه در صورت
 عدم تمایل مشتری برای اخذ وام یا تسهیلات

حداقل وام قرض الحسنه ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال می باشد در طول مدت سپرده گذاری
 به مبلغ کمتر از ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال هیچ گونه امتیازی تعلق نمی گیرد

کلیه تسهیلات مشتریان تا سقف ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال

الزاماً مشمول بیمه قرار می گیرد.

آدرس: دورود - ابتدای بلوار جهاد - جنب بانک مسکن

موسسه مالی و اعتباری مهر تلفن: ۴۲۲۸۶۲۶ * ۴۲۱۲۵۱۱

شرکت تولیدی، تجاری، خدماتی

تینا نما

ارائه دهنده جدیدترین مصالح تزئینی ساختمانی روز جهان
 از کف تا سقف و نمای بیرون، با کیفیت و قیمت استثنایی

آدرس: لرستان - دورود - مجتمع تجاری میلاد نور - طبقه سوم - واحد ۳۹
 تلفن: ۴۲۱۶۴۸۴ - ۰۶۶۵ همراه: ۰۹۳۶۵۴۵۲۶۸۱ (کا کاوند)

موبایل امین



♦ پخش عمده لوازم جانبی در سراسر شهر و استان
 ♦ خرید گوشی های کارکرده

با بهترین قیمت، کیفیت و آخرین قیمت را از ما بخواهید



تلفن: ۰۶۶۵۴۲۲۷۱-۸ همراه: ۰۹۱۲۵۸۳۲۵۲

مدیریت: امین لشنی

کافه تریا دلفین

با انواع ساندویچ و پیتزا آماده پذیرایی از شما همشهریان و دانشجویان عزیز است.



(باسرویس رایگان)

(کیفیت و خوشمزگی نشان تبلیغ ماست)

خیابان ۴۵ متری - جنب بنیاد شهید

تلفن: ۰۹۱۶۹۶۲۴۰۳۸، ۴۲۴۲۱۱۹ (تسلیمی)

باشگاه فرهنگی ورزشی پارسیان

با مجهزترین تجهیزات بدنسازی آماده ارائه خدمات

به تمامی ورزشکاران عزیز می باشد

برنامه های بدنسازی افزایش و کاهش وزن زیر نظر مربیان مجرب

مدیریت: رضا لشنی PARSIAN

بلوار معلم - بالاتر از بنیاد شهید

پتو و حوله گلبافت

اخذ مدرک استاندارد
 ISO 9001
 از کشور انگلستان

نماینده رسمی پخش در استان لرستان

منسوجات خانگی گلبافت - یک انتخاب یک هدیه
 حوله احرام، سرویس حوله های عروس و داماد

اخذ گواهینامه بین المللی
 oekotex 100
 سلامتی و بهداشت

نوزاد، لحاف رو تختی و رو فرش و بالش گلبافت و پتوی مسافرتی پاریزان
 « هنگام خرید اجناس به نام و آرم طلایی گلبافت توجه فرمائید »

www.patooye2rood.s.5com به قیمت روز تهران Email: g2-khodadad@yahoo.com

آدرس: دورود - میدان امام حسین - خ راه آهن - خ فاطمیه نرسیده به مرکز مخابرات
 تلفن: ۴۲۱۲۵۱۴ - ۱۵ همراه: ۰۹۱۶۶۶۸۴۰۹۵ - خدادادی

سرزمین فرش (مستندی)

اولین فرش ۹۰۰ شانه دستبافت گونه جهان

مجری طرح میزان (کارت سخا)

اقساط ۱۶ ماهه - بدون کارمزد - ضمانت نامه ۱۰ ساله کیفیت

موجی نو در دکوراسیون داخلی

عرضه کننده فرشهای ساوین - تهران - کلاسیک یزد - ستاره تبریز
سپاس نور - خاطره کاشان

فرش های ۵۰۰ - ۷۰۰ - ۹۰۰ شانه ماشینی

فرش های مدرن ترکیه - بورس انواع شگی های خارجی

موکت های سپاهان - پالاز - آرتا **ارسال رایگان داخل شهر**

با هر خرید یک کارت قرعه کشی بزرگ سرزمین فرش دریافت کنید

زمان قرعه کشی متعاقباً اعلام می گردد

طرف قرارداد با تعاونی های کارمندی ، کارگری و ارگان ها و خانواده های محترم و فرهیخته فرهنگیان

سرزمین فرش معتمدی شعبه دیگری ندارد

شماره های تماس :

۰۶۶۵ ۴۲۲ ۸۸۹۹

۰۹۱۲ ۴۲۱ ۱۲۷۱

آدرس : لرستان - دورود - بلوار ۶۰ متری

پایین تر از بانک تجارت - نبش میثاق ۷

نمایشگاه و فروشگاه معتمدی